



پوهنتون سلام

پوهنځی شریعات و قانون

برنامه ماستری تفسیر و

حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# جمع و بررسی احادیث صحاح سته و

## مسائید در ترک اتباع هوی

(پایان نامه ماستری)

محصل: عبدالباری " عزیزى "

استاد رهنما: دكتور فصیح الله " عبد الباقي "

سال: ۱۴۰۰ هـ.ش. ۱۴۴۳ هـ.ق.



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
برنامه ماستری تفسیر و  
حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# جمع و بررسی احادیث صحاح سته و مسائید در ترک اتباع هوی

(پایان نامه ماستری)

محصل: عبدالباری " عزیزى "

استاد رهنما: دكتور فصیح الله " عبد الباقي "

سال: ۱۴۰۰ هـ ش. ۱۴۴۳ هـ

الله الرحمن الرحيم



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارټمنت تفسیر و حدیث

بورډ ماسټری

## تصدیق نامه

محترم عبدالباري ولد عبدالجليل ID نمبر SH-MST-99-722 محصل دور ششم تفسیر و حدیث که رساله ماسټری خویش را زیر عنوان: جمع و بررسی احادیث صحاح سته و مسانید در ترک اتباع هوی به روز ۱۳۰۱/۷/۱۴ تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۴ هـ ش موفقته دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) نود و نول (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد شکرالله مخلص	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالباري حمیدی	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقي	استاد هیات و رئیس جنمه دفاع	

معاون علمی

امر بورډ ماسټری

## اهداء

رساله خویش را در قدم نخست برای والدین گرامی و برادران عزیزم که واقعاً در قسمت پرورش، تعلیم و تحصیل بنده لحظه ی تغافل ننموده اند.

همچنان برای تمام اساتید عالیقدرم، که در حقیقت هر یک شان حیثیت پدر معنوی و آب حیات روحی بنده در زندگی بوده اند.

و همچنان برای تمام دعوتگران و بیدارگران که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل حقیقی و واقعی هستند و عملاً در این قسمت سعی و تلاش دارند.

به تمام شهدای اسلام که جانهای عزیز شان را فدا و قربانی اعلاى كلمة الله نمودند.

و به تمام مسلمانانی که با اتباع هوی شان جهاد و مبارزه می کنند، اهداء می نمایم.

## سپاسگزاری

در اول شکر و سپاس پروردگاری را که برایم توفیق عنایت فرمود تا این رساله ماستری خود را به پایان برسانم.

در قدم دوم از وزارت محترم تحصیلات عالی ابراز تشکر و امتنان می نمایم، که از یک طرف زمینه تحصیل را مساعد ساخته است و از طرف دیگر بزرگترین حامی برای مراکز تحصیلی می باشند.

در قدم سوم سپاس و تشکری خویش را خدمت تمام کسانی که مرا در این راه یاری نمودند، تقدیم میکنم و از پوهنتون سلام و مسئولین شان، مخصوصاً از پوهنچی شرعیات، دبیرتمنت تفسیر و حدیث، اظهار سپاس می نمایم که در مدت تحصیل ام، من را هر نوع کمک نمودند.

در قدم چهارم از تمام اساتید معظم و گرانقدرم به ویژه از استادان مناقشم و استاد رهنمایم، دکتور فصیح الله "عبد الباقي" که رهنمایی بنده را به عهده گرفتند و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کردند، اظهار امتنان نموده که ما را رهین منت خود ساختند، فجزاه الله خیراً.

## خلاصه بحث

اتباع هوی عبارت از میلان نمودن نفس به چیزهای که الله متعال آنها را مباح ندانسته و از آن چیزها نفس لذت و اشتها ببرد و از طرف دیگر آن چیزها از جمله عیوب و نواقص اخلاقی شمرده شده و مخالف شریعت الهی باشند. اهمیت این تحقیق در آن است، که آگاهی از اتباع هوی انسان را به حقیقت و جوهریتش که از عالم ملکوت است، پی برده، از آثار نادرست اتباع هوی و عواقب آن واقف شده، خطر پیروی آن را به جامعه معرفی نموده، تا راه های مقابله با آن را بشناسیم. قلت تحقیق روی این موضوع، اهمیت آن و حل سوالات پیرامون آن از جمله اسباب اختیار این موضوع است. تحقیق حاضر از جمله تحقیق کتابخانه و با روش تحلیلی توصیفی می باشد.

آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، اقوال صحابه و سخنان مفسرین و محدثین راجع به اتباع هوی، این را می رسانند که اتباع هوی یک عمل مذموم و خلاف اخلاق است. هوی دو قسم است، مذموم و محمود، ولی وقتی که هوی بشکل مطلق ذکر شود، به مذموم حمل می شود. اتباع هوی دارای اضرار اند، از جمله باعث فساد و تباهی آسمان ها، زمین و آنچه که در آسمانها و زمین است، می گردد، شخص را گمراه و منحرف می گرداند، اعمال صالحه را باطل می سازد، سبب تعطیل اوامر و ارتکاب نواهی می گردد. راه علاج از اتباع هوی زیاد است، از جمله: تحویل جهت و میل از شهوت حرام به شهوت حلال، تقویت اراده، محاسبه با نفس، به کثرت انجام دادن اعمال صالح و غیره می باشند.

صاحح سته: صحاح هر کتاب که مصنفش در آن جمع کردن احادیث صحیح را شرط گذاشته باشد، برابر است به آن شرط وفا کرده باشد و یاخیر، از جمله کتب که صاحب شان احادیث صحیح را جمع نموده و بشروط صحیح وفا کرده، صحیح البخاری و صحیح مسلم اند، اما از جمله کتب که صاحب شان جمع نمودن احادیث صحیح را شرط کرده، ولی به آن وفا نکرده، صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبان اند. منظور از صحاح سته: ۱- صحیح البخاری ۲- صحیح مسلم ۳- سنن نسائی ۴- سنن ابوداود ۵- سنن ترمذی ۶- سنن ابن ماجه می باشند. و منظور از مسانید هر کتابی که در آن روایت های هر صحابی بشکل مستقل و جدا جمع شده باشد، بدون نظر به موضوع که حدیث در آن تعلق و ارتباط می گیرد، مثل مسند امام احمد بن حنبل. احادیث وارد در صحاح سته راجع به اتباع هوی، بدو بخش تقسیم نموده ام، احادیث وارده در صحیح البخاری و مسلم است، که راجع به اتباع هوی، جمعاً بیست و یک (۲۱) حدیث گرد آورده ام، که هشت (۸) آن متفق علیه، چهار (۴) آن در صحیح البخاری و نه (۹) حدیث آن در صحیح مسلم است. بخش

دوم احادیث وارده در سنن اربعه راجع به اتباع هوی را آورده ام، که با تلاش و تتبع جمعاً یازده (۱۱) حدیث گرد آوردم. احادیث وارده در مسانید که راجع به اتباع هوی بودند، جمعاً دوازده حدیث پیدا نمودم. در اخیر باید گفت: مخالفت با اتباع هوی سبب رستگاری و کامیابی شخص گردیده، بهترین جهاد مبارزه با اتباع هوی بوده، اتباع هوی قلب را فاسد گردانده، محبت الله و پیامبر سبب دوری از اتباع هوی گشته، اتباع هوی سبب گمان های نادرست گشته، سبب عدم شناخت حق گردیده، انسان را گمراه ساخته، دخول به جهنم را لازم ساخته و از جنت پروردگار محروم می گرداند، به همین شکل اتباع هوی انسان را به حیوان نزدیک ساخته، سبب زلت و خواری شخص گشته، ظلم کردن را بر دیگران کثرت بخشیده، خوبی ها را از انسان گرفته و بسوی بدی حرکت می دهد و غیره.

**کلید واژه ها:** جمع و بررسی، احادیث نبوی، کتب صحاح سته، کتب مسانید، اتباع هوی.



## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
<b>فصل اول</b>	
<b>عمومیات</b>	
مبحث اول: تعریف اتباع، هوی و اتباع هوی.....	۷
مطلب اول: تعریف لغوی و اصطلاحی اتباع.....	۷
مطلب دوم: تعریف لغوی و اصطلاحی هوی و اتباع هوی.....	۹
مبحث دوم: نهی از اتباع هوی و اسباب آن.....	۱۳
مطلب اول: نهی از اتباع هوی در قرآن.....	۱۳
مطلب دوم: نهی از اتباع هوی در احادیث نبوی.....	۱۵
مطلب سوم: آثار صحابه و اقوال مفسرین در منع از اتباع هوی.....	۱۸
مطلب چهارم: اقوال محدثین در منع از اتباع هوی.....	۲۰
مطلب پنجم: اسباب اتباع هوی.....	۲۳
مبحث سوم: اقسام اتباع هوی، مذمومیت، اضرار و راه های علاج آن.....	۲۵
مطلب اول: اقسام اتباع هوی.....	۲۵
اول: هوی محمود.....	۲۶
دوم: هوی مذموم.....	۲۷
مطلب دوم: مذمومیت اتباع هوی.....	۲۸
الف: مذمومیت اتباع هوی عقلاً.....	۲۸
ب: مذمومیت اتباع هوی نقلاً.....	۳۰

- ج: فوائد مخالفت از اتباع هوی..... ۳۱
- مطلب سوم: اضرار اتباع هوی..... ۳۲
- باعث فساد و تباهی می گردد..... ۳۲
- از حق منحرف گردیده و گمراه می شود..... ۳۲
- اعمال صالحه را باطل می سازد..... ۳۳
- اتباع هوی سبب تعطیل اوامر و ارتکاب نواهی می گردد..... ۳۴
- مطلب چهارم: راه های علاج از اتباع هوی..... ۳۵
- مبحث چهارم: معرفی صحاح سته و مسانید..... ۴۱**
- مطلب اول: معرفی کتب صحاح سته..... ۴۱
- مطلب دوم: معرفی کتب مسانید..... ۵۰

## فصل دوم

### جمع و بررسی احادیث صحاح سته در اتباع هوی

- مبحث اول: جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم در اتباع هوی..... ۵۲**
- مطلب اول: جمع و بررسی احادیث متفق علیه در اتباع هوی..... ۵۲
- حدیث اول و وجه استدلال آن..... ۵۲
- حدیث دوم و وجه استدلال آن..... ۵۴
- حدیث سوم و وجه استدلال آن..... ۵۵
- حدیث چهارم و وجه استدلال آن..... ۵۸
- حدیث پنجم و وجه استدلال آن..... ۵۹
- حدیث ششم و وجه استدلال آن..... ۶۰

- ۶۲..... حدیث هفتم و وجه استدلال آن
- ۶۳..... حدیث هشتم و وجه استدلال آن
- ۶۴..... مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری در اتباع هوی
- ۶۴..... حدیث اول و وجه استدلال آن
- ۶۶..... حدیث دوم و وجه استدلال آن
- ۶۷..... حدیث سوم و وجه استدلال آن
- ۶۸..... حدیث چهارم و وجه استدلال آن
- ۶۹..... مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث صحیح مسلم در اتباع هوی
- ۶۹..... حدیث اول و وجه استدلال آن
- ۷۱..... حدیث دوم و وجه استدلال آن
- ۷۲..... حدیث سوم و وجه استدلال آن
- ۷۴..... حدیث چهارم و وجه استدلال آن
- ۷۵..... حدیث پنجم و وجه استدلال آن
- ۷۶..... حدیث ششم و وجه استدلال آن
- ۷۸..... حدیث هفتم و وجه استدلال آن
- ۷۹..... حدیث هشتم و وجه استدلال آن
- ۷۹..... حدیث نهم و وجه استدلال آن
- ۸۲..... مبحث دوم: جمع و بررسی احادیث سنن اربعه در اتباع هوی
- ۸۲..... مطلب اول: جمع و بررسی احادیث که در سنن اربعه در اتباع هوی اند
- ۸۲..... حدیث اول و وجه استدلال آن

- ۸۳..... حدیث دوم و وجه استدلال آن
- ۸۴..... حدیث سوم و وجه استدلال آن
- ۸۵..... مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث سنن الترمذی در اتباع هوی
- ۸۵..... حدیث اول و وجه استدلال آن
- ۸۶..... حدیث دوم و وجه استدلال آن
- ۸۸..... حدیث سوم و وجه استدلال آن
- ۸۹..... مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث سنن ابی داود در اتباع هوی
- ۸۹..... حدیث اول و وجه استدلال آن
- ۹۰..... حدیث دوم و وجه استدلال آن
- ۹۱..... حدیث سوم و وجه استدلال آن
- ۹۲..... مطلب چهارم: جمع و بررسی احادیث سنن النسائی در اتباع هوی
- ۹۲..... حدیث اول و وجه استدلال آن
- ۹۳..... حدیث دوم و وجه استدلال آن
- ۹۴..... مطلب پنجم: جمع و بررسی حدیث سنن ابن ماجه در اتباع هوی

### فصل سوم

#### جمع و بررسی احادیث مسانید در اتباع هوی

- ۹۶..... مبحث اول: جمع و بررسی احادیث مسند الإمام أحمد بن حنبل و مسند الشهاب در اتباع هوی
- ۹۶..... مطلب اول: جمع و بررسی احادیث مسند الامام احمد بن حنبل در اتباع هوی
- ۹۶..... حدیث اول و وجه استدلال آن
- ۹۷..... حدیث دوم و وجه استدلال آن

- حدیث سوم و وجه استدلال آن..... ۹۵
- مطلب دوم: جمع و بررسی حدیث مسند الشهاب در اتباع هوی..... ۹۹
- مبحث دوم: جمع و بررسی احادیث بقیه کتب مسانید در اتباع هوی..... ۱۰۱
- مطلب اول: جمع و بررسی حدیث مسند الشامیین در اتباع هوی..... ۱۰۱
- مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث مسند البزار در اتباع هوی..... ۱۰۳
- حدیث اول و وجه استدلال آن..... ۱۰۳
- حدیث دوم و وجه استدلال آن..... ۱۰۴
- حدیث سوم و وجه استدلال آن..... ۱۰۴
- مطلب سوم: جمع و بررسی حدیث مسند ابي داود الطيالسي و مسند إسحاق بن راهويه در اتباع هوی.. ۱۰۵
- مطلب چهارم: جمع و بررسی حدیث مسند الفاروق در اتباع هوی..... ۱۰۶
- مطلب پنجم: جمع و بررسی حدیث مسند الدارمی در اتباع هوی..... ۱۰۶
- نتیجه گیری..... ۱۰۸
- پیشنهادهات..... ۱۰۹
- فهرست آیات قرآن کریم..... ۱۱۱
- فهرست احادیث نبوی..... ۱۱۳
- فهرست اعلام..... ۱۱۶
- فهرست منابع و مأخذ..... ۱۱۹

## مقدمه

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه، ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وسلم، يقول الله تعالى في محكم تنزيله: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}.<sup>(۱)</sup>

امابعد: از آنجای که خلقت انسان همراه با خواهشات هوی و هوس های گوناگون بوجود آمده است، پس این خواهشات خواهی نخواستی در وجود انسانها فطرتاً موجود است، بنابراین، در انسان ها غریزه هوی و هوس جا داشته و همیشه در پوره نمودن خواهشات خویش در وسوسه در آمده و گرفتار خواهش های گوناگون و متعدد می شود، چونکه هوی جز لازم هر انسان است و یکی از اشیاء مهلك چهار گانه است، که همیشه سد راه هر انسان بخاطر اغوای آنها در کمین قرار دارند، طوری که امام قرطبی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در کتابش شعری را آورده است: (إِبْلِيسَ وَالدُّنْيَا وَنَفْسِي وَالْهَوَى ... كَيْفَ الْخُلَاصُ وَكُلُّهُمْ أَعْدَائِي).<sup>(۳)</sup> چونکه اتباع هواء بنابر خواهشات که در آن نهفته است که اگر انسان در دام پیروی خواهشات آن قرار گیرد، سر انجام انسان تباه می شود، اما امکان مجاهده و عدم اتباع از آن در انسان ممکن است، در صورت که انسان تصمیم آنرا بگیرد.

لذا این رساله که راجع به «جمع و بررسی احادیث صحاح سته و مسانید در اتباع هوی» است، سعی می کنم تا تمام فواید، موضوعات و مسائل اتباع هوی را در روشنی احادیث پیامبر محبوب مان صلی الله علیه

---

۱- {آل عمران، آیه ۱۰۲}.

۲- قرطبی: (۶۷۱ هـ = ۱۲۷۳ م)، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح، أنصاري، خزرجي، أندلسي، أبو عبد الله، قرطبي، یکی از بزرگان مفسرین در زمانش بود، تولدش در قرطبه شده است، سپس به شرق اسیوط که قریه از قریه های مصر است، مسکن گزید و در همانجا وفات یافت، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الجامع لأحكام القرآن که در حدود ۲۰ جزء است، التقريب لكتاب التمهيد، قمع الحرص بالزهد والقناعة وغيره است. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، طبقات الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳، ۶۳۴.

۳- محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح، أبو عبد الله الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: ۶۷۱ هـ)، التذكرة بأحوال الموتى وأمور الآخرة، تحقيق ودراسة: الصادق بن محمد بن إبراهيم، الناشر: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ، ص ۸۸۰. باید گفت یکی از دانشمندان معاصر بنام عمر عبد الكافي شحاته این شعر را از ابوبكر الصديق رضی الله عنه دانسته است. عمر عبد الكافي شحاته، شرح كتاب الفوائد، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، ج ۴ ص ۱۰.

وسلم که در صحاح سته و مسانید اند، بیان نموده و مسلمانان را در این عرصه آگاهی کامل دهم.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه اتباع هوی، یکی از موضوعات مهم و مورد ابتلای انسان در زمینه اخلاق بوده و مستقیم با سعادت و شقاوت انسان مرتبط است و همچنین از آنجا که کمال نهایی انسان در قرب به الله جل جلاله است و در این معنا همه انبیاء، اولیای الهی و تمام کسانی که در صدد تحصیل کمال برآمده و از اهل سیر و سلوک بوده اند؛ اتفاق نظر دارند، که هوی و خواهش های آن در نیل به کمال انسانی مزاحم انسان بوده و اتباع از آن باعث سقوط خواهد بود لذا؛ اگر انسان بخواهد راهی بیبماید و بجای برسد، چاره جز مخالفت با خواسته های هوی و مبارزه به آن نیست و مبارزه با هوی، آن قدر ادامه یابد، تا هوی مطیع عقل گردیده و جز جنود عقل به حساب آید وگرنه با وجود هوی و خواهش های آن رسیدن به کمال و مقام قرب میسر نخواهد بود. لذا بر آن شدیم که به بررسی شناخت هوی و اسباب و اضرار آن و پیامد های پیروی از هوی بپردازیم، لذا شناخت هوی به این است که انسان به حقیقت و جوهریت خود که از عالم ملکوت است، پی ببرد.

اینکه هوی یک دشمن سرسخت انسان است، کدام شک و تردید وجود ندارد و مورد اتفاق همه ای انبیاء، اولیاء، علماء و اهل سلوک است و کدام اختلاف نظر وجود ندارد و خواهشات هوی چنین آفت است که دامن گیر همه افراد جامعه بشری می باشد و حتی خواص هم از آن خالی و باز نمانده اند. طوریکه الله متعال در آیات متعدد قرآن کریم سرانجام پیروی اتباع هوی را بیان کرده است که گمراهیت است، طوری که فرموده است: {فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ}.<sup>(۱)</sup> ترجمه: در میان مردم به حق داوری کن و پیرو هوی مباش که تو را از راه الله گمراه می کند.

تحقیقات موجود روی این موضوع، بشکل جمع آوری احادیث و بشکل واحد و منسجم مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، لذا خواستیم احادیث صحاح سته و مسانید را روی این موضوع گرد آوری، واحد و منسجم نمایم، تا مورد استفاده درست و خوب قرار گیرد.

همچنان از فواید دیگری شناخت این موضوع از این قرار است که هدف ما از انجام این تحقیق اخلاقی، این است که اولاً خودم نسبت به این موضوع شناخت پیدا کنم و به آثار نادرست هوی پی ببرم و به

---

۱- {ص، آیه ۲۶}.

عواقب اتباع هوی واقف شوم و دوم اینکه خطر پیروی آن را به جامعه معرفی کنم، تا راه های مقابله با آن را بشناسیم، به امید اینکه یک روزی شاهد رشد فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در جامعه باشیم و تک تک مسلمین را بر فراز قله های معنوی و اخلاقی نظاره گر باشیم.

خلاصه ضرورت دیده می شد تا روی این عنوان در روشنی احادیث صحاح سته و مسانید تحقیق نمایم و بعداً آن را در خدمت مردم خود قرار دهم، تا مردم ما از اضرار و اسباب اتباع هوی آگاه شده و اتباع وی را به شکل واقعی آن و مطابق احادیث نبوی بشناسند، تا از اتباع هوی دور باشند و در شناسای آن غافل نباشند.

### اسباب اختیار موضوع

- ۱- اهمیت این موضوع که عدم اتباع هوی از بزرگ ترین وسایل قرب با الله متعال و از بهترین فضائل اخلاقی است، بیان گر سبب اختیار این موضوع است.
- ۲- تحقیقات موجود پیرامون این موضوع به زبان فارسی بسیار کم و خلاصه بود، که نمی توانیست تمام جوانب این مسئله را در بر می گرفت، بنابراین، ایجاب می کرد تا تحقیقات بیشتر صورت گیرد.
- ۳- همچنان تحقیقات پراکنده روی این مسئله بزبان عربی موجود بود، که دسترسی به آنها برای عام مردم مشکل بود.
- ۴- ذکر نمودن تمام جزئیات این مسئله بطور مفصل و مدلل در روشنی احادیث نبوی، تا مسلمانان بشکل درست و واقعی آن از اتباع هوی، اضرار، اسباب و عواقب آن آگاه شوند.
- ۵- پاسخ به حل سوالاتی که امروزه مردم در این عرصه دارند، از قبیل اتباع هوی چیست؟ در احادیث نبوی راجع به اتباع هوی چه قدر احادیث است؟ و امثال آن.

### سوالات تحقیق

برای هر تحقیق دو گونه سوال وجود دارد، سوال اصلی و سوالات فرعی، که سوالات اصلی و فرعی این تحقیق قرار ذیل اند:

#### الف: سوال اصلی:

احادیث که در صحاح سته و مسانید راجع به اتباع هوی اند، کدام ها اند؟



## ب: سوالات فرعی:

- ۱- اتباع هوی چیست؟
- ۲- احادیث که راجع به اتباع هوی در صحاح سته اند، کدام ها اند؟
- ۳- احادیث که راجع به اتباع هوی در مسانید وجود دارند، کدام ها اند؟
- ۴- اتباع هوی به چند نوع است؟

از این رو در این رساله می‌کوشم، برای پاسخگویی به این سوالها با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از احادیث نبوی و شارحین آن مورد جمع و بررسی قرار دهم.

## پیشینه تحقیق

طوریکه اتباع هوی یک موضوع مهم و قابل بحث است و در این هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد که علماء و دانشمندان پیرامون این موضوع تحقیقات خود را انجام داده اند، و نیز روی این موضوع در تفاسیر و کتب اهل سلوک و عارفین بعضی تحقیقات بشکل پراکنده وجود دارد، از جمله این تحقیقات:

- ۱- الهوی وأثره في الخلاف: از عبدالله الغنيمان.
- ۲- ذم النفس والهوی: از عبد الهادي حسن و هبي.
- ۳- ذم الهوی: از أبو الفرج عبد الرحمن بن أبي الحسن الجوزي.
- ۴- العقل والهوی: از الحكيم الترمذي.

ولی از آنجا که احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم و کتابهای فوق الذکر به زبان عربی هستند و مردم و ملت افغانستان به زبان عربی تسلط ندارند، و از طرف دیگر فضای نا آگاهی و بی خبری از اتباع هوی بالای ملت مان سایه افکنده است، همچنان یک کتاب جامع روی اتباع هوی در روشنی احادیث نبوی جمع و بررسی نشده بود، از طرف هم نیاز مبرم دیده می شد تا روی این موضوع تحقیق صورت گیرد، بنابراین، لازم دیدم تا روی این عنوان به زبان فارسی که یکی از زبان های ملی کشورمان است، تحقیق نموده و احادیث صحاح سته و مسانید را روی این موضوع جمع و بررسی نمایم.

## اهداف تحقیق:

هر تحقیق وقتی که نوشته می شود، دارای اهداف اند، تحقیق حاضر نیز دارای اهداف مشخص است که قرار ذیل اند:

## الف: اهداف عام:

- ۱- از اینکه اتباع هوی باعث گمراهی و دوری از آن باعث قرب به الله متعال می گردد، خواستم تا راجع به این موضوع یک تحقیق کامل با روشنی احادیث نبوی نمایم، تا در وقت ضرورت مسلمانان به آن رجوع کرده بتوانند و از این موضوع آگاهی درست حاصل کنند.
- ۲- آسان ساختن فهم مسئله برای خوانندگان.
- ۳- خدمت در پخش و نشر یک مسئله مهم دینی که کمتر بطرف آن توجه صورت گرفته است.
- ۴- نوشتن یک رساله جامع مفصل ومدلل که مرجع عام و خاص باشد.

## ب: اهداف خاص

- ۱- حصول ثواب دنیا و آخرت، ان شاء الله.
- ۲- ادای مسئولیت است، زیرا وقتی که یک محصل از دوره ماستری می خواهد فارغ شود، لازم دانسته شده است تا قبل از آن تحقیق را ارائه نماید و من این عنوان را به این هدف انتخاب نمودم.
- ۳- برجا گذاشتن یک صدقه جاریه از خود.

## روش تحقیق:

- تحقیق حاضر از جمله تحقیق علمی بشکل تحلیلی توصیفی محسوب می گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:
- الف: ذکر آیات در رابطه به اتباع هوی همراهی نام سوره و شماره آیات، با ترجمه آیات از تفسیر نمونه، که نویسنده آن: مکارم شیرازی است، گرفته ام.
- ب: تخریح احادیث که در رابطه به اتباع هوی اند، با ذکر نام نویسنده کتاب، خود کتاب، محل چاپ، نام ناشر، طبع و سال طبع، همراه جلد و صفحه آنها.
- د: بیان کردن وجه استدلال از حدیث و ذکر اقوال شارحین آن، از کتاب های شان.
- ه: به کتب تخریح احادیث مراجعه نموده، صحت و سقم احادیث را به استثنای صحیحین، تخریح نموده و حکم آن را واضح ساخته ام.

و: اعلام را که در متن از آنها نقل قول شده و غیر معروف بوده اند، به ذکر ترجمه آنها در پاورقی پرداخته ام.

ز: کوشش کرده ام که معلومات مرتبط به موضوع را از مصادر مهم و معتبر جمع آوری کنم.

ح: فهرس را طبق اصول اکادمیک ترتیب و تنظیم نموده ام.

## پلان اجمالی تحقیق

تحقیق حاضر دارای یک مقدمه و سه فصل می باشد:

**فصل اول:** عمومیات تحقیق بحث شده است، که شامل چهار مبحث می باشد: مبحث اول: تعریف اتباع،

هوی و اتباع هوی، بحث شده است. مبحث دوم: نهی از اتباع هوی و اسباب آن بحث گردیده است. مبحث سوم: اقسام اتباع هوی، مذمومیت، اضرار و راه علاج آن بشکل واضح مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و مبحث چهارم: معرفی صحاح سته و مسانید که احادیث آنها راجع به اتباع هوی جمع و بررسی شده اند، مورد معرفی قرار گرفته اند.

**فصل دوم:** جمع و بررسی احادیث صحاح سته در اتباع هوی صحبت شده است، که دارای دو مبحث است: مبحث اول: جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم در اتباع هوی بحث گردیده است، که شامل جمع و بررسی احادیث متفق علیه در اتباع هوی، احادیث صحیح البخاری و احادیث صحیح مسلم می گردد.

مبحث دوم: جمع و بررسی احادیث سنن اربعه در اتباع هوی بحث گردیده است، که شامل احادیث سنن الترمذی، ابوداود، نسائی و ابن ماجه می گردد.

**فصل سوم:** جمع و بررسی احادیث مسانید در اتباع هوی بحث شده است، که شامل دو مبحث می گردد:

مبحث اول: جمع و بررسی احادیث مسند الإمام أحمد بن حنبل و مسند الشهاب در اتباع هوی می گردد.

مبحث دوم: جمع و بررسی احادیث بقیه کتب مسانید در اتباع هوی می باشد.

و در اخیر با نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، اعلام و منابع ختم گردیده است.

## فصل اول

### عمومیات

این فصل دارای مباحث ذیل اند:

مبحث اول: تعریف اتباع، هوی و اتباع هوی.

مبحث دوم: نهی از اتباع هوی و اسباب آن.

مبحث سوم: اقسام اتباع هوی، مذمومیت، اضرار و راه علاج آن.

مبحث چهارم: معرفی صحاح سته و مسانید

## مبحث اول

### تعریف اتباع، هوی و اتباع هوی.

درین مبحث اتباع، هوی و اتباع هوی بشکل واضح و مفصل معرفی می گردد، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل اند:

مطلب اول: تعریف لغوی و اصطلاحی اتباع.

مطلب دوم: تعریف لغوی و اصطلاحی هوی و اتباع هوی.

### مطلب اول: تعریف لغوی و اصطلاحی اتباع.

درین مطلب نخست اتباع را در لغت تعریف نموده، سپس در اصطلاح تعریف می کنم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

### الف: تعریف لغوی اتباع

إتباع مصدر است، در لغت به معنای سیر و رفتن در پشت دیگران است، طوری که ابن منظور افریقی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (وَتَبِعْتُ الشَّيْءَ تَبِيعًا سَبْرًا فِي إِتْرِهِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: چیزی را اتباع کردم، یعنی در پشت سر آن سیر و حرکت کردم.

در قرآن کریم هم آمده است: {فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ}.<sup>(۳)</sup> ترجمه: هر کس از هدایت من پیروی کند.

---

۱- ابن منظور: (۶۳۰ - ۷۱۱ هـ = ۱۲۳۲ - ۱۳۱۱ م)، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور، أنصاري، رويغی، إفریقی، از نسل رويغ بن ثابت الأنصاري رضی الله عنه است، یکی از علماء و دانشمندان نحو، صرف و لغت بود، در مصر متولد و وفات نموده، در زمانش منشی دیوان قضاء در قاهره بود و در طرابلس بحیث قاضی ایفای وظیفه نموده است از جمله تألیفاتش: لسان العرب و مختار الأغانی می باشد. محمد بن شاکر بن أحمد بن عبد الرحمن بن شاکر بن هارون بن شاکر الملقب بصلاح الدین (المتوفی: ۷۶۴هـ)، فوات الوفيات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۷۳م، ج ۲ ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۲- محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، ابن منظور الإفریقی، جمال الدین الأنصاري الرويغی، (المتوفی: ۷۱۱هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ، ج ۸ ص ۲۷.

۳- {طه، آیه ۱۲۳}.

همچنان در جای دیگر آمده است: {قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا}.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از فرستادگان الله اتباع و پیروی کنید. از کسانی پیروی کنید که از شما اجری نمی خواهند.

همچنان اتباع به معنای اقتدا کردن، اطاعت کردن، عمل به سخنان غیر و مطالبه کردن آمده است، طوری که مرتضی زبیدی<sup>(۲)</sup> رحمه الله می نویسد: (وَاسْتَنْبَعَهُ: طَلَبَ إِلَيْهِ أَنْ يَتَّبِعَهُ. وَالتَّابِعُ: التَّالِي، وَالْجَمْعُ تَبَعٌ، وَتُبَّاعٌ... وَاتَّبَعَ الْقُرْآنَ: اتَّخَذَ بِهِ وَعَمَلَ بِمَا فِيهِ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: (وَاسْتَنْبَعَهُ): از او مطالبه نمود تا اتباع نماید. (وَالتَّابِعُ): پیرو و دنباله رو و جمع تابع، تَبَعٌ وَ تُبَّاعٌ است، (وَاتَّبَعَ الْقُرْآنَ): به قرآن اقتدا کرد و به آنچه در قرآن است، عمل نمود.

تمام معانی فوق درینجا منظور است.

## ب: تعریف اصطلاحی اتباع

مفسرین اسلام از جمله محمد امین شنفیطی<sup>(۴)</sup> رحمه الله، اتباع را چنین تعریف نموده اند: (الِاتِّبَاعُ أَنْ يَتَّبِعَ

---

۱- {پس، آیات ۲۰ - ۲۱}.

۲- مُرْتَضَى زَبِيدِي: (۱۱۴۵ - ۱۲۰۵ هـ = ۱۷۳۲ - ۱۷۹۰ م)، محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق، حسینی، زبیدی، أبو الفیض، ملقب به مرتضی زبیدی، یکی از علمای لغت، حدیث، رجال و انساب است، اصلش از واسط عراق، تولدش در بلگرام هند، پرورش در زبید یمن و توسط مرض طاعون در مصر وفات نمود، دارای تالیفات زیاد می باشد، از جمله: تاج العروس فی شرح القاموس، إتحاف السادة المتقين فی شرح إحياء العلوم للغزالي، أسانید الكتب الستة وغيره. محمد عَبْد الْحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ۱۳۸۲ هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ۲، ۱۹۸۲ م، ج ۱ ص ۳۹۸ - ۴۱۳.

۳- محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، أبو الفیض، الملقب بمرتضی، الزبیدی (المتوفى: ۱۲۰۵ هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: دار الهدایة، ج ۲۰ ص ۳۸۳.

۴- شَنْفِيطِي (۱۳۲۵ - ۱۳۹۳ هـ = ۱۹۰۷ - ۱۹۷۳ م): محمد امین بن محمد المختار بن عبد القادر جکني شنفیطی، عالم، مفسر، مدرّس و یکی از علماء شنفیط (مورتانیا) به شمار می رود، تولد و پرورش شان در شنفیط شده است، در سال ۱۳۶۷ حج نموده و در مدینه منوره، سپس در ریاض بحیث استاد ایفای وظیفه نمود، سپس بحیث استاد در جامعه مدینه تعیین گردید و در مکه سال ۱۳۸۱ هـ ق وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: أضواء البیان فی تفسیر القرآن در هفت جز، ألفیة فی المنطق وغيره. عبد الرحمن بن عبد اللطیف بن عبد الله بن عبد اللطیف بن عبد الرحمن بن حسن بن محمد بن عبد الوهاب، مشاهیر علماء نجد وغيرهم، الناشر: طبع علی نفقة المؤلف بإشراف دار الیمامة للبحث والترجمة والنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۳۹۲ هـ / ۱۹۷۲ م، ص ۵۱۷ - ۵۲۰.

الرَّجُلُ مَا جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَعَنِ أَصْحَابِهِ، ثُمَّ هُوَ مِنْ بَعْدِ فِي التَّابِعِينَ مُخَيَّرٌ<sup>(١)</sup>.

ترجمه: اتباع عبارت از پیروی شخص است از چیزی که از جانب پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش آمده باشد، سپس اتباع شخص بعد از صحابه، از تابعین اختیار دارد.

### مطلب دوم: تعریف لغوی و اصطلاحی هوی و اتباع هوی.

درین مطلب نخست هوی را در لغت و اصطلاح تعریف نموده، سپس اتباع هوی را تعریف می نمایم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

### الف: تعریف لغوی و اصطلاحی هوی

هوی در لغت: مصدر « هَوَى » است، به معنای محبت و اشتها کردن آمده است، طوری که ابن منظور افریقی رحمه الله می نویسد: (الهُوَى مَحَبَّةُ الْإِنْسَانِ الشَّيْءَ وَغَلْبَتُهُ عَلَى قَلْبِهِ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى؛ مَعْنَاهُ نَهَاها عَنِ شَهَوَاتِها وَمَا تَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ).<sup>(٢)</sup>

ترجمه: هوی به معنای محبت کردن انسان به یک شیء و غلبه آن شیء بر قلب انسان است، الله عز و جل می فرماید: { وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى }.<sup>(٣)</sup> ترجمه: و نفس خویش را از هواپرستی نهی کند. معنای آیه: نفس خود را از شهوات و آنچه که هوی، نفس را بسوی معاصی الله عز و جل، می کشاند، منع نماید.

امام قرطبی رحمه الله راجع به هوی می نویسد: (وَسَمِّيَ الْهَوَى هَوَى لِأَنَّهُ يَهْوِي بِصَاحِبِهِ إِلَى النَّارِ، وَلِذَلِكَ لَا يُسْتَعْمَلُ فِي الْعَالِبِ إِلَّا فِيمَا لَيْسَ بِحَقٍّ، وَفِيمَا لَا خَيْرَ فِيهِ. وَقَدْ يُسْتَعْمَلُ فِي الْحَقِّ).<sup>(٤)</sup>

ترجمه: هوی را هوی مسمی کرده است، زیرا صاحب خود را بسوی جهنم می کشاند و دعوت می کند، از همین جهت هوی در غالب استعمال نمی گردد، مگر در جای که حق نیست و در جای که خیر در آن نیست

۱- محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجكني الشنقيطي (المتوفى: ١٣٩٣ هـ)، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع بيروت - لبنان، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م، ج ٧ ص ٣٥٢.

۲- لسان العرب، ج ١٥ ص ٣٧٢.

۳- {النازعات، آیه ٤٠}.

۴- محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي، أبو عبد الله شمس الدين القرطبي (المتوفى: ٦٧١ هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م، ج ٢ ص ٢٤٤.

و گاهی در حق هم استعمال می گردد.

**هوی در اصطلاح:** مفسرین کرام از جمله: إسماعیل حقی<sup>(۱)</sup> رحمهم الله هوی را چنین تعریف نموده اند: {الهُوَى}: ميلان النفس إلى ما تشتهي وتستلذه من غير داعية الشرع.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: هوی عبارت از میلان کردن نفس بسوی چیزی که اشتها و لذت می برد، به غیر از چیزی که شریعت بسوی آن دعوت می کند.

همچنان محدثین از جمله طیبی<sup>(۳)</sup> رحمه الله چنین تعریف می کند: (الأهواء) جمع هوی وهو الميل إلى ماتشتهي النفس).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: اهواء جمع هوی است و هوی عبارت از میل کردن بسوی چیزی که نفس آن را اشتها و خواهش می کند.

خلاصه: هوی عبارت از میلان کردن نفس به چیزی که از آن لذت و اشتها می برد و آن چیز خلاف شریعت باشد.

---

۱- إسماعیل حقی ( ۱۱۲۷ هـ / ۱۷۱۵ م): إسماعیل حقی بن مصطفى إسلامبولي، أبو الفداء: مفسر، متصوف، حنفي مذهب و ترکی نسب می باشد، در آیدوس متولد گردید، و در قسطنطنیه مسکن گزید، سپس به بروسه انتقال کرد و در همانجا وفات نمود، دارای تالیفات به زبان های عربی و ترکی است، از جمله: روح البیان في تفسير القرآن در چهار جلد، شرح تفسير الفاتحة، حاشية على تفسير سورة النبأ للبيضاوي در جلد و غيره. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۱ ص ۸۸ - ۸۹.

۲- محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي الهري الشافعي، تفسير حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، الناشر: دار طوق النجاة، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م، ج ۳۱ ص ۹۳. إسماعیل حقی بن مصطفى الإسلامبولي الحنفي الخلوتي، المولى أبو الفداء (المتوفى: ۱۱۲۷ هـ)، روح البیان، الناشر: دار الفكر - بيروت، ج ۲ ص ۱۹۷.

۳- طیبی: (۷۴۳ هـ = ۱۳۴۲ م)، حسین بن محمد بن عبد الله، شرف الدين، طیبی، از علمای تفسیر، حدیث، بیان و از اهل عراق بود، دارای تالیفات زیاد است: التبیان في المعاني والبیان، الخلاصة في معرفة الحديث، شرح الكشاف وغيره. محب الدين، ابو عبد الله، محمد بن محمود ابن الحسن بن هبة الله بن محاسن المعروف بابن النجار البغدادي (المتوفى ۶۴۳ هـ)، ذیل تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة: الأولى، دار الطبع: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، ج ۵ ص ۴ - ۵.

۴- شرف الدين الحسين بن عبد الله الطیبی (۷۴۳ هـ)، شرح الطیبی على مشكاة المصابيح، المحقق: عبد الحمید هنداوی، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز (مكة المكرمة - الرياض)، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، ج ۲ ص ۶۴۰.



## ب: تعریف اتباع هوی

بعد از اینکه اتباع و هوی بشکل فردی تعریف شدند، حالا اتباع هوی را تعریف می‌کنم:

راجع به اتباع هوی تعاریف مختلف میان مفسرین و محدثین وجود دارد، از جمله ابن عاشور<sup>(۱)</sup> رحمه الله چنین تعریف نموده است: (وَإِتِّبَاعُ الْهَوَى تَرْجِيحُ مَا يَحْسُنُ لَدَى النَّفْسِ مِنَ النَّقَائِصِ الْمَحْبُوبَةِ، عَلَى مَا يَدْعُو إِلَيْهِ الْحَقُّ وَالرُّشْدُ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: اتباع هوی ترجیح دادن چیزی است که نزد نفس نیک می‌باشد از قبیل عیب‌ها و نواقص محبوبه، بر چیزی که حق و راستی بسویش دعوت می‌کنند.

همچنان مناوی<sup>(۳)</sup> رحمه الله چنین تعریف نموده است: (إِتِّبَاعُ الْهَوَى) ميل النَّفْسِ وانحرافها نحو المذموم شرعا.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: اتباع هوی: یعنی میل کردن نفس و انحراف آن بطرف چیزی که از نگاه شریعت مذموم است.

خلاصه: گرچند در میان تعاریف ظاهرًا تفاوت لفظی دیده می‌شوند، ولی از نگاه معنا یکی است، یعنی اتباع هوی عبارت از میلان نمودن نفس به چیزهای که الله متعال آنها را مباح ندانسته و از آن چیزها نفس

---

۱- ابن عاشور (۱۲۸۴ هـ = ۱۸۶۸ م)، محمد الطاهر بن محمد الشاذلي بن عبد القادر بن محمد بن عاشور، یکی از علماء، مفسرین، ادیب، لغت‌دان و نحوی معاصر و از اهل تونس بود، مدت زیادی را در تونس بحیث قاضی ایفای وظیفه نمود، سپس در تونس وفات نمود، دارای تالیفات کثیره ب.د، از جمله التحرير و التنوير، شفاء القلب الجريح في شرح البردة، هدية الأريب وغيره. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۲ ص ۵۴۱.

۲- محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى: ۱۳۹۳ هـ)، التحرير والتنوير، الناشر: الدار التونسية للنشر - تونس، ۱۹۸۴ هـ، ج ۹ ص ۱۷۷.

۳- مناوي: (۹۵۲ - ۱۰۳۱ هـ = ۱۵۴۵ - ۱۶۲۲ م)، محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري، زين الدين: یکی از بزرگان علمای فنون و حدیث بود، تولد و وفات او در قاهره بوده است، مجموعه تالیفات او به هشتاد کتاب می‌رسد، از جمله كنوز الحقائق في الحديث، التيسير في شرح الجامع الصغير، فيض القدير شرح الجامع الصغير وغيره. محمد عبد الحی بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ۱۳۸۲ هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ۲، ۱۹۸۲ م، ج ۲ ص ۲.

۴- زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ۱۰۳۱ هـ)، التيسير بشرح الجامع الصغير، الناشر: مكتبة الإمام الشافعي - الرياض، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۱ ص ۵۲.

لذت و اشتها ببرد و از طرف دیگر آن چیزها از جمله عیوب و نواقص اخلاقی شمرده شده و مخالف شریعت اسلامی باشد.

## مبحث دوم

### نهی از اتباع هوی و اسباب آن

درین مبحث این موضوع واضح می گردد، که شریعت اسلامی از اتباع هوی منع نموده است، از طرف هم درین مبحث بیان می گردد که اسباب اتباع نفس کدام ها اند؟ بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل اند:

مطلب اول: نهی از اتباع هوی در قرآن.

مطلب دوم: نهی از اتباع هوی در احادیث نبوی

مطلب سوم: آثار صحابه و اقوال مفسرین در منع از اتباع هوی.

مطلب چهارم: اقوال محدثین در منع از اتباع هوی.

مطلب پنجم: اسباب اتباع هوی.

### مطلب اول: نهی از اتباع هوی در قرآن.

وقتی که اتباع هوی موافق شریعت باشد، محمود است و وقتی که مخالف شریعت باشد، مذموم است، بنابراین، در قرآن کریم از اتباع هوی مذموم منع شده است، از جمله این آیات:

۱- در قرآن کریم از اتباع هوی منع صورت گرفته، زیرا اتباع هوی مانع عدالت می گردد، طوری که الله متعال می فرماید: {فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا} (۱) ترجمه: از هوا پرستی اتباع و پیروی نکنید تا بتوانید اجرای عدالت کنید.

وجه استدلال از آیه: در این آیه بوضوح الله متعال از اتباع هوی منع نموده تا عدالت صورت گیرد، زیرا اتباع هوی مانع عدالت می گردد، از همین جهت امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (فَاتِّبَاعُ الْهَوَىٰ يَحْمِلُ عَلَى الشَّهَادَةِ بِغَيْرِ الْحَقِّ، وَعَلَى الْجَوْرِ فِي الْحُكْمِ، إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ) (۲).

ترجمه: پس اتباع هوی انسان را بر شهادت ناحق، ظلم کردن در داوری و غیره وادار می کند.

۲- همچنان اتباع هوی انسان را از مسیر و راه درست، گمراه می سازد، طوری که الله متعال در

۱- {النساء، آیه ۱۳۵}.

۲- الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج ۵ ص ۴۱۳.

مورد می فرماید: {وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ}.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از هوای نفس پیروی مکن که تو را از مسیر الهی گمراه می سازد.

وجه استدلال از آیه: درین آیه هم الله متعال به صراحت از اتباع هوی منع نموده است، زیرا اتباع هوی انسان را از مسیر الهی، گمراه می سازد، طوری که سعدی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: {وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ} فتمیل مع أحد، لقرابة أو صداقة أو محبة، أو بغض للآخر {فَيُضِلَّكَ} الهوى {عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ} ويخرجك عن الصراط المستقيم.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از هوای نفس پیروی مکن: که همراهی یک شخص میلان نمایی، از جهت قرابت، یا صدقه، یا محبت و یا بغض با دیگر. زیرا این کار تو را از مسیر الهی گمراه می سازد و از راه مستقیم خارج می کند.

۳- همچنان در قرآن کریم از اتباع هوی منع صورت گرفته، زیرا رفتن و قرار گرفتن در جنت وابسته به خودداری کردن از اتباع هوی است، طوری که الله متعال می فرماید: {وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ. فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ}.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: اما کسی که از مقام پروردگار بترسد و نفس خویش را از هواپرستی نهی کند، جنت جایگاه او است.

وجه استدلال از آیه: امام طبری<sup>(۵)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (ونهی نفسه عن هواها

---

۱- {ص، آیه ۲۶}.

۲- سَعْدِي: (۱۳۰۷ - ۱۳۷۶ هـ = ۱۸۹۰ - ۱۹۵۶ م)، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله، سَعْدِي، تميمي: مفسر، از علمای حنابله و از اهل تجد بود، تولد و وفات او در عنيزة (قصيم) صورت گرفته است، دارای تالیفات زیاد بود، از جمله این تالیفات: تفسیر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، تیسیر اللطیف المنان فی خلاصة مقاصد القرآن، القواعد الحسان فی تفسیر القرآن وغيره می باشد. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني كحالة الدمشق (المتوفى: ۱۴۰۸هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت، ج ۱۳ ص ۳۹۶.

۳- عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: ۱۳۷۶هـ)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م، ج ۱ ص ۴۵۴.

۴- {النازعات، آیات ۴۰ - ۴۱}.

۵- امام طبری: محمد بن جریر بن یزید بن کثیر، أملي، طبري، أبو جعفر، یکی از بزرگترین و مشهورترین مفسر قرآن است، در بغداد وفات یافته است، از جمله تالیفات او: تاریخ الأمم والملوک، جامع البیان فی تأویل القرآن، الجامع، الغرائب، التنزیل، العدد وغيره می باشد. محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين الداودي المالكي (المتوفى: ۹۴۵هـ)، طبقات المفسرين للداودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۲ ص ۱۱۲-۱۱۵.

فيما يكرهه الله، ولا يرضاه منها، فزجرها عن ذلك، وخالف هواها إلى ما أمره به ربه (فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى) يقول: فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَاهُ وَمَنْزَلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (١).

ترجمه: نفس خود را از هوی پرستی در آنچه که الله متعال بد می بیند، منع کند و از خواهشات نفس راضی نباشد، بلکه از هوی پرستی انزجار نشان دهد و با هوی نفس مخالفت نماید، مگر در جای که الله متعال به آن امر نموده است، درین صورت، (جنت جایگاه او است)، می گوید: برآستی جنت جایگاه و منزل او در روز قیامت است.

خلاصه: این بود تعداد از آیات که در مورد منع از اتباع هوی نازل شده است، پس مشخص شد که اتباع هوی باعث بی عدالتی، گمراهی از راه حق و باعث محرومیت از جنت می گردد.

### مطلب دوم: نهی از اتباع هوی در احادیث نبوی

همچنان از اتباع هوی در احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم هم منع صورت گرفته، درین مطلب تعداد از این احادیث را تذکر می دهیم:

۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم از اتباع هوی منع نموده است، زیرا اتباع هوی سبب هلاکت است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ، وَثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ، وَثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ، وَثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ، أَمَّا الْمُهْلِكَاتُ: فَشُحُّ مَطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبَعٍ، وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ، . . .» (٢).

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سه چیز از مهلکات (انسان را به هلاکت می اندازد) است، سه چیز از منجیات (انسان را نجات می دهد) است،

---

۱- محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ٣١٠ هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م، ج ٢٤ ص ٢١٢.

۲- أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبيد الله العتكي أبو بكر المعروف بالبزار (المتوفى: ٢٩٢ هـ)، مسند البزار، المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت ١٩٨٨ م، وانتهت ٢٠٠٩ م)، رقم الحديث ٦٤٩١. هيثمي رحمه الله می گوید: این حدیث را طبرانی در کتابش «الاوسط» آورده است و در سند آن شخص بنام «ابن لهيعه» بوده و آن شناخته نشده است. علي بن أبي بكر بن سليمان أبو الحسن نور الدين الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧ هـ)، مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ وَمَنْبَغُ الْفَوَائِدِ، الناشر: دَارُ الْمَأْمُونِ لِلتَّنْزِيهِ، بيروت، ج ٢ ص ٦٢. اما سيوطی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. جلال الدين السيوطي، السراج المنير في ترتيب أحاديث صحيح الجامع الصغير، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: دار الصديق - توزيع مؤسسة الريان، الطبعة: الثالثة، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م، ج ٢ ص ١٠٥٩ رقم الحديث ٦٦٣٨.

سه چیز از کفارات (باعث کفاره گناه می گردد) است، سه چیز از درجات (مقام انسان را بالا می برد) است، اما سه چیزی که از مهلکات است: بخلی که از آن اطاعت شود، خواهشاتی که از آن پیروی گردد و مغرور شدن انسان به رأی و نظر خودش.

وجه استدلال از حدیث: درین حدیث مشخص گردید که یکی از اسباب هلاکت انسان، اتباع هوی و خواهشات است.

۲- همچنان در حدیث شریف، بهترین جهاد مبارزه با اتباع هوی خوانده شده است: عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ:

سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «أَنْ تُجَاهِدَ نَفْسَكَ وَهَوَاكَ...» (۱).  
ترجمه: از ابودر رضی الله عنه روایت است، که از پیامبر صلی الله علیه وسلم سوال نمودم که کدام جهاد بهتر است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اینکه با نفس و هوایت جهاد نمایی.

وجه استدلال از حدیث: درین حدیث مشخص شده است، که بهترین جهاد، مبارزه و مجاهدت با نفس و هوی است، از همین جهت مناوی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (بأن يكفهما عن الشهوات ويمنعهما عن الاسترسال في اللذات ويلزمهما فعل الأوامر وتجنب المناهي فإنه الجهاد الأكبر والهوى أكبر أعدائك وهو ونفسك أقرب الأعداء إليك لما أن ذلك بين جنبيك). (۲)

ترجمه: اینکه شخص نفس و هوی را از شهوات بند نماید و از آزادی در لذات هر دو (نفس و هوی) را منع نماید و هردو را به انجام اوامر ملزم نماید و از چیزهای نهی شده باز دارد، پس این بزرگترین جهاد است و هوی بزرگترین دشمن تو است و هوی و نفس تو نزدیکترین دشمنان بسوی تو است، زیرا هردو در پهلوی تو قرار دارند.

۳- همچنان ایمان انسان کامل نمی گردد، تا وقتی که هوی و خواهشانش تابع شریعت محمدی صلی الله

---

۱- أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران أبو نعيم الأصبهاني (المتوفى: ۴۳۰هـ)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، الناشر: السعادة - بجوار محافظة مصر، ۱۳۹۴هـ - ۱۹۷۴م، ج ۲ ص ۲۴۹. سيوطي رحمه الله می گوید: این حدیث را حافظ ابونعیم و دیلمی از حدیث ابودر رضی الله عنه با همین لفظ تخریج نموده است. جلال الدین السیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ هـ)، الجامع الكبير، الناشر: الأزهر الشريف، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ج ۱ ص ۷۵۲. به همین شکل آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح دانسته است. محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م، رقم الحديث ۱۴۹۶.

۲- زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ۱۰۳۱هـ)، فيض التقدير شرح الجامع الصغير، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۵۶، ج ۲ ص ۳۱.

علیه وسلم نباشد، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ» (۱).  
 ترجمه: از ابی محمد عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت است که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: هیچکس از شما مؤمن نمی شود تا اینکه هوی و هوس و دوستی او تابع و موافق آنچه من آورده ام نباشد.

وجه استدلال از حدیث: عبدالمحسن عباد(۲) رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (أی: حتی يكون متبعاً للرسول صلى الله عليه وسلم فيما جاء به من الله عز وجل، فهذا هو المؤمن حقاً، وهو الذي يكون هواه تابعاً لما يحبه الله ورسوله صلى الله عليه وسلم، فيعمل بالأعمال الصالحة التي يحبها الله، ويجب ما يحبه الله ورسوله صلى الله عليه وسلم، فتكون محابه تابعة لمحباب الله ورسوله صلوات الله وسلامه وبركاته عليه، وأن يسير إلى الله عز وجل على هدى وعلى بصيرة). (۳)  
 ترجمه: یعنی: (هیچکس از شما مؤمن نمی شود)، تا وقتی که تابع برای رسول الله صلی الله علیه وسلم در چیزی که از جانب الله متعال آورده است، نگردد، پس این شخص مؤمن حقیقی است و آن شخصی است که هوایش تابع برای آن چیزی است که الله و رسولش دوست می دارد، پس اعمال صالحه که الله متعال دوست می دارد انجام می دهد و هم دوست می دارد آنچه را که الله متعال و رسولش صلی الله علیه وسلم دوست می دارد، پس محبتش تابع به محبت الله و رسولش صلوات الله

۱- عبید الله بن محمد بن محمد بن حمدان العُكْبَرِي، أبو عبد الله المعروف بابن بَطَّة العكبري (المتوفى: ۳۸۷هـ)، الإبانة الكبرى لابن بطة، المحقق: المحقق: رضا معطي، و عثمان الأثيري...، الناشر: دار الراية للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م، رقم الحديث ۲۷۹. امام نووی رحمه الله آن را در کتابش (الاربعين) صحیح الاسناد می داند. یحیی بن شرف، أبو زكريا محيي الدين النووي (المتوفى: ۶۷۶هـ)، الأربعين النووية، الناشر: مؤسسة الريان (بيروت - لبنان)، المكتبة المكية (مكة - المملكة، الطبعة: السادسة ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، ص ۷۳. اما ابن رجب رحمه الله می گوید: صحت این حدیث از چند جهت بعید به نظر می رسد: ۱- این حدیثی است که نعیم بن حماد تفرد نموده است. ۲- در اسناد آن بر نعیم اختلاف صورت گرفته است. ۳- در سند آن عقبه بن اوس سدوسی بصری است، که در مورد آن ابن عبدالبر رحمه الله می گوید: عقبه مجهول است. نبیل بن منصور بن یعقوب بن سلطان البصارة الكويتي أبو حذيفة، أنيس السَّارِي، المحقق: نبیل بن منصور بن يعقوب البصارة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، ج ۹ ص ۶۵۴۹.

۲- عبدالمحسن عباد یکی از محدثین، علماء و فقیه حنبلی کشور سعودی است، نامش عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد بن عثمان آل بدر می باشد، در سال ۱۳۵۳ هـ در محافظه زلفی شمال شهر ریاض متولد گردید، تخصصش در حدیث است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: عشرون حديثاً من حديث البخاري، عشرون حديثاً من صحيح الامام مسلم، الرد على الرفاعي و البوطي، من أخلاق الرسول الكريم وغيره. <https://ar.m.wikipedia.org> Wiki

۳- عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن حمد العباد البدر، شرح الأربعين النووية، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، ج ۳۴ ص ۴.

وسلامه وبرکاته علیه است و اینکه بسوی الله متعال بر هدایت و بر بصیرت سیر و حرکت می کند.

خلاصه: در احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم از اتباع هوی منع صورت گرفته، زیرا اتباع هوی باعث هلاکت، خودداری از بهترین جهاد و عدم کمال ایمان می گردد.

### مطلب سوم: آثار صحابه و اقوال مفسرین در منع از اتباع هوی.

درین مطلب نخست تعداد از آثار صحابه رضی الله عنهم را راجع به منع از اتباع هوی تذکر داده، سپس تعداد از اقوال مفسرین را درین زمینه تذکر می دهم:

#### الف: آثار صحابه در منع از اتباع هوی

آثار صحابه راجع به منع از اتباع هوی زیاد است، که درینجا به تعداد از آنها اشاره می کنم:

- ۱- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: «الهُوَى إِلَهٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ».<sup>(۱)</sup>  
ترجمه: هوی معبودی است که بجز از الله مورد پرستش قرار می گیرد.
- ۲- همچنان علی بن ابی طالب رضی الله عنه می نویسد: «أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَيْنِ: اتِّبَاعُ الْهُوَى، وَطُولُ الْأَمَلِ، فَإِنَّ اتِّبَاعَ الْهُوَى يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَطُولُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْأَجْرَةَ».<sup>(۲)</sup>  
ترجمه: بر بالای شما از دو چیز می ترسم: اتباع هوی و درازی آرزو، بخاطری که اتباع هوی از حق باز می دارد و درازی آرزو، آخرت را فراموش می کند.
- ۳- همچنان ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: «كُلُّ هَوَى ضَلَالَةٌ».<sup>(۳)</sup>  
ترجمه: هر هوی گمراهی است.
- ۴- همچنان حسن رضی الله عنه می فرماید: «إِنَّ الْمَنَاقِقَ يَعْبَدُ هَوَاهُ».<sup>(۴)</sup>

---

۱- علی بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، أبو الحسن الشهير بالماوردي (المتوفى: ۴۵۰هـ)، أدب الدنيا والدين، الناشر: دار ومكتبة الهلال - بيروت، ۱۴۲۱ هـ، ص ۳۳.

۲- همان مرجع، ص ۳۳ - ۳۴.

۳- محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، أبو عبد الله التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (المتوفى: ۶۰۶هـ)، التفسير الكبير، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۲۰ هـ، ج ۱۲ ص ۴۱۱.

۴- علي بن أحمد بن محمد بن علي، أبو الحسن الواحدي، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: ۴۶۸هـ)، التفسير البسيط، الناشر: عمادة البحث العلمي - جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ، ج ۱۶ ص ۵۱۳.



ترجمه: براستی منافق هوایش را پرستش می کند.

خلاصه: از نگاه صحابه رضی الله عنهم، اتباع و پرستش هوی یک عمل مذموم و غیر اخلاقی است، که حتی مانع حق گردیده و باعث گمراهی می گردد، همچنان یک عمل و خصلت اشخاص منافق است.

## ب: اقوال مفسرین در منع از اتباع هوی

گرچند اقوال مفسرین راجع به اتباع هوی زیاد است، ولی درینجا به تعداد از آن اقوال اشاره می کنم:

۱- امام شعبی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْحُكَّامِ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: أَلَّا يَتَّبِعُوا الْهَوَى، وَأَلَّا يَخْشَوْا النَّاسَ وَيَخْشَوْهُ، وَأَلَّا يَشْتَرُوا بِآيَاتِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: الله عز و جل از حکام سه چیز را تعهد گرفته است: اینکه اتباع هوی نکنند، اینکه از مردم نترسند، بلکه از الله متعال بترسند و اینکه آیات الله متعال را به پول اندک به فروش نرسانند.

۲- امام قرطبی رحمه الله می گوید: (فَإِنَّ اتِّبَاعَ الْهَوَى مُرَدٌّ، أَيْ مُهْلِكٌ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: براستی اتباع هوی سبب هلاکت است.

۳- به همین شکل امام بیضاوی<sup>(۴)</sup> رحمه الله می نویسد: (مِنَ الظُّلُمَاتِ ظُلُمَاتِ الجَهْلِ واتباع الهوى وقبول

الوساوس والشبه المؤدية إلى الكفر).<sup>(۵)</sup>

---

۱- شعبی: (متوفی ۱۰۱ - ۱۱۰)، عامر بن شراحیل، شعب همدان، ابوعمر، یکی از علامه های اهل کوفه و از محدثین مشهور زمانش بود و در وسط خلافت عمر رضی الله عنه متولد گردید. مغلطای بن قلیج بن عبد الله البکجری المصری الحکری الحنفی، أبو عبد الله، علاء الدین (المتوفی: ۷۶۲هـ)، إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، ج ۷ ص ۱۱۲۸ - ۱۲۹.

۲- الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، ج ۵ ص ۴۱۳.

۳- همان مرجع، ج ۵ ص ۴۱۳.

۴- بیضاوی: (۰۰۰ - ۶۸۵ هـ = ۰۰۰ - ۱۲۸۶ م)، عبد الله بن عمر بن محمد بن علي، شیرازی، أبو سعید، یا أبو الخیر، ناصر الدین بیضاوی، شافعی: قاضی، مفسر و علامه بود، در شهر بیضاوی شیراز متولد گردید و در تبریز وفات یافت، از جمله تالیفات او: أنوار التنزیل وأسرار التأویل، منهاج الوصول إلى علم الأصول، الغایة القصوى في دراية الفتوى وغيره می باشد. عادل نویهض، معجم المفسرین «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۱ ص ۳۱۸ - ۳۱۹. عبد الرحيم بن الحسن بن علي الإسنوي الشافعي، أبو محمد، جمال الدین (المتوفی: ۷۷۲هـ)، طبقات الشافعية، تحقيق: كمال يوسف الحوت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ۲۰۰۲ م، ج ۱ ص ۱۳۶.

۵- عبد الله بن عمر بن محمد، ناصر الدین أبو سعید الشیرازی البیضاوی (المتوفی: ۶۸۵هـ)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۸ هـ، ج ۲ ص ۲۹۸.

ترجمه: از جمله ظلمات و تاریکی ها، تاریکی های جهل، اتباع هوی، قبول وسوسه ها و شبهات که منجر به کفر می گردد (می باشند).

۴- همچنان أبو حفص نعمانی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (أَنْ اتَّبَعَ الْهَوَى لَا يَكُونُ إِلَّا بَاطِلًا)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: اتباع هوی جز باطل، چیز دیگری نمی باشد.

خلاصه نزد مفسرین نیز اتباع هوی باعث هلاکت شخص، عدم رضایت پروردگار، فساد قدرت، دور شدن از عدل الهی و غیره می گردد، بنابراین، باید از این مرض مهلك خود را نجات داد.

### مطلب چهارم: اقوال محدثین در منع از اتباع هوی.

درین مطلب تعداد از اقوال محدثین کرام را در منع از اتباع هوی بیان می نمایم:

۱- مناوی رحمه الله می نویسد: (الهُوَى شَرِيكَ الْعَمَى وَاتِّبَاعُهُ آكِدُ اسْبَابِ الرَّدَى)<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: هوی شریک نابینایی است و اتباع هوی مؤکدترین اسباب هلاکت و نابودی است.

۲- علامه رافعی<sup>(۴)</sup> رحمه الله می نویسد: (لَمْ يَبْعَثِ الْأَنْبِيَاءَ إِلَّا لِلْمَنْعِ مِنْ اتِّبَاعِ هَوَى النَّفْسِ)<sup>(۵)</sup>.

ترجمه: الله متعال انبیاء را نفرستاده، مگر برای منع کردن از اتباع هوی نفوس.

---

۱- ابوحفص نعمانی (ت ۸۸۰ هـ): عمر بن علي بن عادل، سراج الدین، أبو حفص، نعمانی، حنبلی، دمشق، مفسر و یکی از علماء حنبلی است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: اللُّبَابُ فِي عُلُومِ الْكُتَّابِ که در رمضان سال ۷۷۹ هجری قمری به پایان رسانید، السُّحُبُ الْوَابِلَةُ، حَاشِيَةُ الْمُحَرَّرِ و غیره. إسماعیل بن محمد أمين بن مير سليم الباباني البغدادي (المتوفى: ۱۳۹۹ هـ)، هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، الناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجلييلة في مطبعتها البهية استانبول ۱۹۵۱، ج ۱ ص ۷۹۴.

۲- عمر بن علي بن عادل أبو حفص سراج الدين الحنبلي المشقي النعماني (المتوفى: ۷۷۵ هـ)، اللباب في علوم الكتاب، المحقق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م، ج ۵ ص ۲۷۱۰.

۳- التيسير بشرح الجامع الصغير، ج ۱ ص ۱۰۲.

۴- رافعي (۵۵۷ - ۶۲۳ هـ = ۱۱۶۲ - ۱۲۲۶ م): عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم، رافعي، قزويني، مفسر، محدث و فقيه شافعي در قزوین بود و نسبش به رافع بن خديج رضي الله عنه می رسد، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: شرح مسند الشافعي، الأمالي الشارحة لمفردات الفاتحة، التدوين في ذكره أخبار قزوین و غیره. تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي (المتوفى: ۷۷۱ هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۳ هـ، ج ۸ ص ۲۸۱ - ۲۸۲.

۵- عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: ۶۲۳ هـ)، شرحُ مُسْنَدِ الشَّافِعِيِّ، المحقق: أبو بكر وائل محمَّد بكر زهران، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية إدارة الشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ج ۳ ص ۳۵۳.

۳- عظیم آبادی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (الَّذِي يَسْتَرْسِلُ فِي اتِّبَاعِ هَوَاهُ لَا يُبْصِرُ فُبْحَ مَا يَفْعَلُهُ وَلَا يَسْمَعُ نَهْيَ مَنْ يَنْصَحُهُ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: شخص که اتباع هوایش را آزاد می گذارد، بدی آنچه که انجام می دهد، نمی بیند و نهی کسی را که نصیحتش می کند، نمی شنود.

۴- صنعانی<sup>(۳)</sup> رحمه الله می نویسد: (اتفق العلماء والحكماء على أن الطريق إلى سعادة الآخرة لا يتم إلا بنهي النفس عن الهوى ومخالفة الشهوات).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: علماء و حکماء اتفاق دارند بر اینکه راه رسیدن به سعادت آخرت تمام نمی شود، مگر به منع کردن نفس از هوی و مخالفت نمودن با شهوات.

---

۱- عظیم آبادی (۱۳۱۰ هـ = ۱۸۹۲ م): محمد اشرف بن امیر بن علی بن حیدر، أبو عبد الرحمن، شرف الحق، صدیقی، عظیم آبادی: علامه به حدیث و از هل هند است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: التعلیق المغنی علی سنن الدارقطنی، عون المعبود علی سنن ابي داود، المكتوب اللطيف إلى المحدث الشريف، عقود الجمان، القول المحقق در حدیث و غیره. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: ۱۳۹۶ هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو ۲۰۰۲ م، ج ۶ ص ۳۹ - ۴۰.

۲- محمد اشرف بن امیر بن علی بن حیدر، أبو عبد الرحمن، شرف الحق، الصدیقی، العظیم آبادی (المتوفی: ۱۳۲۹ هـ)، عون المعبود شرح سنن ابي داود، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۵ هـ، ج ۶ ص ۱۷۸۶.

۳- صنعانی: (۱۰۹۹ - ۱۱۸۲ هـ = ۱۶۸۸ - ۱۷۶۸ م)، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد حسني، كحلاني، صنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، یکی از مجتهدین در فقه و از محدثین جهان اسلام بشمار می رود، از بیت الامامه یمن است، و نشأت و وفات او در صنعاء شده است، بیش از صد تالیف دارد، از جمله توضیح الأفكار، شرح تنقیح الأنظار دارای دو جلد، سبل السلام، شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام لابن حجر العسقلانی و غیره. فهرست الفهارس، ج ۱ ص ۳۸۷. محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفی: ۱۲۵۰ هـ)، البدر الطالع بحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج ۲ ص ۱۳۳.

۴- محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد حسني، الكحلاني ثم الصناعی، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كآسلافه بالأمير (المتوفی: ۱۱۸۲ هـ)، التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمّد إسحاق محمّد إبراهيم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م، ج ۱۰ ص ۱۰۲.

۵- ابن رجب<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (وَالشَّرُّ كُلُّهُ مِنْ عِنْدِ ابْنِ آدَمَ مِنْ اتِّبَاعِ هَوَى نَفْسِهِ).<sup>(۲)</sup>  
ترجمه: شر تمامش از نزد فرزند آدم از جهت اتباع نمودن هوی از نفسش می باشد.  
در جای دیگر ر ابن رجب رحمه الله می نویسد: (فَجَمِيعُ الْمَعَاصِي اِنْمَا تَنْشَأُ مِنْ تَقْدِيمِ هَوَى النُّفُوسِ عَلَى مَحَبَّةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: پس تمام معاصی و گناها از مقدم کردن هوی نفوس بر محبت الله و رسولش نشأت می کند.  
۶- بدرالدین عینی<sup>(۴)</sup> رحمه الله می نویسد: (السَّفَهُ هُوَ الْعَمَلُ بِخِلَافِ مُوجِبِ الشَّرْعِ وَاتِّبَاعِ الْهُوَى).<sup>(۵)</sup>

ترجمه: نادانی عبارت از عمل کردن بر خلاف شریعت و پیروی کردن از هوی می باشد.  
خلاصه: از اقوال محدثین کرام رحمهم الله معلوم گردید که اتباع هوی یکی از اسباب بدبختی، هلاکت، شریک نابینایی، بی عزتی، نرسیدن به سعادت آخرت، مایه تمام معاصی و بدی، از اعمال اشخاص نادان و غیره است و باید شخص مسلمان از آن خودداری نماید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل گردد.

---

۱- ابن رَجَب: (۷۳۶ - ۷۹۵ هـ = ۱۳۳۵ - ۱۳۹۳ م) عبد الرحمن بن أحمد بن رجب، سلامي، بغدادي، دمشقي، أبو الفرج، زين الدين، یکی از فقها و علمای حدیث است، تولدش در بغداد، پرورش و وفات او در دمشق شده است، از جمله تألیفاتش: فتح الباری شرح صحیح البخاری و قواعد الفقهیه می باشد. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲ هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲ هـ/ ۱۹۷۲ م، ج ۱۱ ص ۱۵۱.

۲- زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ۷۹۵ هـ)، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: السابعة، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، ج ۲ ص ۵۲.

۳- همان مرجع، ج ۲ ص ۳۹۷.

۴- بدر الدين العيني، (۷۶۲ - ۸۵۵ هـ = ۱۳۶۱ - ۱۴۵۱ م)، محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد، أبو محمد، بدر الدين العيني الحنفي: مؤرخ، علامة و از كبار محدثين بود، اصلش از حلب بود و در عینتاب تولد گردید، مدتی را در قاهره قاضی بود، و در قاهره وفات نمود، از جمله تألیفاتش: عمدة القاري في شرح البخاري، مغاني الأخبار في رجال معاني الآثار، العلم الهيب في شرح الكلم الطيب لابن تيمية، عقد الجمان في تاريخ أهل الزمان، تاريخ البدر في أوصاف أهل العصر، مباني الأخبار في شرح معاني الآثار، نخب الأفكار في تنقيح مباني الأخبار، البنایة في شرح الهداية، رمز الحقائق شرح الكنز و غيره. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م، ج ۱ ص ۴۷۳.

۵- محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي، أبو محمد بدر الدين العيني (المتوفى: ۸۵۵ هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۱۲ ص ۲۴۶.

## مطلب پنجم: اسباب اتباع هوی.

امام ماوردی<sup>(۱)</sup> رحمه الله برای اتباع هوی دو سبب را ذکر می کند: (قُوَّةُ سُلْطَانِهِ وَبِالْآخِرِ خَفَاءَ مَكْرِهِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: قوت دادن سلطان هوی و پنهان کردن مکر و فریب هوی.

اما اول: اینکه سلطان هوی را بسبب دواعی اش قوی بسازد، تا اینکه غلبه هوی و شهوات بر بالای انسان مستولی گشته، پس عقل از دفع کردن هوی عاجز مانده و از منع کردن آن ضعیف گردد، با وجودی که قبح آن در عقل واضح باشد، این حالت در زمان فعلی زیادتیر و بر جوانان غالب تر است، از جهت قوت و بلند بودن شهوات شان و زیاد بودن دواعی هوی که بر جوانان مسلط گشته اند و حتی بعضی وقت جوانان برای بدست آوردن دواعی شهوات و هوی عذر می نمایند.<sup>(۳)</sup>

اما دوم: اینکه هوی مکر و فریب خود را مخفی بسازد تا وقتی که افعال خود را بر عقل پر بسازد، تا اینکه عقل، قبیح را حسن تصور نموده و ضرر را نفع تصور کند و به این کار یکی از دو چیز دعوت می کند: اول: یا برای نفس میل بر انجام این کار است، پس بر بالایش چیزی قبیح، نظر به حُسن گماتش مخفی می ماند و آن چیز را از جهت شدت میل بطرفش، حُسن تصور می کند، از همین جهت ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: « إِيَّاكُمْ وَالْهَوَى فَإِنَّ الْهَوَى يُصِمُّ وَيُعْمَى ». <sup>(۴)</sup>

ترجمه: خود را از هوی دور نمایید، بخاطری که هوی کر و کور می سازد.

---

۱- ماوردی (۳۶۴ - ۴۵۰ هـ = ۹۷۴ - ۱۰۵۸ م)، علی بن محمد حبیب، أبو الحسن الماوردی، یکی از فقهای مذهب شافعی و مجتهدش بود، در بصره متولد گردید، سپس به بغداد رفت و در مناطق مختلف به حیث قاضی در زمان خلافت القائم بامر الله ایفاء وظیفه نموده است و در بغداد وفات یافت، تألیفات زیاد از خود بجا گذاشت از جمله: أدب الدنيا والدين، الأحكام السلطانية، النکت والعيون في تفسر القرآن، الحاوي الكبير في فقه الشافعية، نصيحة الملوك، تسهيل النظر في سياسة الحكومات، أعلام النبوة، معرفة الفضائل، الأمثال والحكم، الإقناع في الفقه، قانون الوزارة بعنوان أدب الوزير، سياسة الملك وغيره. أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴هـ)، طبقات الشافعيين، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاريخ النشر: ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۱ ص ۴۱۸. طبقات الشافعية الكبرى، ج ۵ ص ۲۶۷.

۲- أدب الدنيا والدين، ص ۳۶.

۳- همان مرجع، ص ۳۶.

۴- جلال الدين السيوطي (۸۴۹ - ۹۱۱ هـ)، الجامع الكبير، المحقق: مختار إبراهيم الهانج - عبد الحميد محمد ندا - حسن عيسى عبد الظاهر، الناشر: الأزهر الشريف، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م، رقم الاثر ۹۳۵۷. امام سيوطي رحمه الله ابن حديث را در جامع الصغير برقم ۲۹۱۳ تذکر داده و به صحتش اشاره کرده است.

وجه استدلال از اثر: در این اثر مشخص شده است که هوی انسان را کور و کر می سازد، یعنی از راه راست کور ساخته و از شنیدن موعظه کر می سازد.

همچنان سبب دوم: فکر را در تمییز کردن، ثقیل و گران می سازد و خوب و بد را برایش مشابه می گرداند و راحتی را در طلب کردن آنچه که آسان می باشد، جستجو می کند و حتی گمان می کند که این آسانی یکی از دو عمل محمود و خوب است و حتی بعضی وقت با غرور عمل آسان را محمود و عمل سخت و گران را مذموم می شمارد.<sup>(۱)</sup>

خلاصه مشخص گردید که اسباب هوی در دو چیز خلاصه می گردد: قوت دادن سلطان هوی و پنهان کردن مکر و فریب هوی است، وقتی که شخص به هردو و یا به یکی از این دو سبب فرو رود، خوب و بد، حسن و قبح، مباح و عدم مباح، حلال و حرام را تفکیک کرده نمی تواند.

---

۱- أَدَبُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، ص ۳۶.

## محبث سوم

### اقسام اتباع هوی، مذمومیت، اضرار و راه علاج آن.

برای اینکه مشخص گردد که هوی چند قسم است، مذمومیت هوی در چیست و اضرار آن تا چه سطح است و راه علاج آن چگونه است، همه این مسایل در این مبحث بیان می گردد، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: اقسام اتباع هوی.

مطلب دوم: مذمومیت هوی

مطلب سوم: اضرار اتباع هوی.

مطلب چهارم: راه علاج از اتباع هوی.

### مطلب اول: اقسام اتباع هوی.

هوی دو قسم است: اول: هوی محمود. دوم هوی مذموم. طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جُنْتُ بِهِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از ابی محمد عبدالله بن عمرو بن عاص - رضي الله عنهما - روایت است که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: هیچکس از شما مؤمن نمی شود تا اینکه هوی و هوس و دوستی او تابع و موافق آنچه من آورده ام نباشد.

وجه استدلال از حدیث: شیخ محمد بن صالح عثیمین<sup>(۲)</sup> رحمه الله یکی از فواید این حدیث را چنین می نویسد: (من فوائد هذا الحديث... تقسیم الهوی إلى محمود ومذموم، والأصل عند الإطلاق المذموم كما جاء ذلك في

۱- الإبانة الكبرى لابن بطة، رقم الحديث ۲۷۹. امام نووی رحمه الله آن را در کتابش (الاربعین) صحیح الاسناد می داند. الأربعین النوویة، ص ۷۳. اما ابن رجب رحمه الله صحت این حدیث را زیر سوال برده است و گفته: در سند آن عقبه بن اوس سدوسی بصری است، که در مورد آن ابن عبدالبر رحمه الله می گوید: عقبه مجهول است. أنیس السّاری، ج ۹ ص ۶۵۴۹.

۲- شیخ محمد بن صالح عثیمین: ابو عبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبد الرحمن العثیمین الوهیبی التمیمی است. ولادتش در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۷ هـ ق در شهر عنیزه - یکی از شهرهای استان قصیم - در کشور عربستان سعودی بود، رشد و پرورش او نزد مادرش و استادش عبدالرحمن سعدی رحمه الله صورت گرفت و قبل از غروب آفتاب، روز چهارشنبه، پانزدهم

الكتاب والسنة، فكلما ذكر الله تعالى اتباع الهوى فهو على وجه الذم، لكن هذا الحديث يدل على أن الهوى ينقسم إلى قسمين<sup>(١)</sup>.

ترجمه: از جمله فواید این حدیث: تقسیم هوی به محمود و مذموم است و اصل بر این است، وقتی که هوی بشكل مطلق تذکر برود، به مذموم حمل می شود، همان طوری که در کتاب (قرآن کریم) و سنت چنین است، پس هر جای که الله متعال اتباع هوی را ذکر کرده است، پس اتباع هوی بشكل ذم بکار رفته است، ولی این حدیث دلالت می کند، که هوی بر دو قسم تقسیم می گردد.

### اول: هوی محمود

شیخ محمد بن صالح عثیمین رحمه الله هوی مذموم را اینگونه تعریف نموده است: (محمود: وهو ما كان تبعاً لما جاء به الرسول صلى الله عليه وسلم)<sup>(٢)</sup>.

ترجمه: هوی محمود و آن عبارت از هوی است که تابع برای آنچه که رسول الله صلی الله علیه و سلم آورده است، باشد.

همچنان امام غزالی<sup>(٣)</sup> رحمه الله می نویسد: (نعني بالهوى: المذموم من جملة الشهوات دون الم محمود، والمحمود من فعل الله تعالى، وهي قوة جعلت في الإنسان لتبعث بها النفس لنيل ما فيه صلاح إما بإبقاء بدنه، أو بإبقاء نوعه، أو صلاحهما جميعاً)<sup>(٤)</sup>.

ترجمه: منظوم از هوی: هوی مذموم است که از جمله شهوات قصد می کنم نه هوی محمود و هوی

---

ماه شوال سال ۱۴۲۱ هـ. ق، در شهر جدّه کشور عربستان سعودی وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است از جمله: شرح ریاض الصالحین، مصطلح الحدیث، مجموعه فتاوی محمد بن صالح بن عثیمین و غیره. گزیده ای از خصلت ذاتی استاد علامه محمد بن صالح العثیمین، این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

۱- محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱هـ)، شرح الأربعین النوویة، الناشر: دار الثریا للنشر، ص ۳۹۶.

۲- همان مرجع، ص ۳۹۶.

۳- امام غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ = ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م)، أبو حامد محمد بن محمد بن محمد الطوسی، یکی از فیلسوفان، متصوف و بزرگان مذهبی شافعی است، تولد و وفات او در قریه طوس خراسان صورت گرفته است و بیش از دوصد تألیف دارد از جمله: إحياء علوم الدين و یاقوت التأویل فی تفسیر التنزیل می باشد. طبقات الشافعية الكبرى، ج ۴ ص ۱۰۱-۱۰۲.

۴- محمد بن محمد أبو حامد الغزالی الطوسی (المتوفی: ۵۰۵هـ)، إحياء علوم الدين، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ج ۴ ص ۱۱۱. محمد بن محمد، أبو حامد الغزالی الطوسی (المتوفی: ۵۰۵هـ)، میزان العمل، الناشر: دار المعارف، مصر، الطبعة: الأولى، ۱۹۶۴ هـ، ص ۲۴۵.



محمود از جمله فعل الله متعال است و هوی محمود یک قوتی است که در انسان گردانیده شده است تا نفسش را برای رسیدن در آنچه که صلاح است برانگیزد، یا برای بقای بدنش، یا برای بقای نوعش و یا هم برای صلاح هردو.

## دوم: هوی مذموم

امام غزالی رحمه الله می نویسد: (والمذموم من فعل النفس الأماره...).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: و هوی مذموم از فعل نفس اماره<sup>(۲)</sup> است.

عمر سلیمان اشقر رحمه الله یکی از علماء معاصر این سخن امام غزالی (والمذموم من فعل النفس الأماره...) را چنین تفسیر می کند: (والغزالي يشير هنا إلى قوله تعالى: {إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ}. فالنفوس لها أمر ونهي، وهي تأمر بتحصيل مطلوباتها التي تحبها، وتلتذ لها).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: غزالی در اینجا اشاره می کند، به این قول الله متعال: {إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ}.<sup>(۴)</sup> ترجمه: براستی نفس (سرکش)، بسیار به بدیها امر می کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند، پروردگارم غفور و رحیم است. پس نفسها برایش امر و نهی است و این نفوس به حصول کردن مطالبات شان که دوست دارند، امر می کنند و از حصول آن مطالبات لذت می برند.

همچنان شیخ محمد بن صالح عثیمین رحمه الله هوی مذموم را اینگونه تعریف نموده است: (ومذموم: وهو ماخالف ذلك وعند الإطلاق يحمل على المذموم، ولهذا يقال: الهدى، ويقابله الهوى).<sup>(۵)</sup>

ترجمه: هوی مذموم و آن عبارت از آنچه که مخالف هوی محمود باشد و در وقت هوی مطلق ذکر شود،

۱- إحياء علوم الدين، ج ۴ ص ۱۱۱. میزان العمل، ص ۲۴۵.

۲- اماره صیغه مبالغه است، به معنای امر کننده و منظور از نفس اماره: نفسی که صاحبش را به سوی معصیت و سرکشی و انحراف از راه راست فرا می خواند. عمر سلیمان عبدالله الاشقر، روش عملی تزکیه در پرتو قرآن و سنت، مترجم: رسول ابوالمحمدي، ناشر: نشر احسان، چاپخانه مهارت، تهران - ایران، چاپ اول، ص ۲۶.

۳- عمر بن سلیمان بن عبد الله الأشقر العنبي، مَقَاصِدُ الْمُكَلَّفِينَ فِيمَا يَتَعَبَّدُ بِهِ لِزَبِّ الْعَالَمِينَ، الناشر: مكتبة الفلاح، الكويت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م، ص ۴۲۰.

۴- {يوسف، آیه ۵۳}.

۵- شرح الأربعين النووية، ص ۳۹۶.

بر هوی مذموم حمل می گردد، از همین جهت گفته می شود: هدایت و مقابل آن هوی است.

خلاصه مشخص گردید که اتباع هوی به محمود و مذموم تقسیم می گردد، محمود مورد ستایش است و مذموم مورد نکوهش و سرزنش، پس انسان کوشش کند که هوی را تابع شریعت اسلامی گردانیده و راه سعادت و موفقیت را بدست آورد.

## مطلب دوم: مذمومیت اتباع هوی

درین مطلب مذمومیت هوی را عقلاً و نقلاً بیان می نمایم، که تفصیل شان قرار ذیل است:

### الف: مذمومیت اتباع هوی عقلاً

اتباع هوی از نگاه عقل مذموم است، از همین جهت ابن قیم<sup>(۱)</sup> رحمه الله می نویسد: (وکل من له مسکة من عقل يعلم أن فساد العالم وخرابه إنما نشأ من تقديم الرأي على الوحي، والهوى على العقل، وما استحکم هذان الأصلان الفاسدان في قلب إلا استحکم هلاكه، وفي أمة إلا وفسد أمرها أتم الفساد).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: هر شخص که برایش اندکی از عقل باشد، می داند که فساد عالم و خراب شدن آن، از تقدیم رأی بر وحی و هوی بر عقل نشأت می گیرد و این دو اصل (رأی و هوی) فاسد در قلب استحکام نمی یابند مگر اینکه هلاک قلب را استحکام می بخشند و در امت این دو اصل استحکام نمی یابند مگر اینکه سرنوشت امت را فاسد ساخته به فاسد ترین شکل.

همچنان امام ماوردی رحمه الله می نویسد: (الهُوَى عَنِ الْخَيْرِ صَادٌّ، وَالْعَقْلُ مُضَادٌّ).<sup>(۳)</sup>

---

۱ - ابن قیم، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد بن حُرَيْزِ الرَّعِيّ الدَّمَشَقِيّ، شمس الدين أبو عبد الله، الجوزية، الحنبلي (٦٩١-٧٥١)، یکی از بزرگترین شاگردان ابن تیمیه رحمه الله بود، در فقه و علم در عصرش بی نظیر و حنبلی مذهب بود، تألیفات زیاد کرده است از جمله: تهذیب سنن أبي داود، سفر الهجرتین و باب السعادتین، و غیره. ولید بن حُسَیْنِ بن بَدَوِي بن مُحَمَّدِ الْأُمَوِيِّ، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تیمیة، بیروت، الناشر: دار الفکر، ١٤٣٠ هـ، ج ١ ص ١٣٦. السلامي، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥ هـ)، ذیل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٥ م، ج ٥ ص ١٧١.

۲ - محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: ٧٥١ هـ)، إعلام الموقعين عن رب العالمين، المحقق: طه عبد الرؤوف سعد، الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية، مصر، القاهرة، الطبعة: ١٣٨٨ هـ/١٩٦٨ م، ج ١ ص ٧٢.

۳ - أدب الدنيا والدين، ص ٣٣.

ترجمه: هوی از کار خیر ناخوردند و ناخشنود است و با عقل در تضاد است.

پس شخص که عاقل باشد و یا اندکی از عقل در وجودش باشد، اتباع هوی را مذموم دانسته و هیچ گاه خود را در آن داخل نمی سازد، از همین جهت در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي يَعْلَى شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : "الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ، وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا، ثُمَّ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ".<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از ابویعلی شداد بن اوس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: عاقل و زیرک (واقعی)، کسی است که حساب اعمال خود را همیشه نگه دارد و برای بعد از مرگ، کار کند. و ناتوان و نادان، کسی است که از آرزوهای نفس پیروی و از الله عفو و رحمت را آرزو نماید.

وجه استدلال از حدیث: درین حدیث به وضوح معلوم شده است، که شخص زیرک و عاقل هیچ گاه در دامن هوی و اتباع آن سقوط نمی کند، چون می داند که اتباع هوی مذموم است، ولی شخص نادان است که در دامن عقل گیر مانده و از آرزوهای نفس و هوی پیروی می کند، از همین جهت نورالدین سندی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ) أَي: أَذْلَهَا وَاسْتَعْبَدَهَا، وَقِيلَ: حَاسَبَهَا (وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا) أَي: جَعَلَ نَفْسَهُ تَابِعَةً لِهَوَاهَا يُعْطِيهَا كُلَّمَا تَهَوَّى وَتَشْتَهَى (ثُمَّ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ) بِأَنَّهُ كَرِيمٌ غَفُورٌ

---

۱- محمد بن یزید ابن ماجه أبو عبد الله القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (المتوفى: ۲۷۳هـ)، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، رقم الحديث ۴۲۶۰. امام بغوی رحمه الله این حدیث را صحیح خوانده است. الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، محيي السنة، أبو محمد البغوي الشافعي (المتوفى: ۵۱۶ هـ)، مصابيح السنة، تحقيق: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، محمد سليم إبراهيم سمارة، جمال حمدي الذهبي، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، ج ۳ ص ۴۴۴. اما ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث ضعیف است، بخاطری که در سند آن شخص بنام ابوبکر بوده و آن ضعیف جداً است. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)، إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة)، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م، ج ۶ ص ۱۷۷ رقم الحديث ۶۳۱۵.

۲- نورالدین سندی (۱۱۳۸ هـ = ۱۷۲۶ م): محمد بن عبد الهادي تنوي، أبو الحسن، نور الدين سندی: فقيه حنفي، عالم به حدیث، تفسیر وزبان عربی بود، اصلش از سند و تولدش هم در سند شده است، سپس در مدینه منوره مسکن گزید و در همانجا وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: حاشیة علی صحیح البخاری، حاشیة علی صحیح مسلم، حاشیة علی سنن أبي داود، حاشیة علی سنن ابن ماجه وغيره. محمد خليل بن علي بن محمد بن محمد مراد الحسيني، أبو الفضل (المتوفى: ۱۲۰۶هـ)، سلك الدرر في أعيان القرن الثاني عشر، الناشر: دار البشائر الإسلامية، دار ابن حزم، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۴ ص ۶۶.

رَحِيمٌ غَنِيٌّ عَنْهُ وَعَنْ عَمَلِهِ فَلَا يُعَاقِبُهُ، بَلْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَيُعْطِيهِ مَا يَشْتَهُي).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: (عاقل و زیرک (واقعی)، کسی است که حساب اعمال خود را همیشه نگه دارد) یعنی: نفس را دلیل و تابع خود می سازد و گفته شده: نفس را محاسبه می کند. (و ناتوان و نادان، کسی است که از آرزوهای نفس پیروی می کند) یعنی: یعنی نفسش را تابع برای هوایش می گرداند، هر چیزی که نفسش هوی و اشتها نماید، برای نفس اعطا می کند. (سپس از الله تمنا و آرزو می نماید) یعنی: به اینکه می گوید: الله کریم، غفور، رحیم و غنی از او و از عملش است، بنابراین، (با اتباع هوی) عذابش نمی دهد، بلکه داخل جنت می گرداند و آنچه که از الله اشتها نماید، الله متعال برایش اعطا می کند.

خلاصه مشخص گردید که اتباع هوی مخالف عقل است و عقل اتباع هوی را مذموم می داند، بنابراین شخص که اندکترین عقل در بدنش موجود باشد، هیچ گاه دامنگیر اتباع هوی نمی گردد، پس نادان است که در هوی و شهوات نفس تابع شده و غرق می گردد.

### ب: مذمومیت اتباع هوی نقلاً.

قبلاً در مبحث دوم همین فصل تذکر رفت که شریعت اسلامی از اتباع هوی نهی نموده است. به همین شکل طوری که امام غزالی رحمه الله می نویسد: (وَقَدْ اتَّفَقَ الْعُلَمَاءُ وَالْحُكَمَاءُ عَلَى أَنَّ لَأَطْرِيقَ إِلَى سَعَادَةِ الْآخِرَةِ إِلَّا بِنَهْيِ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى وَمُخَالَفَةِ الشَّهَوَاتِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: علماء و حکماء اتفاق نموده اند بر اینکه هیچ راهی برای رسیدن به سعادت آخرت وجود ندارد، مگر به منع کردن نفس از اتباع هوی و مخالفت شهوات.

پس الله متعال مخالفت نفس را با ترک هوی علت متعدی و سبب شرعی برای رسیدن به مقام جنت گردانیده است، از همین جهت مخالفت نفس رأس عبادت خوانده شده است، طوری که محمد خادمی<sup>(۳)</sup> رحمه الله می

۱- محمد بن عبد الهادی التتوی، أبو الحسن، نور الدین السندي (المتوفی: ۱۱۳۸هـ)، کفایة الحاجة في شرح سنن ابن ماجه، الناشر: دار الجیل - بیروت، بدون طبعه، ج ۲ ص ۵۶۵.

۲- إحياء علوم الدين، ج ۳ ص ۶۵.

۳- محمد خادمی (۱۱۷۶ هـ - ۱۷۶۲ م): محمد بن مصطفی بن عثمان حسینی، خادمی، نقشبندی، حنفی (أبو سعید): فقیه، اصولی، صوفی، منطقی، محدث و مفسر بود، در قریه خادم از قریه های قونیه متولد گردید، از جمله تالیفاتش: البریفة المحمودیة في شرح الطریفة المحمودیة، العرائس والنفائس في المنطق، الاربعون في الصوفیة، شرح مجامع الحقائق، رسالة في الاحادیث الضعیفة وغيره. إسماعیل بن محمد أمين بن مير سليم الباباني البغدادي (المتوفی: ۱۳۹۹هـ)، هدیة العارفين أسماء المؤلفين وأثار المصنفين، الناشر: طبع

نویسد: (كَانَتْ مُخَالَفَةُ النَّفْسِ رَأْسَ الْعِبَادَةِ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مخالفت نفس رأس عبادت است.

الله متعال می فرماید: وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ. فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: اما کسی که از مقام پروردگار بترسد و نفس خویش را از هواپرستی نهی کند، جنت جایگاه او است.

خلاصه اتباع هوی هم عقلاً و هم نقلاً مذموم خوانده شده است، بنابراین برای انسان مناسب است تا خود را از اتباع هوی نگه داشته تا رمز موفقیت را هم در دنیا و هم در آخرت بدست آورد.

### ج: فوائد مخالفت از اتباع هوی.

مخالفت از اتباع هوی دارای فوائد زیاد است، که تعداد از این فوائد را کتاب «نصرة النعم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم» چنین تذکر داده اند:

- ۱- فروتن ساختن نفس و هوی برای طاعت الله متعال.
- ۲- دور ساختن نفس از شهوات و بند کردن قلب از آرزو و اشتها ناپسند.
- ۳- برگشتن صبر در وقت مصیبتها و ناملایمات بر طاعات.
- ۴- مخالفت از اتباع هوی، یک راه راست و درست است که انسان را به رضایت الله متعال و جنت متوصل می سازد.
- ۵- شیطان و وسوسه آن را از وجود انسان دور می سازد.
- ۶- در منع کردن نفس از هوی، خیر دنیا و آخرت است.
- ۷- شخص با هوی نفس مبارزه کند، بین مردم شخص با اعتماد و با اعتبار می گردد.
- ۸- سوء ظن داشتن بر هوی نفس، بر محاسبه و آداب نفس کمک می کند.

---

بغیة وكالة المعارف الجلیلة في مطبعتها البهیة استانبول ۱۹۵۱ أعادت طبعه بالأوفست: دار إحياء التراث العربي بيروت - لبنان، ج ۲ ص ۳۳۳.

۱- محمد بن مصطفى بن عثمان، أبو سعيد الخادمی الحنفی (المتوفى: ۱۱۵۶هـ)، بریفة محمودیة فی شرح طریفة محمدیة وشریعة نبویة فی سیرة أحمدیة، الناشر: مطبعة الحلبي، ۱۳۴۸هـ، ج ۲ ص ۷۲.

۲- {النازعات، آیات ۴۰ - ۴۱}.

۹- شخص که مخالفت با اتباع هوی می کند، مالک خیر گردیده و به حسن اخلاق بر می گردد.

۱۰- از آسیب رساندن به جماعت و اجتماع محفوظ می ماند.<sup>(۱)</sup>

### مطلب سوم: اضرار اتباع هوی.

اتباع هوی اضرار خطرناک را در قبال دارد، که تعداد از این اضرار قرار ذیل اند:

### اول: باعث فساد و تباهی می گردد.

اتباع هوی باعث فساد و تباهی آسمان ها، زمین و آنچه که در آسمانها و زمین است، می گردد، الله متعال

در مورد می فرماید: **{وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و اگر حق از هوای آنها اتباع و پیروی کند آسمانها و زمین و تمام کسانی که در آنها هستند تباه می شوند.

### دوم: از حق منحرف گردیده و گمراه می شود.

یکی دیگر از اضرار اتباع هوی آن است: شخص که اتباع هوی می کند از حق اعراض، منحرف و روی

گردان شده و در مقابل جهل و گمراهی را به ارث می برد، تا اینکه قلبش از حق واضح و روشن کور می

گردد، طوری که الله متعال می فرماید: **{فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، الله قلوبشان را منحرف ساخت.

وجه استدلال از آیه: جمال الدین قاسمی<sup>(۴)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: **(فَلَمَّا زَاغُوا أَيَّ عَنِ مَقْتَضَى**

---

۱- عدد من المختصين بإشراف الشيخ/ صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي، نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم، الناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة، الطبعة: الرابعة، ج ۸ ص ۳۳۱۶.

۲- {المؤمنون، آیه ۷۱}.

۳- {الصف، آیه ۵}.

۴- جمال الدین قاسمی (۱۲۸۳ - ۱۳۳۲ هـ = ۱۸۶۶ - ۱۹۱۴ م): جمال الدین (یا محمد جمال الدین) بن محمد سعید بن قاسم حلاق:

یکی از مفسرین و امام شام در زمانش بود، تولد و وفاتش در دمشق شده است، به تقلید باور نداشت و سلفی مسلک بود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: محاسن التأویل مشهور به تفسیر قاسمی، الفتوی فی الاسلام، دلایل التوحید و غیره. محمد بن عبد الرحمن أبو سهل المغراوي، موسوعة مواقف السلف في العقيدة والمنهج والتربية، الناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، القاهرة - مصر، النبلاء للكتاب، مراکش - المغرب، الطبعة: الأولى، ج ۹ ص ۱۸۶ - ۱۸۸.

علمهم لفرط الهوى، وحب الدنيا أزع الله قلوبهم أي عن طريق الهدى).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: (هنگامی که آنها از حق منحرف شدند)، یعنی: نظر به مقتضای علمی شان بخاطری از حد گذشتن هوی و حب دنیا. (الله قلوبشان را منحرف ساخت) یعنی از راه هدایت.

همچنان الله متعال می فرماید: {وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ}.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از هوای نفس پیروی مکن که تو را از مسیر الهی گمراه می سازد.

وجه استدلال از آیه: درین آیه هم الله متعال به صراحت از اتباع هوی منع نموده است، زیرا اتباع هوی انسان را از مسیر الهی، گمراه می سازد و وقتی که بنده الله متعال بسبب اتباع هوی گمراه گردد، شیاطین آن بنده الله را بشدت طرف خودشان می کشاند و گاهی بنده الله نمی تواند تا دوباره به حق بر گردد، طوری که الله متعال می فرماید: {قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى انْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى}.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: بگو آیا چیزی غیر از الله بخوانیم که نه سودی به حال ما دارد نه زیانی و (به این ترتیب) بازگشت به عقب کنیم بعد از آنکه الله ما را هدایت کرده، همانند کسی که بر اثر وسوسه های شیاطین راه را گم کرده و سرگردان مانده، در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می کنند که به سوی ما بیا، بگو تنها هدایت الله هدایت است.

### سوم: اعمال صالحه را باطل می سازد

یکی از دیگر از اضرار اتباع هوی آن است که اعمال صالحه را باطل و از بین می برد، پس شخص که اتباع هوی می کند، در صورتی که اعمال صالحه را موافق اتباع هوایش انجام دهد، در حقیقت الله متعال را عبادت نمی کند، زیرا این اعمال صالحه را بقصد رضای الله متعال انجام نمی دهد، از همین جهت خلیفه

---

۱- محمد جمال الدین بن محمد سعید بن قاسم الحلاق القاسمی (المتوفی: ۱۳۳۲هـ)، محاسن التأویل، المحقق: محمد باسل عیون السود،

الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۸ هـ، ج ۹ ص ۲۲۰.

۲- {ص، آیه ۲۶}.

۳- {الانعام، آیه ۷۱}.

عادل عمر بن عبدالعزیز<sup>(۱)</sup> رحمه الله درین مورد می فرماید: (لا تکن ممن یتبع الحق إذا وافق هواه، ویخالفه إذا خالف هواه، فإذا أنت لا تثاب علی ما اتبعته من الحق، وتعاقب علی ما خالفته، لأنه إنما قصد اتباع هواه).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از جمله کسانی مباش! که از حق پیروی و اتباع می کند در صورتی که حق موافق هوایش باشد و با حق مخالفت می کند وقتی که حق مخالف هوایش باشد، در صورتی که چنین باشی (حق را موافق هوای خود بسازی)، درین صورت بر آنچه که از حق اتباع نمودی ثواب نمی گیری و عذاب می بینی در صورت که از اتباع حق مخالفت نمایی، زیرا هدف و مقصد از این کار اتباع هوی بوده است.

### چهارم: اتباع هوی سبب تعطیل اوامر و ارتکاب نواهی می گردد.

یکی دیگر از اضرار خطرناک اتباع هوی، آن است که سبب تعطیل شدن اوامر الهی و ارتکاب نواهی اش می شود، طوری که شاطبی<sup>(۳)</sup> رحمه الله می نویسد: (أنَّ الهوی سبب تعطیل الأوامر و ارتکاب النواهی، لأنه مضاد لها).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: براستی هوی سبب تعطیل اوامر و ارتکاب نواهی می گردد، زیرا اتباع هوی در تضاد با اوامر الهی است.

---

۱ - عمر بن عبد العزيز بن مروان بن الحكم بن أبي العاص القرشي الأموي، أبو حفص المدني، الدمشقي ( أمير المؤمنين )، [الوفاء: ۱۰۱ - ۱۱۰ هـ]، در سال ۶۰ هجری همان سال که امیر معاویه رضی الله عنه وفات شد، تولد گردید، مدت ۲۹ ماه خلافت کرد، به خلیفه پنجم اسلام شهرت دارد، در تقوا بی نظیر بود، رحمه الله! محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، شمس الدین أبو عبد الله الذهبي (المتوفى: ۷۴۸هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، الناشر: المكتبة التوفيقية، ج ۳ ص ۱۱۵.

۲ - أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة، تقي الدين أبو العباس الحراني (المتوفى: ۷۲۸هـ)، مجموع الفتاوى، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۵م، ج ۱۰ ص ۴۷۹.

۳ - شاطبي (۷۹۰ هـ = ۱۳۸۸ م): إبراهيم بن موسى بن محمد لخمى غرناطى مشهور به شاطبي: حافظ ثقة، محدث، مفسر، أصولي، از أهل غرناطة و از امامان مذهب مالکی است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الموافقات في أصول الفقه، المجالس شرح به کتاب البيوع من صحيح البخاري، الإفادت والإنشادات و غيره. أحمد بابا بن أحمد بن الفقيه الحاج أحمد بن عمر بن محمد التكروري التنبكتي السوداني، أبو العباس (المتوفى: ۱۰۳۶ هـ)، نيل الابتهاج بتطريز الديباج، الناشر: دار الكاتب، طرابلس - ليبيا، الطبعة: الثانية، ۲۰۰۰ م، ص ۴۵ - ۴۶.

۴ - إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطى الشهير بالشاطبي (المتوفى: ۷۹۰هـ)، الموافقات، المحقق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، الناشر: دار ابن عفان، الطبعة: الطبعة الأولى ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م، ج ۲ ص ۱۲۵ - ۱۲۶.



خلاصه اتباع هوی اضرار زیاد دارد، که تعداد از آنها را از جمله: باعث فساد و تباهی آسمانها، زمین و آنچه که در آسمانها و زمین است، می گردد، همچنان انسان را از حق منحرف گردانیده و گمراه می سازد، به همین شکل اعمال صالحه را باطل و از بین می برد و سبب تعطیل اوامر و ارتکاب نواهی می گردد.

### مطلب چهارم: راه های علاج از اتباع هوی.

برای انسان در قسمت مبارزه با هوی و اتباع آن سه حالت است، همان طوری که امام غزالی رحمه الله می نویسد:

**اول:** اینکه هوی بر بالای شخص غالب گردد، پس انسان را مالک شود و بر خلاف آن کاری نتواند و این حالت اکثر مردم است و این همان حالتی است، که الله متعال در موردش فرموده است: {أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ} (۱) ترجمه: آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را معبود خود برگزیده است؟

**دوم:** اینکه بین انسان و هوی جنگ بشکل مسابقه باشد، که گاهی انسان بر هوی دست یابد و گاهی هوی بر انسان دست یابد، پس این انسان از جمله مجاهدین است، در صورتی که مرگ این شخص را در این حالت بگیرد، این شخص از جمله شهداء محسوب می گردد، زیرا این شخص مشغول به بجا آوری کلام رسول صلی الله علیه وسلم شده است (۲) و این رتبه بلند برای تمام خلق برابر است انبیاء باشد، یا اولیاء و غیره یکسان است. (۳)

**سوم:** اینکه بر بالای هوایش غالب گردد و هوی به هیچ حالت بر بالایش قهر و غلبه نکند و این حالت یک نعمت بزرگ و حاضر، آزادی کامل و خلاص شدن از غلامی و کنیزی نفس و هوی است، از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، إِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ بِهِ قَرِينَهُ مِنَ الْجِنِّ» قَالُوا: وَإِيَّاكَ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «وَإِيَّايَ، إِلَّا أَنْ اللَّهُ أَعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ، فَلَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِخَيْرٍ». (۴)

ترجمه: بر هر کدام از شما همراهی از جن ها و همراهی از فرشتگان گماشته شده است. سؤال شد: بر

---

۱- {الفرقان، آیه ۴۳}.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ أَنْ يَجَاهِدَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ وَهَوَاهُ». صحيح الجامع رقم الحديث ۱۰۹۹.

ترجمه: بهترین جهاد، جهاد کردن شخص با نفس و هوایش می باشد.

۳- میزان العمل، ص ۲۴۱.

۴- صحيح مسلم، رقم الحديث ۲۸۱۴.

شما نیز ای رسول خدا؟ فرمود: آری. البته الله در برابر او مرا یاری کرده، و مسلمان شده است، پس جز به کارهای خیر مرا امر نمی کند.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث دلالت بر این دارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم به یاری الله متعال از شر شیاطین و هوایش غالب آمده و هوایش جز به کارهای خیر امر نمی کند، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم بر بالای هوایش غلبه بوده است.

بعد از اینکه حالت های انسان در برابر اتباع هوی مشخص گردید، حالا برای اینکه راه علاج از شر اتباع هوی برای ما واضح گردد تا راه مقاومت ما را در برابر اتباع هوی قایم سازد و در برابر دواعی که ما را بسوی شر دعوت می کند و با راه مستقیم مخالفت می کند شناسایی گردد، قرار ذیل بحث می نمایم:

بدون شک، خلاص کردن نفس از اتباع هوی، کار سهل و آسان نیست، بلکه نیاز به تلاش و خستگی دراز مدت برده می شود و پیش از تلاش و زحمت، به توفیق و عنایت الله متعال احتیاج و نیاز دیده می شود، از همین جهت در قرآن کریم از شر اتباع هوی هشدار و تحذیر شده است، الله متعال انبیاء و رسولان سابق را از اتباع هوی تحذیر کرده است، همچنان از اتباع هوی رسول این امت صلی الله علیه وسلم را نیز تحذیر نموده است، الله متعال موسی علیه السلام را از اتباع اهواء کسانی که بر منهج و شریعت الهی مستقیم نیستند، تحذیر کرده است: **{إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِنُجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (١٥) فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: رستاخیز بطور قطع خواهد آمد، من می خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا ببیند. و هرگز نباید افرادی که ایمان به قیامت ندارند و از هوسهای خویش پیروی کردند تو را از آن باز دارند که هلاک خواهی شد.

همچنان الله متعال داود علیه السلام را از حکم به هوی تحذیر نموده است: **{يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و

۱- {طه، آیات ۱۵ - ۱۶}.

۲- {ص، ۲۶}.

از هوای نفس پیروی منما که تو را از راه الله منحرف می سازد.

به همین شکل الله متعال در حق رسولش محمد صلی الله علیه و سلم می فرماید: **{قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا اتَّبِعْ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: بگو من از پرستش کسانی که غیر از الله می خوانید نهی شده ام، بگو من از هوی و هوسهای شما پیروی نمی کنم اگر چنین کنم گمراه شده ام و از هدایت یافتگان نخواهم بود.

به همین شکل الله متعال مارا به عدل و دوری از هوی منع کرده است: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید کاملا قیام به عدالت کنید، برای الله گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد، چه اینکه اگر آنها غنی یا فقیر باشند، الله سزاوارتر است که از آنها حمایت کند، بنا بر این از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد، و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمائید، الله به آنچه انجام می دهید آگاه است.

پس مهم ترین راهای علاج از اتباع هوی قرار ذیل اند:

### اول: تحویل جهت و میل از حرام به حلال

براستی نفس انسان دایم دارای قصد و اراده به انجام هوی و شهوات است و این نفس درین مورد مثل نهر جوشان و پر از آب است، وقتی که مردم از نهر پر از آب و جوشان می ترسند تا دیار شان را غرق نکنند و زراعت شان را از بین نبرند، پس راه علاج این نیست که نهر را ببندد و از منبعش قطع کند و این کار از توان مردم بالا است، بلکه راه علاج اینست که مجرای آب را تغییر و جهت آن را تحویل دهد. به همین شکل وقتی که نفس انسان ممکن نباشد تا از اراده و قصد به هوی توقف داده شود، زیرا این قصد و اراده به هوی و هوس، سیری از اسرار خلقتش می باشد، پس راه و چاه وجود ندارد که این اراده و قصد به هوی را نابود و یا دور کنیم، بلکه تنها راه اینست که از ضرر رساندن به نفع رساندن، از حرام بسوی حلال و

۱- {الانعام، آیه ۵۶}.

۲- {النساء، آیه ۱۳۵}.

از خبیث به طیب تحویل جهت نمایم و این کار با مبارزه و جهاد در برابر هوی نفس، ممکن است.<sup>(۱)</sup>

از همین جهت الله متعال احوال ما را می داند و بر بالای ما تمام شهوات را حرام نساخته است، بلکه از هوی و شهوت که انسان را از هوی و شهوت حرام غنی و خود کفا می سازد، حلال و مباح ساخته است، طوری که الله متعال می فرماید: **{يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: الله می خواهد (با دستورهای مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن) کار را بر شما سبک کند، و انسان، ضعیف آفریده شده (و در برابر طوفان غرائز نیازمند به- پاسخگویی مثبت است).

از همین جهت ابن تیمیه<sup>(۳)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: (سیاق الکلام يدلّ على أنّه ضعيف عن ترك الشهوات، فلا بد له من شهوة مباحة يستغني بها عن المحرمة ولهذا قال طاووس: ضعيف في قلة صبره عن النساء).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: سیاق کلام دلالت بر این می کند که انسان از ترک کردن شهوات ضعیف است، بنابراین، برای انسان از شهوت مباحه ضرورت است تا با آن خود را از شهوت حرام غنی بسازد، از همین جهت طاووس<sup>(۵)</sup> رحمه الله می فرماید: انسان در کم بودن و قلت صبرش از زنان ضعیف است.

پس راه علاج از شهوات و هوی این است که خود را از شهوات حلال در برابر شهوات حرام غنی نمایم و این کار بشکل ممکن است که، اشیایی را که نزد نفوس ما محبوب اند، از طریق که شارع برای ما حلال

---

۱- مَقَاصِدُ الْمُكَلَّفِينَ فِيمَا يُتَعَبَّدُ بِهِ لِزَبِّ الْعَالَمِينَ، ص ۴۲۵.

۲- {النساء، آیه ۲۸}.

۳- ابن تَيْمِيَّةَ (۶۶۱ - ۷۲۸ هـ = ۱۲۶۳ - ۱۳۲۸ م)، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام ابن عبد الله بن أبي القاسم الخضر النميري الحرائي دمشقيّ الحنبلي، أبو العباس، تقي الدين ابن تيمية: مفسر، امام، شيخ الاسلام، خطيب و واعظ بود، تولدش در حران شده است، در دمشق وفات یافت، از جمله تألیفاتش: الجوامع في السياسة الإلهية والآيات النبوية، الفتاوى، وغيره. أبو الطيب المكي: ذيل التقييد في رواة السنن والأسانيد، ج ۱ ص ۳۴۵. البرزّاز، عمر بن علي بن موسى بن خليل البغداديّ الأزجّي، سراج الدين أبو حفص (المتوفى: ۷۴۹هـ)، الأعلام العلية في مناقب ابن تيمية، المحقق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۰هـ، ص ۱۴۶-۶.

۴- مجموع الفتاوى، ج ۱۰ ص ۵۷۲.

۵- طاووس ابن كيسان اليماني أبو عبد الرحمن، حميري مولا هم الفارسي، یکی از فقهاء، ثقات و فضلاء تابعین بود، در سال ۱۰۶ هـ وفات یافت. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)، تقريب التهذيب، المحقق: محمد عوامة، الناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶م، ج ۱ ص ۲۸۱.

ساخته اند بگیریم و از آن در حدودی بگیریم که در دنیا و آخرت ما ضرر نرسانند.<sup>(۱)</sup>

## دوم: تقویت اراده

یکی دیگر از راهای علاج از شر اتباع هوی، تقویت اراده است و این کار جز با علم و بصیرت بوجود نمی آید، یعنی علم به حلال و حرام و فقه که شخص را وادارد تا حلال را بگیرد و حرام را ترک کند و این کار نیاز به یک عزم قوی و اراده استوار دارد، پس تقویت اراده به آگاهی انسان در نفسش به اضرار اتباع هوی در دنیا قبل از آخرت و در آخرت بعد از دنیا بستگی دارد، بشکل که قصد و اراده اش بسوی رضای الله متعال و دار آخرت باشد، از همین جهت اراده داعی با اخلاص قوی و داعی با هوی ضعیف می باشد.<sup>(۲)</sup>

همچنان زیاد انجام دادن اعمال صالح، اراده را قوی و نفس را تزکیه می بخشد، پس وقتی که بنده الله، قلبش را با اراده به طاعت الله و توجه به آن مشغول کرد و اعضایش را به اعمال بهتر و خیر وادار کرد، این اراده قوی می گردد و برای این شخص عزم صادق و راستین ایجاد می گردد.<sup>(۳)</sup>

## سوم: محاسبه بنده الله با نفس

و از جمله چیزهای که هوی را دفع و دور می کند، محاسبه شخص با نفسش می باشد و این کار روش اشخاص صالح می باشد، از همین جهت عمر بن خطاب رضی الله عنه می فرماید: « حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: نفس های تان را قبل از اینکه محاسبه شویند، محاسبه کنید.

محاسبه بر چند حالت می باشد:

۱- اینکه بنده نفسش را قبل از اینکه بر فعلی اقدام نماید، محاسبه نماید و در اراده و تصمیمش نظارت نماید و این بهترین نوع محاسبه و مانع اتباع هوی می گردد.

۱- مَقَاصِدُ الْمُكَلِّفِينَ فِيمَا يُتَعَبَّدُ بِهِ لِزَبِّ الْعَالَمِينَ، ص ۴۲۵.

۲- همان مرجع، ص ۴۲۶.

۳- همان مرجع، ص ۴۲۷.

۴- محمد بن عیسی بن سؤره بن موسی بن الضحاک، الترمذی، أبو عیسی (المتوفی: ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م، ج ۴ ص ۶۳۸.

۲- اینکه با دواعی هوی نافرمانی نموده و موافقت نکند، نافرمانی و عصیان از دواعی هوی با صبر از مواقع معاصی و گناه صورت می گیرد، از همین جهت ابن قیم رحمه الله می نویسد: (الصبر ثبات باعث العقل والدین في مقابلة باعث الهوى والشهوة).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: صبر ثباتی است که باعث عقل و دین می گردد و در مقابل باعث هوی و شهوت است. یعنی نفس انسان را بسوی زنا، غضب، افشای سر، فرار از جهاد، دعوت بسوی انتقام، بخل، عجز، کسالت و غیره می نماید و خود داری و بند کردن از این دواعی را صبر می نامند.<sup>(۲)</sup>

۳- بعد از وقوع بنده در گناه و موافقت هوی، پس شخص که نفسش را محاسبه می کند، وقتی که نفسش را دید، که از راه مستقیم منحرف شده، فوراً نفسش را بر ملامت کردن آغاز نموده و بطرف پروردگارش بتوبه آغاز کرده و رجوع می نماید و از الله متعال عفو، مغفرت و گذشت را سؤال می کند، الله متعال می فرماید: {قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ}.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ای کسانی که از حریم بندگی سرباز زده اید از رحمت الله مایوس نشوید، الله همه گناهان را می آمرزد" (توبه کنید و از دریای بی پایان رحمت الله بهره مند شوید.

خلاصه راه علاج از اتباع هوی زیاد است، که مهم ترین آنها: تحویل جهت از حرام بسوی حلال، از خبیث بسوی طیب، همچنان تقویت اراده با علم، بصیرت و به کثرت انجام دادن اعمال صالح، به همین شکل محاسبه بشکل دوام دار با نفس که بشکل خلاصه یاد آوری گردید.

---

۱- محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی أبو عبد الله، عدة الصابرين - ابن قیم الجوزية، تحقيق: زكريا علي يوسف، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ص ۱۴.

۲- همان مرجع، ص ۱۴.

۳- {الزمر، آیه ۵۳}.

## مبحث چهارم

### معرفی صحاح سته و مسانید

درین مبحث منابع که از آن احادیث در اتباع هوی جمع و بررسی می گردند، معرفی می گردد ک عبارت از کتابهای صحاح سته و مسانید می باشد، بنابراین، در این مبحث دو مطلب بحث می گردد:

مطلب اول: معرفی کتب صحاح سته

مطلب دوم: معرفی کتب مسانید

### مطلب اول: معرفی کتب صحاح سته

درین مطلب نخست صحاح سته را تعریف نموده، سپس کتابهای صحاح سته را همراهی مؤلفین شان بشکل خلاصه معرفی می کنم:

#### الف: تعریف صحاح سته

اول: تعریف لغوی صحاح: صحاح با کسر حرف « ص » جمع صحیح است و صحیح از ماده صحت گرفته شده است و صحت در لغت ضد مرض است، همچنان صحت به معنای رفتن مرض و پاک بودن از هر عیب را گفته می شود، طوری که ابن منظور رحمه الله می نویسد: (والصَّحاحُ: خِلافُ السُّقْمِ، وَذَهَابُ الْمَرَضِ... وَأَرْضٌ مَصِحَّةٌ: بَرِيئَةٌ مِنَ الْأَوْبَاءِ صَحِيحَةٌ لَا وَبَاءَ فِيهَا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: صحاح: خلاف مرض و رفتن مرض است و زمین صحیح: یعنی زمینی که از امراض ساری وباء پاک و بریء است، صحیح است وباء در آن نیست. سته: در لغت به معنای شش گانه است.

دوم: تعریف اصطلاح صحاح: صحاح که جمع صحیح است و صحیح در اصطلاح محدثین: صحیح بدو قسم است، صحیح لذاته و صحیح لغيره، پس صحیح لذاته: (ما اتصل سنده بنقل العدل الضابط، عن مثله إلى منتهاه، من غير شذوذ، ولا علة).<sup>(۲)</sup>

۱- لسان العرب، ج ۲ ص ۵۰۷ - ۵۰۸.

۲- محمود بن أحمد بن محمود، أبو حفص طحان النعمي، تيسير مصطلح الحديث، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الطبعة:

الطبعة العاشرة ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م، ص ۴۴.

ترجمه: حدیثی را که راوی عادل و ضابط (از ابتدا تا انتهای سند)، و با سندی متصل و سالم از هرنوع شنود و علت قادحی روایت کرده باشد، صحیح لذاته گویند.<sup>(۱)</sup>

صحیح لغیره: (هو الحسن لذاته إذا روی من طریق آخر مثله أو أقوى منه).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: هرگاه حدیث حسن لذاته<sup>(۳)</sup>، دارای طرقاتی روایت متعدد باشد، صحیح لغیره خواهد شد.

**سوم: منظور از صحاح سته:** صبحی ابراهیم صالح<sup>(۴)</sup> رحمه الله در کتابش «علوم الحدیث ومصطلحه - عرض ودراسة» منظور از صحاح سته را چنین بیان نموده است: (أما كتب الصحاح فهي تشمل " الكتب الستة " للبخاري ومسلم وأبي داود والترمذي والنسائي وابن ماجه).<sup>(۵)</sup> ترجمه: اما کتاب های صحاح، پس

---

۱- بر اساس این تعریف، برای آنکه یک حدیث بعنوان صحیح لذاته شمرده شود، می بایست پنج شرط را داشته باشد:

۱. ... سلسله راویان همگی عادل باشند.

۲. ... سلسله ی راویان همگی دارای قدرت ضبط و حفظ قوی باشند.

۳. ... سند حدیث متصل باشد و هیچگونه انقطاعی نداشته باشد.

۴. ... متن حدیث شاذ نباشد (یعنی مخالف حدیث راوی ثقه تر نباشد).

۵. ... حدیث معلول نباشد. و منظور از علت، یعنی هر امر خفی و پنهانی که صحت حدیث را مخدوش می کند، هرچند ظاهر حدیث سالم است.

چنانچه حدیثی این پنج شرط را داشته باشد، آنگاه بالاترین رتبه ی حدیث یعنی «صحیح لذاته» را به خود اختصاص می دهد در غیر اینصورت با فقدان یک یا چند شرط، رتبه ی حدیث تنزل خواهد نمود. و اصولاً این پنج شرط، معیار و ملاکی برای تشخیص درجه ی احادیث می باشد. محمد بن صالح العثیمین، مصطلح حدیث، این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است، ص ۱۱۳.

۲- تیسیر مصطلح الحدیث، ص ۶۴.

۳- حدیثی را که راوی عادل ولی با قوت ضبط خفیف، و با سندی متصل و سالم از هرنوع شنود و علت قادحی روایت کرده باشد، حسن لذاته گویند. مصطلح حدیث، ص ۱۱۶.

۴- صبحی ابراهیم صالح (۱۳۴۵ - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۲۶ - ۱۹۸۶ م): عالم، باحث، کاتب و داعی اسلام بود، در طرابلس متولد گردید، این شخصیت بزرگوار بحیث عضو در مجمع اللغة العربیة در قاهره، استاد در آکادیمی مملکت مغرب، و عضو مجمع علمی عراقی در بغداد، و عضو لجنة الإشراف العلیا علی الموسوعة العربیة الکبری ایفای وظیفه نموده است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الإسلام والمجتمع العصري، النظم الإسلامیة، علوم الحدیث ومصطلحه: عرض ودراسة و غیره، در بیروت در سال ۱۴۰۷ هـ وفات نمود. محمد خیر رمضان یوسف، تنمة الأعلام للزرکلی، الناشر: دار ابن حزم، بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۲ هـ، ج ۱ ص ۲۴۱ - ۲۴۲.

۵- صبحی ابراهیم الصالح (المتوفی: ۱۴۰۷ هـ)، علوم الحدیث ومصطلحه - عرض ودراسة، الناشر: دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، الطبعة: الخامسة عشر، ۱۹۸۴ م، ج ۱ ص ۱۱۸.



شامل کتاب های شش گانه می گردد و آنها عبارت اند از: ۱- صحیح البخاری ۲ - صحیح مسلم ۳ - سنن نسائی ۴ - سنن ابوداود ۵ - سنن ترمذی ۶ - سنن ابن ماجه.

اینکه چرا کتابهای فوق را صحاح سته<sup>(۱)</sup> نامیده است، زرکشی<sup>(۲)</sup> رحمه الله در این مورد می نویسد: (ثُمَّ تَسْمِيَةَ هَذِهِ الْكُتُبِ صَحَاحًا إِمَّا هُوَ بِاعْتِبَارِ الْأَغْلَبِ لِأَنَّ غَالِبَهَا الصِّحَاحَ وَالْحَسَانَ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: مسمی کردن این کتب به صحاح به اعتبار اغلب است، زیرا غالب احادیث این کتب را احادیث صحیح و حسن تشکیل می دهند.

## ب: معرفی کتابهای صحاح سته و مؤلفین شان

درینجا بشکل خلاصه و مختصر صحاح سته را همراهی مؤلفین شان به معرفی می گیریم، که قرار ذیل است:

### اول: معرفی امام بخاری و صحیح آن

در نخست امام بخاری را معرفی نموده، سپس کتابش «صحیح البخاری» را معرفی می نمایم:

**امام بخاری:** (۱۹۴ - ۲۵۶ هـ = ۸۱۰ - ۸۷۰ م)، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره، بخاری، ابو عبد الله، دانشمند اسلام، حافظ و حجه در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، بیش از یکهزار استاد داشت و بیش از شش صد هزار حدیث جمع آوری کرده بود، ایشان در شوال سال صد و نود و چهار (۱۹۴) هجری قمری در شهر بخارا متولد گردید و با یتیمی نزد مادر خود و در کنار او نشو و نما یافت، سپس در

---

۱- اولین شخص که این نام را به صحاح سته گذاشت، حافظ ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی متوفای (۵۰۷هـ) در کتابش «أطراف الكتب الستة» می باشد، سپس حافظ عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی متوفای (۶۰۰هـ) در کتابش «الإكمال في أسماء الرجال» بود. محمد بن محمد بن سويلم أبو شُهبة (المتوفى: ۱۴۰۳هـ)، الوسيط في علوم ومصطلح الحديث، الناشر: دار الفكر العربي، بيروت، ج ۱ ص ۶۶۶.

۲- زرکشی: (۷۴۵ - ۷۹۴ هـ = ۱۳۴۴ - ۱۳۹۲ م)، محمد بن بهادر بن عبد الله، زرکشی، ابو عبد الله، بدر الدین، یکی از علمای فقه و اصول مذهبی شافعی بود، اصلش از ترک است، ولی تولد و وفاتش در مصر شده است، دارای تألیفات زیاد است، از جمله: الإجابة لإيراد ما استدرکته عائشة على الصحابة، لفظة العجلان، المنثور في القواعد الفقهية وغيره. أبوبکر بن هداية الله، الحسيني (۱۰۱۴هـ)، طبقات الشافعية للحسيني، المحقق: عادل نويهض، الناشر: دار الأفق الجديدة - بيروت، الطبعة: الثالثة ۱۴۰۲هـ - ۱۹۸۲م، ص ۲۴۱.

۳- محمد بن عبد الله بن بهادر، أبو عبد الله بدر الدين الزركشي الشافعي (المتوفى: ۷۹۴هـ)، النكت على مقدمة ابن الصلاح، الناشر: أضواء السلف - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م، ج ۱ ص ۳۷۹.

سال ۲۱۰ هجری جهت طلب و جمع آوری حدیث شروع به سفر نمود و به سرزمینهای اسلامی مسافرت کرد، چنانکه شش سال در حجاز اقامت نمود و همچنین وارد شام، مصر، بصره، کوفه و بغداد شد، همچنان مدت زیادی به تالیف و تدریس مشغول گردید، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: صحیح البخاری که در حدود شانزده سال تالیف نمود، التاریخ، الضعفاء فی رجال الحدیث، خلق أفعال العباد، الأدب المفرد و غیره، سرانجام ایشان در شب عید فطر سال ۲۵۶ هجری قمری در قریه خَزَنَتُگ که در دو فرسخی سمرقند قرار داشت وفات نمود، و مدت عمر ایشان فقط سیزده روز از شصت و دو سال کمتر بود. (۱)

بدون شک ایشان علم زیادی را در تألیفاتش به ارث گذاشت، الله متعال وی را مورد رحمت خویش قرار فرماید و (بخاطر) آنچه که به اسلام و مسلمانان نفع رسانده پاداش نیکش دهد.

**صحیح بخاری:** این کتاب را مؤلف گرانقدرش، «الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله وسننه وأیامه» نام نهاده و آن احادیث را از بین ششصد هزار حدیث استخراج نموده و رنج بسیاری را در اصلاح و تهذیب و حصول اطمینان از صحت آن بر خویش هموار نموده است. (۲)

حدیثی را در این کتاب نمی آورد تا آنکه غسل نموده و دو رکعت نماز بجای می آورد و استخاره نموده از الله طلب خیر می کرد. همچنین سند هیچ حدیثی را در آن ذکر نکرده است مگر آنکه به درستی از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت شده باشد و اسناد آن ها متصل بوده و رجال آن خصوصیات عدالت و دقت و راستی را داشته باشند. (۳)

گردآوری این کتاب برای وی شانزده سال بطول انجامید و در پایان نیز آن را به رؤیت امام احمد، یحیی بن معین و علی بن مدینی رحمهم الله و دیگران نیز رسانیده و همگی آن را پسندیده و به درستی آن گواهی داده اند. (۴)

در طی سالیان و قرن ها علماء اسلام به کتاب «صحیح البخاری» به عنوان کتابی درست و صحیح نگاه

---

۱- أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، هدی الساری مقدمة فتح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹ هـ،

ج ۲ ص ۱۹۳ - ۲۰۶.

۲- عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۱ ص ۱۰.

۳- همان مرجع، ج ۱ ص ۱۰.

۴- أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹،

ج ۱ ص ۷.

نموده اند، طوری که حافظ ذهبی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می فرماید: در دین اسلام آن بزرگ ترین و برترین کتاب پس از کتاب الله متعال است.<sup>(۲)</sup>

تعداد احادیث آن با احتساب موارد تکراری (۷۳۹۷) هفت هزار و سیصد و نود و هفت حدیث و با حذف موارد تکراری (۲۶۰۲) (دو هزار و ششصد و دو حدیث می باشد).<sup>(۳)</sup>

## دوم: معرفی امام مسلم و صحیح آن

امام مسلم (۲۰۴ - ۲۶۱ هـ = ۸۲۰ - ۸۷۵ م): مسلم بن حجاج بن مسلم، ابو الحسین قشیری، نیشابوری، حافظ و یکی از بزرگان ائمه حدیث است، که در سال ۲۰۴ هجری قمری در شهر نیشابور متولد شد. جهت جمع آوری احادیث به سرزمینهای مختلف اسلامی مسافرت نمود و به سوی حجاز و شام و عراق و مصر سفر کرد، هنگامی که امام بخاری وارد نیشابور شد ملازم وی گشت و از علم ایشان سود جست و از ایشان پیروی کرد.<sup>(۴)</sup>

بسیاری از علماء اهل حدیث و غیر آنها ایشان را تمجید کرده اند. و سرانجام در سال ۲۶۱ هجری قمری در سن پنجاه و هفت سالگی در نیشابور وفات یافت. ایشان علم زیادی را در تألیفات خویش بجای گذاشتند.<sup>(۵)</sup> الله متعال وی را مورد رحمت خویش قرار فرماید و (بخاطر) آنچه که به اسلام و مسلمانان نفع رسانده پاداش نیکش دهد!.

---

۱ - ذهبی، (۶۷۳ - ۷۴۸ هـ = ۱۲۷۴ - ۱۳۴۸ م)، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، شمس الدین، أبو عبد الله: حافظ، مؤرخ، علامة محقق. ترکمانی الأصل، از أهل میافارقین، تولد و وفاتش در دمشق صورت گرفته است، تألیفات زیاد از خود بجا گذاشته است از جمله: دول الإسلام، المشتبه في الأسماء والأنساب، والکنی والألقاب، سیر اعلام النلاء، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، المستدرک علی مستدرک الحاکم وغیره. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: ۱۳۹۶ هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو ۲۰۰۲ م، ج ۵ ص ۳۲۶. ولید بن حُسَیْن بن بَدْوِي بن مُحَمَّدِ الْأَمْوِي، معجم أصحاب شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج ۱ ص ۱۲۶.

۲- تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج ۲۸ ص ۸۶.

۳- محمد بن صالح بن العثیمین، مصطلح حدیث، ص ۲۲۷.

۴- محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، تذکرة الحفاظ، دراسة وتحقیق: زکریا عمیرات، الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت-لبنان، الطبعة الأولى ۱۴۱۹ هـ- ۱۹۹۸ م، ج ۲ ص ۱۵۰.

۵- إسماعیل بن عمر بن کثیر، أبو الفداء القرشي دمشقی (المتوفی: ۷۷۴ هـ)، البداية والنهاية، حققه ودقق اصوله وعلق حواشیه: علي شیری، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۱۱ ص ۳۳.

**صحيح مسلم:** كتاب مشهورى است كه امام مسلم بن حجاج نيشابورى رحمه الله آنرا تأليف کرده و در آن كتاب، احاديثى را از رسول الله صلى الله عليه وسلم كه نزد او صحيح بوده جمع آورى کرده است. امام نووى<sup>(۱)</sup> رحمه الله مي گويد: (سلك مسلم رحمه الله في صحيحه طرقا بالغة في الاحتياط والاتقان والورع والمعرفة... لا يهتدي اليها الا أفراد في الاعصار).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: مسلم در كتاب خود روشي را درپيش گرفته كه در احتياط، دقت، ورع و شناخت، كامل است، و جز افراد معدودي در طول قرن ها كسي بدان راه نمي يابد.

او احاديث متناسب (و مربوط به يك موضوع) را يكجا جمع مي كرد و طرق حديث و الفاظ آنرا بر اساس ابواب مرتب مي نمود، اما از ذكر ترجمه (عناوين ابواب) احاديث خودداري کرده، حال شايد دليل ترس از زياد شدن حجم كتاب خویش بوده باشد يا دليل ديگري، در عوض جماعتي از شارحان كتاب او، اقدام به گذاشتن عناوين ابواب بر احاديث كتاب او پرداخته اند و از جمله بهترين آنها شرح امام نووى<sup>(۳)</sup> رحمه الله است.<sup>(۴)</sup>

تعداد احاديث مسلم با احتساب موارد تكراري (۷۲۷۵) هفت هزار و دو صد و هفتادو پنج است و با حذف احاديث تكراري به (۴۰۰۰) چهار هزار حديث خواهد رسيد. جمهور يا جميع علما اتفاق دارند بر اينكه صحيح مسلم از جهت صحت احاديث آن، در مرتبه ي دوم بعد از صحيح بخاري قرار دارد.<sup>(۵)</sup>

---

۱- النوي، أبو زكريا، محيي الدين، يحيى بن شرف (المتوفى: ۶۷۶هـ)، یکی از محدثين و علام اسلام است، و فقيه مذهب شوافع، تألیفات زياد دارد از جمله: المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، رياض الصالحين، الانكار و غيره. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ۷۷۱هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۳هـ، ج ۵ ص ۱۶۵. ابن قاضي شهبة الأسيدي، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبي الدمشقي، تقي الدين (المتوفى: ۸۵۱هـ)، طبقات الشافعية، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دارالنشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷هـ، ج ۲ ص ۱۵۳.

۲- يحيى بن شرف بن مري أبو زكريا النوي، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۲، ج ۱ ص ۲۱.

۳- آن شرح: « المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج » كه شرح امام نووي رحمه الله (متوفى ۶۷۶هـ) بر صحيح مسلم بوده كه از مشهورترين كتاب در نوع خود است. امام نووي صحيح مسلم را به باب تقسيمبندي کرده و عناوين آنرا قرار داده است، و موجب شده تا استفاده از صحيح مسلم ساده تر شود و مزايابي دارد كه از جمله ي آن مزايا سادگي رسيدن به آن است. مصطلح الحديث، ص ۲۳۱.

۴- مصطلح الحديث، ص ۲۳۱.

۵- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱ ص ۲۱.

**نکته اول:** صحیحین؛ یعنی صحیح البخاری و صحیح مسلم تمامی احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم را در خود جای نداده اند، بلکه احادیث صحیح زیادی وجود دارند که در غیر آن دو کتاب هستند و آنها آن احادیث صحیح را روایت نکرده اند.<sup>(۱)</sup>

**نکته دوم:** علماء حدیث اتفاق دارند بر اینکه صحیح البخاری و صحیح مسلم صحیح ترین کتابهایی هستند که در مورد حدیث تصنیف شده اند، البته در آنچه که بصورت متصل ذکر کرده اند. از همین جهت ابن تیمیه رحمه الله می گوید: (وَلِهَذَا لَا يَتَّفِقَانِ عَلَى حَدِيثٍ إِلَّا يَكُونُ صَحِيحًا لَا رَيْبَ فِيهِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: (بخاری و مسلم) بر حدیثی اتفاق نکرده اند مگر آنکه حدیث صحیح بوده و شکی در صحت آن وجود نداشته است.

### سوم: معرفی امام نسائی و سنن آن

امام نسائی رحمه الله (۲۱۵ - ۳۰۳ هـ = ۸۳۰ - ۹۱۵ م): أحمد بن علي بن شعيب بن علي بن سنان بن بحر بن دينار، أبو عبد الرحمن نسائي: صاحب سنن، قاضي، حافظ و شيخ الاسلام است، که به دلیل نسبت ایشان به «نساء» شهر مشهوری در خراسان، «نسوی» نیز گفته می شود.<sup>(۳)</sup>

در سال ۲۱۵ هجری قمری در شهر نساء متولد شد، سپس جهت جمع آوری حدیث به مسافرت پرداخت و از اهل حجاز و خراسان و شام و جزیره و غیر آنها استماع حدیث نمود، و به مدت طولانی در مصر اقامت گزید و تصنیفات و تألیفات او در آنجا منتشر و گسترش یافتند، سپس به سوی دمشق سفر نمود که در آنجا محنتها و رنجهای بسیاری بر وی وارد شد. و سرانجام در سال ۳۰۳ هجری قمری در رمله ی فلسطین در سن هشتاد و هشت سالگی وفات یافت.<sup>(۴)</sup>

از ایشان تألیفات زیادی در مورد حدیث و علل بجای ماند، از جمله: السنن الکبری که آن را مجتبی (المجتبی من السنن) نام نهاد که اکنون در دست می باشد و از صحاح ستة است. همچنان از تألیفاتش: الخصائص فی فضل علی بن ابی طالب رضی الله عنه، الضعفاء والمتروکین من رواة الحدیث، المجتبی فی مختصر السنن

۱- محمد ادیب صالح، لمحات فی اصول الحدیث، ص ۱۲۴.

۲- مجموع الفتاوی، ج ۱۸ ص ۲۰.

۳- البدایة والنهاية، ج ۱۱ ص ۱۲۳.

۴- تذکرة الحفاظ، ج ۲ ص ۲۴۱ - ۲۴۳.

الكبرى و غيره.<sup>(۱)</sup>

**سنن النسائي:** نسائي رحمه الله كتاب خویش را بنام «السنن الكبرى» تألیف نمود و در آن احادیث صحیح و معلول را جاي داد، سپس آن کتاب را با تألیف «السنن الصغرى» خلاصه کرده و آنرا «المجتبى» نامید، و احادیثی را که صحیح می دانست در آن کتاب یعنی «المجتبى» جمع آوری کرد، و منظور از روایاتی که به نسائي منتسب می شود در حقیقت احادیث همین کتاب یعنی «المجتبى» است.<sup>(۲)</sup>

کتاب «المجتبى» نسبت به دیگر کتب سنن دارای کمترین احادیث ضعیف و راویان مجروح است و درجه ی اعتبار این کتاب بعد از صحیحین می باشد و حتی این کتاب از ناحیه ی رجال بر کتاب سنن ابوداود و ترمذی نیز مقدمتر است و این به دلیل شدت تحقیق مؤلف بر رجال احادیث کتاب خویش بوده است و خلاصه اینکه؛ شروط (قبول حدیث) نسائي در کتاب «المجتبى» قوی ترین شروط بعد از صحیحین می باشد.<sup>(۳)</sup>

#### چهارم: معرفی امام ابوداود و سنن آن

**امام ابوداود (۲۰۲ - ۲۷۵ هـ = ۸۱۷ - ۸۸۹ م):** نام او سلیمان بن اشعث بن اسحاق، ازدي، سجستاني است وی امام اهل حدیث در زمانش بود، در سال ۲۰۲ هجری قمری در سجستان به دنیا آمد و جهت جمع آوری حدیث به سیر و سفر پرداخت و از اهل عراق، شام، مصر و خراسان حدیث نوشت، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: سنن ابی داود، المراسیل، کتاب الزهد، رسالة البعث، تسمية الاخوة، أخبار أبی داود و غیره، ایشان در سال ۲۷۵ هجری قمری در شهر بصره و در سن هفتاد و سه سالگی وفات کرد.<sup>(۴)</sup>

**سنن ابو داود:** یکی از صحاح سته و کتابی است که بالغ بر چهار هزار و هشتصد (۴۸۰۰) حدیث می رسد، که مؤلف این تعداد را از میان پنجمصد هزار حدیث انتخاب کرده و در آن، فقط بر احادیث مربوط به احکام اکتفا کرده است.<sup>(۵)</sup>

۱- طبقات الشافعية الكبرى، ج ۲ ص ۸۳.

۲- مصطلح الحدیث، ص ۲۳۹.

۳- همان مرجع، ص ۲۳۹.

۴- تذكرة الحفاظ، ج ۲ ص ۱۵۲.

۵- مصطلح الحدیث، ص ۲۴۱.

ابوداود رحمه الله مي گوید: در کتاب خویش احادیث صحیح و نیز احادیثی که به صحیح نزدیک و شباهت داشت آورده ام و آنچه را که در کتابم داراي وَهْن (سستی و ضعف) شدید بوده، بیان کرده ام و در آن کتاب هیچ حدیثی از اشخاص متروک الحدیث وجود ندارد، و آنچه را که در مورد آن چیزی بیان نکرده ام بر این مبنا بوده که آن روایت صالح است، و البته بعضی از احادیث به نسبت بعضی دیگر صحیح تر (قوي تر) هستند و بیشتر احادیثی که در کتاب «السنن» قرار داده ام در زمره ي مشاهير هستند.<sup>(۱)</sup>

### پنجم: معرفی امام ترمذی و سنن آن

امام ترمذی (۲۰۹ - ۲۷۹ هـ = ۸۲۴ - ۸۹۲ م): محمد بن عیسی بن سوره بن موسی، سلمی، بوغی، ترمذی، أبو عیسی: یکی از امامان اهل حدیث و حفاظ شان بود، در شهر ترمذ که در کنار رود جیحون قرار دارد دنیا آمد، وی از اهل حجاز و عراق و خراسان سماع حدیث نمود و در اخیر عمر به نابینایی دچار گردید و در ترمذ وفات نمود، دارای تألیفات کثیره است، از جمله: الجامع الکبیر به اسم (صحیح الترمذی) در حدیث، الشمائل النبویة، التاریخ، العلل و غیره.<sup>(۲)</sup>

سنن الترمذی: این کتاب بنام «جامع ترمذی» نیز شهرت یافته است، ترمذی رحمه الله آنرا بر ابواب فقه تألیف کرده است و احادیث صحیح و حسن و ضعیف را در کتاب خویش جای داد و درجه هر حدیث را در موضع خویش ذکر و علت ضعف هر یک از احادیث ضعیف را نیز بیان نموده است، ترمذی رحمه الله سعی کرده تا به بیان توضیحاتی در مورد کسانی که - از اهل علم از صحابه و غیر آنان - اخذ کرده بپردازد، و در انتهای کتاب خویش قسمتی را درباره ي «العلل» قرار داده که در آن فوائد مهم و سودمندی آورده است.<sup>(۳)</sup>

### ششم: معرفی امام ابن ماجه و سنن آن

امام ابن ماجه (۲۰۹ - ۲۷۳ هـ = ۸۲۴ - ۸۸۷ م): محمد بن یزید بن عبد الله بن ماجه، ابو عبد الله ربّعی،

---

۱- این مطالب قسمتی از رساله ي امام ابوداود برای اهل مکه بود. به این کتاب مراجعه کنید: حمد بن محمد بن ابراهیم بن الخطاب أبو سلیمان البستی المعروف بالخطابي (المتوفی: ۳۸۸هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة: الأولى ۱۳۵۱ هـ - ۱۹۳۲ م، ج ۱ ص ۶ - ۸.

۲- صلاح الدین خلیل بن أبیک الصفدي (المتوفی: ۷۶۴هـ)، نکث الهمیان فی نکت العمیان، الناشر: دار الکتب العلمية، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ص ۲۶۴.

۳- مصطلح الحدیث، ص ۲۴۴.

یکی از ائمه مشهور حدیث، حافظ بزرگ، مفسر، مؤرخ، صاحب تفسیر، تاریخ و از اهل قزوین بود، در شهر قزوین متولد شد و جهت جمع آوری حدیث به سوی ری، بصره، کوفه، بغداد، شام، مصر و حجاز مسافرت کرد و از بسیاری از اهالی آن مناطق اخذ حدیث نمود. دارای تألیفات نافعی است، از جمله: سنن ابن ماجه یکی از کتابهای صحاح سته، تفسیر القرآن، تاریخ قزوین و غیره. سرانجام در سال ۲۷۳ هجری و در سن شصت و چهار سالگی وفات کرد.<sup>(۱)</sup>

امام ذهبی رحمه الله به نقل از ابویعلی خلیلی<sup>(۲)</sup> رحمه الله چنین نوشته است: (قال أبو یعلی الخلیلی: ابن ماجه ثقة کبیر متفق علیه محتج به له معرفة وحفظ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ابویعلی خلیلی رحمه الله فرمود: ابن ماجه ثقة بزرگ است که بر ثقة بودنش اتفاق صورت گرفته است، از او حجت گرفته می شود و برایش معرفت و حفظ است.

**سنن ابن ماجه:** کتابیست که مؤلفش احادیث آنرا بر اساس ابواب مرتب و جمع آوری کرده است و بالغ بر چهار هزار و سیصد و چهل و یک (۴۳۴۱) حدیث است اما احادیث مختص به کتاب او، یک هزار و سیصد و سی و نه (۱۳۳۹) حدیث می باشد.<sup>(۴)</sup>

تعداد کتاب های سنن ابن ماجه، به ۳۲ کتاب می رسد، طوری که ذهبی رحمه الله می نویسد: (و عدد کتب سننه اثنان وثلاثون کتابا).<sup>(۵)</sup>

ترجمه: تعداد کتاب های سنن او به ۳۲ کتاب می رسد.

## مطلب دوم: معرفی کتب مسانید

درین مطلب نخست مسانید را تعریف نموده، سپس کتب مسانید را معرفی می کنم:

---

۱- تذکرة الحفاظ، ج ۲ ص ۱۵۵-۱۵۶.

۲- ابویعلی خلیلی (۴۴۶ هـ = ۱۰۵۴ م): خلیل بن عبد الله بن أحمد بن إبراهيم ابن خلیل قزوینی، أبو یعلی خلیلی: قاضی، ثقة، از حفاظ حدیث و عارف به علل و رجال و دارای اسناد عالی بود، از جمله تألیفات او (الإرشاد في علماء البلاد) بود که در آن محدثین و علماء حدیث حسب ترتیب زمان ذکر شده است. تذکرة الحفاظ، ج ۳ ص ۲۱۴.

۳- همان مرجع، ج ۲ ص ۱۵۵.

۴- مصطلح الحدیث، ص ۲۴۸.

۵- تذکرة الحفاظ، ج ۲ ص ۱۵۶.



## الف: تعریف مسانید

**اول: تعریف لغوی مسانید:** مسانید جمع مُسْنَد است و مسند در لغت به معنای نسبت دادن، آنچه از سخن که به گوینده اش اسناد شود، طوری که مرتضی زبیدی رحمه الله می نویسد: (المُسْنَدُ مِنَ الْحَدِيثِ: مَا أُسْنِدَ إِلَى قَائِلِهِ أَيْ اِتَّصَلَ إِسْنَادُهُ حَتَّى يُسْنَدَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْمُرْسَلُ وَالْمُنْقَطِعُ: مَا لَمْ يَتَّصِلْ. وَالْإِسْنَادُ فِي الْحَدِيثِ: رَفَعُهُ إِلَى قَائِلِهِ، ج: مَسَائِدُ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مسند از حدیث: آنچه که به گوینده اش اسناد شود، یعنی اسناد آن متصل شود تا اینکه سند آن به پیامبر صلی الله علیه وسلم متصل شود، اما حدیث مرسل و منقطع آن حدیث که سندش متصل نیست. و اسناد در حدیث: رفع سند آن حدیث به گوینده اش است و جمع مسند، مساند است.

**دوم: تعریف اصطلاحی مسانید:** (والمسند: كل كتاب جمع فيه مرويات كل صحابي على حدة، من غير النظر إلى الموضوع الذي يتعلق فيه الحديث، مثل "مسند الإمام أحمد بن حنبل").<sup>(۲)</sup>

ترجمه: مسند هر کتابی که در آن روایت های هر صحابی بشکل مستقل و جدا جمع شده باشد، بدون نظر به موضوع که حدیث در آن تعلق و ارتباط می گیرد، مثل مسند امام احمد بن حنبل.

روایت هر صحابی، گاهی به ترتیب حروف الفبایی جمع آوری شده مثل کتب معاجم، گاهی برخی از مصنفین احادیث صحابی را بر مبنای انساب و یا به ترتیب محاسبه سوابق اسلام آنها می آورند، مانند روش امام احمد در مسند خویش، گاهی نیز احادیث صحابی را بدون رعایت ترتیب می آورند، گاهی نیز مصنف فقط احادیث یک صحابی یا گروهی از آنها را جمع آوری می کند، مانند مسند ابوبکر. گاهی نیز مصنف، احادیث را بر اساس ابواب و حروف مرتب می کند نه بر اساس روایات صحابی.<sup>(۳)</sup>

## ب: معرفی کتب مسانید و مؤلفین شان

درین مسئله تعداد از کتب مسانید و مؤلفین شان را که از احادیث شان درین تحقیق کار گرفته ام، معرفی می نمایم:

۱- تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵ ص ۲۸.

۲- تیسیر مصطلح الحدیث، ص ۲۰۹.

۳- مصطلح الحدیث، ص ۲۲۳.

## اول: معرفی امام احمد و مسند آن

امام احمد (۱۶۴ - ۲۴۱ هـ = ۷۸۰ - ۸۵۵ م): أحمد محمد بن بن حنبل، أبو عبد الله، شيباني، وائلي: إمام مذهب حنبلّي و یکی از امامان مذاهب اربعه است، در شهر مرو خراسان بدنیا آمد، جهت طلب حدیث سرزمینهای مختلفی را پیمود و از مشایخ عصر خود در حجاز، عراق، شام و یمن استماع نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: المسند، التاريخ، النسخ والمنسوخ، الرد علی الزنادقة فیما ادعت به من متشابه القرآن، فضائل الصحابة، المناسك و غیره، سرانجام در سال ۲۴۱ هجری و در سن هفتاد و هفت سالگی در شهر بغداد وفات نمود و علم زیاد و منهج محکمی را برای امت بجای گذاشت.<sup>(۱)</sup>

**مسند امام احمد بن حنبل:** از جمله گرانبهاترین مسانید و بامفوترین آنها «مسند امام احمد بن حنبل» می باشد، چنانکه محدثان قدیم و جدید شهادت داده اند که این کتاب جامعترین کتب سنت و کاملترین آنهاست که هر مسلمانی در مسائل دین و دنیایش بدان احتیاج پیدا می کند.<sup>(۲)</sup>

احادیث این کتاب از میان بیشتر از هفتصد و پنجاه هزار حدیث جمع آوری شده و تعداد احادیث مسند امام احمد با تکرار بالغ بر چهل هزار (۴۰۰۰۰) حدیث است و با حذف احادیث تکراری به سی هزار (۳۰۰۰۰) حدیث خواهد رسید.<sup>(۳)</sup>

## دوم: معرفی بقیه مسانید و مؤلفین شان

از جمله کتابهای دیگر مسانید که در آنها احادیث راجع به اتباع هوی پیدا نمودم، عبارتند از:

- ۱- **مسند ابي داود الطيالسي:** که مؤلف آن طیالسی می باشد و طیالسی (۱۳۳ - ۲۰۴ هـ = ۷۵۰ - ۸۱۹ م): سلیمان بن داود بن الجارود مولی قریش، أبو داود طیالسی، از کبار حفاظ حدیث و فارسی الاصل است، در بصره سکونت نموده و در همانجا وفات نموده است، از حفظ حدیث می گفت، برایش مسند بود که جمع از حفاظ خراسان آن را ترتیب داده است.<sup>(۴)</sup>

۱- البداية والنهاية، ج ۱۰ ص ۳۲۵ - ۳۴۳.

۲- مصطلح الحديث، ص ۲۵۰.

۳- مصطلح الحديث، ص ۲۵۰.

۴- أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي أبو بكر الخطيب البغدادي (المتوفى: ۴۶۳ هـ)، تاريخ بغداد، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م، ج ۹ ص ۲۴.

قصد طیالسی رحمه الله از تالیف کتاب مسند أبي داود الطيالسي، جمع کردن روایات صحابه از رسول الله علیه وسلم است، بشکل که روایات هر صحابی بشکل جدا و علا حده است و این طریقه نزد محدثین بطریقه «التصنيف على المسانيد» یعنی مسانید صحابه رضی الله عنهم شناخته می شود، این کتاب به ذکر مسانید عشره مبشره شروع شده، سپس به بقیه صحابه ختم شده است، عدد احادیث این مسند به (۲۸۹۰) حدیث می رسد.<sup>(۱)</sup>

۲- **مسند إسحاق بن راهويه:** این کتاب از اسحاق بن راهويه است، ابن راهويه (۱۶۱ - ۲۳۸ هـ = ۷۷۸ - ۸۵۳ م): إسحاق بن إبراهيم بن مخلد، حنظلي، تميمي، مروزي، أبو يعقوب ابن راهويه: عالم خراسان در زمانش بوده و یکی از حفاظ حدیث محسوب می گردد، در راه مکه تولد شده و در نیشاپور وفات نمود، از تالیفاتش همین مسند به ثبت رسیده است.<sup>(۲)</sup>

مسند إسحاق بن راهويه شامل مسند عائشه و ابوهريره رضی الله عنهما می گردد و بقیه روایات صحابه مفقود است، مؤلف در این مسند، از تخریج احادیث واهی و موضوعی خودداری نموده، کتابش بر حدیث صحیح، حسن و ضعیف مشتمل است، احادیث مسند أبي هريرة ۵۴۳ حدیث می رسد و احادیث مسند عائشة - رضی الله عنها - ۱۲۷۲ حدیث می رسد و مجموعه احادیث و آثار این مسند به (۲۴۲۵) می رسند.<sup>(۳)</sup>

۳- **مسند الدارمی:** مؤلف این مسند، امام دارمی (۱۸۱ - ۲۵۵ هـ ، ۷۹۷ - ۸۶۹ م)، عبدالله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام دارمی، تميمي، أبو محمد، سمرقندي، حافظ، إمام، عالم، مفسر، محدث و یکی از اعلام امت است. از این شخص بخاری، مسلم و غیره حدیث روایت نموده است، از جمله تالیفاتش: المسند، التفسیر و الجامع الصحیح (سنن الدارمی) می باشد.<sup>(۴)</sup>

---

۱- با تحقیق از خود مسند ابی داود طیالسی این مسئله روشن می گردد. سلیمان بن داود بن الجارود، أبو داود الطيالسي البصري (المتوفى: ۲۰۴هـ)، مسند أبي داود الطيالسي، المحقق: محمد بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۱ ص ۳ - ج ۴ ص ۴۸۳.

۲- تاریخ بغداد، ج ۶ ص ۳۴۵.

۳- إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم، أبو يعقوب الحنظلي المروزي المعروف بـ ابن راهويه (المتوفى: ۲۳۸هـ)، مسند إسحاق بن راهويه، المحقق: عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي، الناشر: مكتبة الإيمان - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ - ۱۹۹۱، ج ۱ ص ۷۳ - ج ۵ ص ۲۷۰.

۴- تذكرة الحفاظ، ج ۲ ص ۱۰۵.

مسند الدارمی دارای ۳۷۳۸ حدیث و اثر تکراری می باشد، که بر (۱۳۷۱) باب از علم وضع شده است، اغلب باب هایش بر یک حدیث بوده، در (۵۶۹) حدیث و اثر او صحیح البخاری و صحیح مسلم اتفاق دارند، (۱۱۳) حدیث و اثر او را بخاری و (۳۴) حدیث و اثر او را مسلم بشکل انفرادی آورده اند و بقیه احادیث و اثر او در کتاب های سنن و غیره آمده اند.<sup>(۱)</sup>

۴- **مسند البزار:** بزار (۲۹۲ هـ = ۹۰۵ م): أحمد بن عمرو بن عبد الخالق أبو بكر بزار، یکی از حافظین علماء حدیث و از اهل بصره بود و در رمله وفات نمود، دارای تالیفات بود، از جمله: البحر الزخار (مسند البزار)، کتاب الصغیر و غیره.<sup>(۲)</sup>

مسند البزار که مشهور به اسم «البحر الزخار» است، که در سال ۱۹۸۸ م در مدینه منوره طبع گردید.<sup>(۳)</sup>

۵- **مسند الشامیین:** که مؤلف آن: أبو القاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر، لخمی، طبرانی می باشد، طبرانی یکی از مفسرین، محدثین و فقیه زمانش بود، در سال ۲۶۰ هجری قمری در طبریه شام متولد گردید، سپس به اصفهان آمد و در آنجا مسکن گزید، تا این که در سال ۳۶۰ هجری به عمر ۱۰۰ سالگی وفات یافت، دارای تالیفات کثیره بود، از جمله: مسند الشامیین، المعجم الکبیر، المعجم الأوسط، المعجم الصغیر، تفسیر القرآن العظیم و غیره.<sup>(۴)</sup>

قصد و اراده مؤلف در این کتاب، روایت احادیث بعضی از صحابه که در شام زندگی می کردند، صورت گرفته، از جمله: مغیره بن شعبه، معاویه بن ابي سفیان، معاذ بن جبل، ابي ثعلبة و غیره رضی الله عنهم، یعنی مؤلف روایات ۸۹ نفر از صحابه را درین مسند جمع آوری نموده است.<sup>(۵)</sup>

---

۱- عبد الله بن عبد الرحمن أبو محمد الدارمی، مسند الإمام الدارمی، درسه وضبط نصوصه وحققها: الدكتور/ مرزوق بن هیاس آل مرزوق الزهرانی، الناشر: (بدون ناشر) (طبع علی نفقة رجل الأعمال الشيخ جمعان بن حسن الزهرانی)، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۶ هـ - ۲۰۱۵ م، ج ۱ ص ۱۴.

۲- تذكرة الحفاظ، ج ۲ ص ۲۰۴.

۳- أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبید الله أبو بكر العتکی المعروف بالبزار (المتوفی: ۲۹۲ هـ)، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت ۱۹۸۸ م، وانتهت ۲۰۰۹ م)، ص ۱.

۴- أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلكان أبو العباس شمس الدين البرمكي الإبلي (المتوفی: ۶۸۱ هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: ۰، ۱۹۰۰ م، ج ۲ ص ۴۰۷ - ۴۰۸.

۵- شمس الدين، أبو عبد الله محمد بن محمد بن سليمان بن الفاسي بن طاهر الرؤداني السوسي المكي المالكي (المتوفی: ۱۰۹۴ هـ)، صلة الخلف بموصول السلف، المحقق: محمد حجي، دار النشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۸ هـ، ۱۹۸۸ م، ج ۱ ص

٦- **مسند الفاروق**: كه مؤلف آن: ابن كثير: إسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن كثير بن درع، قرشي، أموي، بصروي، شافعي، شيخ عماد الدين، معروف به ابن كثير صاحب تفسير القرآن العظيم وتاريخ البدايه والنهائيه مي باشد، در سال ٧٠١هـ متولد گرديد ودرسال ٧٧٤هـ در دمشق وفات يافت.<sup>(١)</sup>

مسند الفاروق: كتابي است كه مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضي الله عنه وأقواله على أبواب العلم جمع شده است و احاديث آن بترتيب ابواب فقه ترتيب شده است.<sup>(٢)</sup>

---

١- طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، ج ٣ ص ٨٥.

٢- إسماعيل بن عمر بن كثير، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ)، مسند الفاروق، المحقق: عبد المعطي قلنجي، دار النشر: دار الوفاء - المنصورة، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ - ١٩٩١م، ج ١ ص ١٠٣ - ج ٢ ص ٧٠٥.

## فصل دوم

### جمع و بررسی احادیث صحاح سته در اتباع هوی

درین فصل احادیث صحاح سته که راجع به اتباع هوی اند، جمع و بررسی می گردند، بنابراین، این فصل دارای مباحث ذیل اند:

مبحث اول: جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم در اتباع هوی.

مبحث دوم: جمع و بررسی احادیث سنن اربعه در اتباع هوی.

## مبحث اول

### جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم در اتباع هوی.

در این مبحث احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم، که راجع به اتباع هوی اند، جمع و بررسی می گردند، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل اند:

مطلب اول: جمع و بررسی احادیث متفق علیه در اتباع هوی.

مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری در اتباع هوی.

مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث صحیح مسلم در اتباع هوی.

### مطلب اول: جمع و بررسی احادیث متفق علیه در اتباع هوی.

اولین مطلب راجع به احادیث وارده پیرامون اتباع هوی، به جمع و بررسی احادیث متفق علیه راجع به این موضوع آغاز نمودم، منظور از متفق علیه احادیثی اند که مورد اتفاق بخاری و مسلم قرار دارند، که علما آنرا (متفق علیه) می نامند و آن بالاترین نوع احادیث صحیح اند، طوری که امام نووی رحمه الله می نویسد: (الصحيح أقسام: أعلاها ما اتفق عليه البخاري ومسلم، ثم ما انفرد به البخاري، ثم مسلم).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: احادیث صحیح دارای اقسام اند، بالاترین آن احادیثی هستند که مورد اتفاق بخاری و مسلم می باشند، سپس احادیثی که فقط بخاری روایت نموده و سپس احادیثی را که مسلم روایت کرده است.

پس احادیث متفق علیه که راجع به اتباع هوی اند، قرار ذیل اند:

### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَبَعَثَ إِلَى نِسَائِهِ، فَقُلْنَ: مَا مَعَنَا إِلَّا الْمَاءُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ يَضُمُّ أَوْ يُضِيفُ هَذَا؟ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: أَنَا، فَاذْطَلَقَ بِهِ إِلَى امْرَأَتِهِ، فَقَالَ: أَكْرَمِي ضَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَتْ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتٌ صَبْيَانِي، فَقَالَ: هَيْتِي طَعَامَكَ، وَأَصْبِحِي سِرَاجَكَ، وَتَوَمِّي صَبْيَانَكَ إِذَا أَرَادُوا عَشَاءً، فَهَيَّأْتُ طَعَامَهَا، وَأَصْبَحْتُ سِرَاجَهَا،

۱- یحیی بن شرف أبو زکریا محیی الدین النووی (المتوفی: ۶۷۶هـ)، التقریب والتیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر فی أصول الحدیث، الناشر: دار الكتاب العربي، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م، ص ۲۸.

وَتَوَمَّتْ صِيبَانَهَا، ثُمَّ قَامَتْ كَأَنَّهَا تُصْلِحُ سِرَاجَهَا فَأَطْفَأَتْهُ، فَجَعَلَا يُرِيَانِهِ أَنَّهُمَا يَأْكُلَانِ، فَبَاتَا طَاوِيَيْنِ، فَلَمَّا أَصْبَحَ، غَدَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: ضَحِكَ اللَّهُ اللَّيْلَةَ، أَوْ: عَجِبَ مِنْ فَعَالِكُمَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: { وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ }<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: مردی نزد نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - آمد. رسول الله - صلى الله عليه وسلم - کسی را نزد همسرانش فرستاد تا آنها را مطلع سازد. گفتند: نزد ما چیزی جز آب، وجود ندارد. رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - خطاب به حاضرین گفت: چه کسی این شخص را مهمان می کند؟ مردی انصاری گفت: من. آنگاه، او را به خانه اش برد و به همسرش گفت: مهمان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را گرامی بدار. همسرش گفت: نزد ما چیزی جز خوراک بچه ها، وجود ندارد. گفت: غذایت را آماده کن، چراغش را روشن کن و هر گاه، کودکان ات شام خواستند، آنها را بخوابان. آن زن هم غذایش را آماده کرد، چراغش را روشن ساخت و کودکانش را خوابانید. سپس، برخاست و چنین وانمود کرد که می خواهد چراغش را سر و سامان دهد ولی آنرا خاموش کرد. همچنین آن دو به مهمانشان چنین وانمود کردند که غذا می خورند (تا اینکه مهمان غذا را خورد) و آنها شب را گرسنه خوابیدند. صبح روز بعد که آن انصاری نزد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رفت، پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: دیشب، الله متعال از کار شما خندید و یا تعجب کرد. آنگاه الله متعال این آیه را نازل فرمود: { وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ }<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند شدیداً فقیر باشند، کسانی که الله آنها را از بخل و حرص نفس خویش باز داشته، رستگارند.

باید گفت: سبب نزول این آیه { وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ... } همین داستان است، طوری

---

۱- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، البخاري، الجعفي، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر، الناشر: دار طوق النجاة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ، رقم الحديث ٣٧٩٨. امام مسلم این حدیث را در کتاب «الاشربة» باب إكرام الضيف وفضل إيثاره، روایت نموده است. مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري، القشيري (المتوفى: ٢٦١ هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، رقم الحديث ٢٠٥٤.

۲- {الحشر، آیه ۹}.



که واحدی<sup>(۱)</sup> رحمه الله در کتابش «أسباب نزول القرآن» سبب نزول این آیه را همین داستان خوانده است.<sup>(۲)</sup> مشخص شد که این آیه {وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...} بسبب همین داستان نازل شده است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که اکرام و عزت مهمان و ترجیح دادن شان بر بالای نفس و مخالفت کردن با اتباع هوی، انسان را رستگار می گرداند، از همین جهت بدرالدین عینی رحمه الله در شرح این حدیث چنین می نویسد: (وَمَنْ غَلَبَ مَا أَمَرَتْهُ بِهِ نَفْسُهُ وَخَالَفَ هَوَاهَا بِمَعُونَةِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ: {قَالَ لَيْكُمُ هُمُ الْمَفْلُحُونَ} (الْحَشْر: ۹) . الظافرون بِمَا أَرَادُوا).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: اشخاص که از آنچه نفس آنها را امر می کنند، غالب می آیند و مخالفت با اتباع هوی به کمک و توفیق الله متعال می کنند، (پس رستگارند) یعنی با آنچه که اراده نمودند، کامیاب هستند.

خلاصه از این حدیث معلوم و مشخص گردید که مخالفت با اتباع هوی و غلبه بر هوی و خواهشات نفس، سبب رستگاری و کامیابی شخص می گردد.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ : «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: قهرمان، کسی نیست که هنگام کشتی گرفتن، افراد زیادی را به زمین بزند. بلکه قهرمان، کسی است که هنگام خشم، خودش را کنترل نماید.

۱- واحدی (۴۶۸ هـ - ۱۰۷۶ م): علي بن أحمد بن محمد بن علي، واحدی، نيسابوري، شافعي (أبو الحسن): مفسر، نحوي، لغوي، فقيه و شاعر بود، اصلش از ساوه و در نیشاپور وفات نموده است، از جمله تالیفاتش: الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، البسيط، المغازي، شرح ديوان المتنبي، الإعراب في الإعراب، نفي التحريف عن القرآن الشريف و غيره اند. محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، شمس الدين أبو عبد الله الذهبي (المتوفى: ۷۴۸هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِيَاتِ الْمَشَاهِيرِ وَالْأَعْلَامِ، المحقق: بشار عَوَاد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۳ م، ج ۱۰ ص ۲۶۴.

۲- علي بن أحمد بن محمد بن علي، أبو الحسن الواحدی، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: ۴۶۸هـ)، أسباب نزول القرآن، المحقق: كمال بسيوني زغلول، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ هـ، ص ۴۴۰.

۳- عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۱۶ ص ۲۶۵.

۴- صحيح البخاري، ۶۱۱۴. صحيح مسلم، ۶۷۳۶.

وجه استدلال از حدیث: ابن عبدالبر<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (وَفِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ مُجَاهِدَةَ النَّفْسِ فِي صَرْفِهَا عَنْ هَوَاهَا أَشَدُّ مُحَاوَلَةً وَأَصْعَبُ مَرَامًا وَأَفْضَلُ مِنْ مُجَاهِدَةِ الْعَدُوِّ وَاللَّهِ أَعْلَمُ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ جَعَلَ لِلَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ مِنَ الْقُوَّةِ وَالشَّدَّةِ مَا لَيْسَ لِلَّذِي يَغْلِبُ النَّاسَ وَيَصْرَعُهُمْ<sup>(۲)</sup>).

ترجمه: و در این حدیث دلیل است بر اینکه مبارزه و جهاد کردن با نفس در قسمت گرداندن از هوایش، شدیدترین تلاش و سخت ترین مرام و خواست است و از جهاد با دشمن بهتر است - الله بهتر می داند - زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم آن مقامی را که برای شخص که نفسش را در حالت غضب از قوت و شدت کنترل می می کند، گردانیده است، آن مقام را برای شخص که بر مردم غالب می آید و مردم را به کشتی می زند، نگردانیده است.

خلاصه از این حدیث مشخص شد که برگرداندن نفس از اتباع هوی بهترین جهاد است، که شخص را قهرمان می گرداند و همچنان معلوم گردید که یکی از راهای مبارزه با اتباع هوی، کنترل کردن نفس در وقت غضب است.

### حدیث سوم و وجه استدلال آن.

عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ وَأَهْوَى النَّعْمَانُ بِإِصْبَعِيهِ إِلَى أَدْنِيهِ: « إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ »<sup>(۳)</sup>.

۱- ابن عبد البر: (۳۶۸ - ۴۶۳ هـ = ۹۷۸ - ۱۰۷۱ م)، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، نمري، قرطبي، مالكي، أبو عمر، یکی از بزرگان حفاظ حدیث، ادیب، تاریخ دان، حافظ مغرب بود، در قرطبه تولد شد و با رحلات زیاد از جمله اندلس، سپس در قاطبه وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الدرر في اختصار المغازي والسير، العقل والعقلاء، الاستيعاب في تراجم الصحابة، جامع بيان العلم وفضله و غيره. أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر، أبو العباس شمس الدين ابن خلکان البرمكي الإبلي (المتوفى: ۶۸۱هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الجزء: ۲ - الطبعة: ۰، ۱۹۰۰، ج ۲ ص ۳۴۸.

۲- يوسف بن عبد الله بن عبد البر، أبو عمر النمري، الاستنكار، تحقيق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱ - ۲۰۰۰، ج ۸ ص ۲۸۷.

۳- صحيح البخاري، رقم الحديث ۵۲. صحيح مسلم، رقم الحديث ۴۱۷۸.

ترجمه: نعمان بن بشیر - رضي الله عنه - مي گوید: شنیدم و با دو انگشتش به دو گوشش اشاره مي کرد - که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: حرام و حلال، هر دو واضح و آشکارند (مشخص هستند). و در میان حلال و حرام، امور مشتبهی وجود دارد که بسیاری از مردم، آنها را را نمي دانند. هرکس، از آنها پرهیز کند، دین و ایمانش را حفاظت نموده است. و کسی که خود را با آنها بیالاید (از شبهات پرهیز نکند)، مانند کسی است که در حریم چراگاه سلطان، دام های خود را بچراند و هر آن، احتمال دارد، وارد چراگاه سلطان بشوند. آگاه باشید! که هر پادشاه، حریمی دارد و حریم الله در روی زمین، محرمات او هستند. آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد و شایسته شد، تمام بدن شایسته می گردد، و هر زمان آن پاره گوشت، فاسد شد همه بدن به تباهی می رود، بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است.

وجه استدلال از حدیث: ابن رجب رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: «أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضَغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» فِيهِ إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ صَلَاحَ حَرَكَاتِ الْعَبْدِ بِجَوَارِحِهِ، وَاجْتِنَابَهُ الْمُحَرَّمَاتِ وَاتِّقَاءَهُ لِلشُّبُهَاتِ بِحَسَبِ صَلَاحِ حَرَكَةِ قَلْبِهِ. فَإِذَا كَانَ قَلْبُهُ سَلِيمًا، لَيْسَ فِيهِ إِلَّا مَحَبَّةُ اللَّهِ وَمَحَبَّةُ مَا يُحِبُّهُ اللَّهُ، وَخَشْيَةُ اللَّهِ وَخَشْيَةُ الْوُقُوعِ فِيهَا يَكْرَهُهُ، صَلَحَتْ حَرَكَاتُ الْجَوَارِحِ كُلِّهَا، وَتَشَأَ عَنْ ذَلِكَ اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ كُلِّهَا، وَتَوَقُّقٌ لِلشُّبُهَاتِ حَذْرًا مِنَ الْوُقُوعِ فِي الْمُحَرَّمَاتِ. وَإِنْ كَانَ الْقَلْبُ فَاسِدًا، قَدِ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ اتِّبَاعُ هَوَاهُ، وَطَلَبُ مَا يُحِبُّهُ، وَلَوْ كَرِهَهُ اللَّهُ، فَسَدَتْ حَرَكَاتُ الْجَوَارِحِ كُلِّهَا، وَانْبَعَثَتْ إِلَى كُلِّ الْمَعَاصِي وَالْمُشْتَبِهَاتِ بِحَسَبِ اتِّبَاعِ هَوَى الْقَلْبِ» (۱).

ترجمه: آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد و شایسته شد، تمام بدن شایسته می گردد، و هر زمان آن پاره گوشت، فاسد شد همه بدن به تباهی می رود، بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است. در این حدیث اشاره است بر اینکه اصلاح حرکات بنده به همراهی اعضای بدنش، اجتناب کردنش از محرمات و پرهیز کردنش از شبهات، به حسب حرکت قلبش می باشد، پس وقتی

۱- عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زين الدين، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ۷۹۵هـ)، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثًا من جوامع الكلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: السابعة، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م، ج ۱ ص ۲۱۰.

همچنان راجع به این موضوع که قلب اگر فاسد گردد، انسان تابع اتباع هوی می گردد، سفارینی رحمه الله در کتابش در تحت این حدیث توضیح داده است. شمس الدین، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفارینی الحنبلي (المتوفى: ۱۱۸۸ هـ)، كشف اللثام شرح عمدة الأحكام، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - الكويت، دار النوادر - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ج ۶ ص ۵۱۰ - ۵۱۱.

که قلبش سالم باشد و در قلبش جز محبت الله و محبت آنچه که الله دوست دارد نباشد، همچنان در قلبش ترس الله و ترس وقوع در آنچه که الله بد می بیند باشد، در این صورت تمام حرکات اعضای بدنش صالح می گردد و از این حالت اجتناب کردن از تمام محرکات نشأت گرفته و از شبهات پرهیز نموده از جهت تحذیر تا مبادا به محرکات دچار نگردد. و در صورت که قلب فاسد باشد، برآستی بر بالای این قلب اتباع هوی غلبه نموده و این قلب آنچه که هوی دوست دارد طلب می نماید، گرچند که الله متعال آن را بد می بیند، در این صورت تمام حرکات بدن فاسد گردیده و قلب به طرف تمام گناه و شبهات به حسب اتباع هوی، بدن را می کشاند.

همچنان ابن رجب رحمه الله در کتابش «فتح الباری شرح صحیح البخاری» پیرامون این حدیث می نوسد: (وإذا فسد القلب فسدت إرادته، ففسدت الجوارح كلها وانبعث في معاصي الله عز وجل وما فيه سخطه ولم تقنع بالحلال؛ بل أسرع في الحرام بحسب هوى القلب وميله عن الحق... والقلب الفاسد: هو القلب الذي فيه الميل على الأهواء المضلة والشهوات المحرمة، وليس فيه من خشية الله ما يكف الجوارح عن اتباع هوى النفس).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: وقتی که قلب فاسد گردید، اراده اش هم فاسد می گردد، بنابراین، تمام اعضای بدن فاسد گردیده و قلب تمام اعضای بدن را به نافرمانی و در آنچه که قهر الله متعال است، بر می انگیزد و به حلال قناعت نمی کند، بلکه بر گرفتن حرام به حسب هوی قلب و میلانش از حق سرعت می دهد... و قلب فاسد: عبارت از قلبی است که در آن میل بر هواهای گمراه کننده و شهوات حرام وجود دارد و در آن ترس و خشیت از الله متعال که جوارح و اعضای بدن را از اتباع هوی نفس باز دارد وجود ندارد.

خلاصه از این حدیث مشخص گردید که انسان وقتی تابع هوی می گردد، که قلب فاسد گردد، در صورتی که قلب فاسد شود، انسان هر نوع حرام و شهوات را انجام داده و از انجام هیچ نوع گناه و نافرمانی الله متعال دریغ نمی ورزد، ولی در صورت که قلب صالح باشد، انسان هیچ گاه تابع هوی نگردیده، بلکه از اتباع هوی خود را و اعضای بدنش را تحذیر می نماید.

۱- عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زين الدين، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، فتح الباري شرح

صحیح البخاری، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، ج ١ ص ٢٢٩.

## حدیث چهارم و وجه استدلال آن.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ». (١)

ترجمه: عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ما فرمود: ای جوانان هر کس از شما توانایی فراهم کردن خانه و مسکن را دارد ازدواج کند، زیرا با ازدواج بهتر می توان چشم پوشی و پاکدامنی نمود و اگر کسی توانایی ندارد روزه بگیرد زیرا روزه شهوت را ضعیف می کند.

وجه استدلال از حدیث: یکی از فواید این حدیث آن است که ازدواج کردن سبب چشم پوشی و پاکدامنی شخص می گردد و این کار برای قلب قوت، ثبات و شجاعت می دهد تا در دام اتباع هوی، شهوات و شیطان نگردد، از همین جهت سلیمان بن محمد لهیمید (٢) رحمه الله در کتابش «إيقاظ الأفهام في شرح عمدة الأحكام» می نویسد: (غض البصر و احسن الفرج: أنه يورث قوة القلب وثباته وشجاعته، وأن الذي يخالف هواه يفرق الشيطان من ظله). (٣)

ترجمه: چشم پوشی و پاکدامنی قوت، ثبات و شجاعت قلب را به میراث می برد و اینکه شخص مخالفت با هوایش کرده و شیطان را از سایه اش جدا می سازد.

خلاصه ازدواج کردن یکی از راهای مبارزه با اتباع هوی است، که انسان را بطرف مشبوع کردن شهوت از طریق مشروع سوق داده و از هوی و شهوت غیر مشروع جلوگیری می کند.

١- صحیح البخاری، رقم الحدیث ٥٠٦٣. صحیح مسلم، رقم الحدیث ٣٤٦٦. لفظ حدیث از مسلم است.

٢- سلیمان بن محمد لهیمید یکی از مفسرین، محدثین و فقیه معاصر سعودی بحساب می آید، در رفحاء سعودی متولد و پرورش یافته است، امام و خطیب مسجد جامع الجبهان بوده، به همین شکل مدرس علوم شرعی در الجبهان می باشد، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: شرح بلوغ المرام، إيقاظ الأفهام في شرح عمدة الأحكام و غیره، باید گفت فعلاً در اینترنت سایت مستقل بنام: موقع مجلة «رياض المتقين» دارد. <https://islamhouse.com>

٣- سلیمان بن محمد لهیمید، إيقاظ الأفهام في شرح عمدة الأحكام، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ٢ ص ٢١.

## حدیث پنجم و وجه استدلال آن.

عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقُولُ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُعْطِينِي الْعَطَاءَ فَأَقُولُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي. حَتَّى أَعْطَانِي مَرَّةً مَالًا فَقُلْتُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - « حُذُّهُ وَمَا جَاءَكَ مِنْ هَذَا الْمَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا سَائِلٍ فَحُذُّهُ وَمَا لَا فَالَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ » (١).

ترجمه: سالم بن عبدالله بن عمر از پدرش روایت می کند: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به عمر عطیه و بخشش می داد. عمر می گفت: به کسی بدهید که از من فقیر تر است، می فرمود: هر چه مال به تو دادند بگیر، از آن استفاده کن، یا صدقه بده، بدون آنکه بر آن حریص باشی و در خواست کنی با رعایت (این دو شرط) قبول کن و هر چه غیر این بود به دنبال آن مباش.

وجه استدلال از حدیث: قرطبی<sup>(٢)</sup> و محمد امین هرری<sup>(٣)</sup> رحمهما الله در شرح این حدیث می گویند: (کان ذلك من أدل دليل على شدة الرغبة في الدنيا والحب لها وعدم الزهد فيها والركون إليها والتوسع فيها وكل ذلك أحوال مذمومة فنهاه عن الأخذ على هذه الحالة اجتنابًا للمذموم وقمعًا لداوعي النفس ومخالفة لها في هواها فإن من لم يكن كذلك جاز له الأخذ للأمن من تلك العلل المذمومة).<sup>(٤)</sup>

ترجمه: این حدیث بزرگترین دلیل بر شدت رغبت در دنیا، محبت برای آن، عدم زهد و پرهیزگاری در

١- صحیح البخاری، رقم الحدیث ١٤٧٣، ٧١٦٣، ٧١٦٤. صحیح مسلم، ٢٤٥٢، ٢٤٥٣. لفظ از مسلم است.

٢- قُرْطُبِي (٥٧٨ - ٦٥٦ هـ = ١١٨٢ - ١٢٥٨ م): أحمد بن عمر بن إبراهيم، أبو العباس، أنصاري، قرطبي، یکی از رجال حدیث و از فقهاء مالکی می باشد، تولدش در قرطبه، تدریس و وفاتش در اسکندریه صورت گرفته است، از جمله تالیفاتش: المفهم لما أشكل من تلخیص کتاب مسلم، اختصار صحیح البخاری، مختصر الصحیحین و غیره است. البدایة والنهاية، ج ١٣ ص ٢١٣.

٣- محمد امین بن عبد الله بن يوسف بن حسن أبو یاسین، أرمي، علوي، یکی علماء معاصر حدیث و فقه محسوب می گردد، در «حبشه» در منطقه «هر» در قریه «بویطه» روز جمعه، اواخر ماه ذی الحجة، سال ١٣٤٨ هجری تولد گردید، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: حقائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، هدية الأذكياء على طيبة الأسماء في توحيد الأسماء والصفات وغيره. محمد الأمین بن عبد الله الأرمي العلوي الهزري الشافعي، الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، الناشر: دار المنهاج - دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م، ج ١ ص ٧ - ١٥.

٤- أحمد بن عمر بن إبراهيم أبو العباس القرطبي (٥٧٨ - ٦٥٦ هـ)، المفهم لما أشكل من تلخیص کتاب مسلم، الناشر: (دار ابن کثیر، دمشق - بیروت)، (دار الكلم الطيب، دمشق - بیروت)، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، ج ٣ ص ٩٠. محمد الأمین بن عبد الله الأرمي العلوي الهزري الشافعي، الكوكب الوهاج شرح صحیح مسلم، الناشر: دار طوق النجاة، بیروت، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م، ج ١٢ ص ١٥٩.

آن، تمایل بطرف آن و وسعت دادن در آن است و تمام این حالات مذموم است، پس ما را از گرفتن دنیا بر این حالات منع نمود تا از مذموم اجتناب گردیده، دواعی نفس قمع و نابوده شده و مخالفت با هوای نفس صورت گیرد، پس شخص که با چنین حالات دچار نمی گردد، برایش جایز است تا دنیا را بگیرد از جهت امنیتش از این علت های که ذکر شد.

خلاصه مشخص گردید که رغبت در دنیا، محبت برای آن، عدم زهد و پرهیزگاری در آن، تمایل بطرف آن و وسعت دادن در آن از حالات مذموم است، زیرا اینها از جمله اتباع هوی نفس است و در صورتی که یک شخص امنیت از اتباع هوی نفس دارد، برایش استفاده و گرفتن دنیا جایز است.

### حدیث ششم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْفُرُهُ أَنْ يُقَدِّفَ فِي النَّارِ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از انس - رضي الله عنه - روایت است که نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: کسی که این سه خصلت را داشته باشد، شیرینی ایمان را می چشد. یکی اینکه: الله و رسولش را از همه بیشتر دوست داشته باشد. دوم اینکه: محبتش با هر کس، بخاطر خوشنودی الله باشد. سوم اینکه: برگشتن به سوی کفر، برایش مانند رفتن در آتش، ناگوار باشد.

وجه استدلال از حدیث: ابن حجر<sup>(۲)</sup> رحمه الله در شرح این جز از حدیث « أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا » می نویسد: (الْمُرَادُ بِالْحُبِّ هُنَا الْحُبُّ الْعَقْلِيُّ الَّذِي هُوَ إِيْثَارٌ مَا يَقْتَضِي الْعَقْلَ السَّلِيمَ رُجْحَانَهُ وَإِنْ كَانَ عَلَى خِلَافِ هَوَى النَّفْسِ، كَالْمَرِيضِ يَعَافُ الدَّوَاءَ بِطَبْعِهِ فَيَنْفِرُ عَنْهُ، وَيَمِيلُ إِلَيْهِ بِمُقْتَضَى عَقْلِهِ فَيَهْوَى

۱- صحیح البخاری، ۱۶. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۷۴.

۲- ابن حجر العسقلانی، (۷۷۳ - ۸۵۲ هـ = ۱۳۷۲ - ۱۴۴۹ م)، أحمد بن علي بن محمد الكناني العسقلاني، أبو الفضل، شهاب الدين، مشهور به ابن حجر، یکی از علمای فقه، حدیث، جرح و تعدیل، تاریخ و اصول بود، در عسقلان فلسطین تولد گردیده است، پرورش و وفاتش در قاهره شده است، تألیفات زیادی از خود بجا گذاشته است، از جمله: الدرر الكامنة في أعيان المئة الثامنة، لسان الميزان، الإحكام لبيان ما في القرآن من الأحكام، الإصابة في تمييز أسماء الصحابة، تهذيب التهذيب في رجال الحديث، تعجيل المنفعة بزوائد رجال الأئمة الأربعة، فتح الباری شرح صحیح البخاری و غیره. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۰ هـ/ ۱۹۷۱ م، ص ۶-۷.

تَنَاولَهُ، فَإِذَا تَأَمَّلَ الْمَرْءُ أَنَّ الشَّارِعَ لَا يَأْمُرُ وَلَا يَنْهَى إِلَّا بِمَا فِيهِ صَلَاحٌ عَاجِلٌ أَوْ خَلَاصٌ آجِلٌ وَالْعَقْلُ يَقْتَضِي رُجْحَانَ جَانِبِ ذَلِكَ، تَمَرَّنَ عَلَى الْإِثْمَارِ بِأَمْرِهِ بِحَيْثُ يَصِيرُ هَوَاهُ تَبَعًا لَهُ<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: مراد از محبت در این حدیث، محبت عقلی است و آن عبارت از فداکاری و ایثاری است که عقل سلیم ترجیح دادن آن محبت را بر دیگران تقاضا می کند، گرچند این کار بر خلاف هوی نفس است، مثل مریض که نظر به طبیعتش دوا را دوست ندارد، پس از دوا نفرت می کند، ولی به مقتضای عقلش بطرف دوا میل می کند، پس خواهان تناول آن می گردد، پس وقتی که شخص تأمل نماید که شارع امر و نهی نمی کند، مگر بر چیزی که در آن صلاح هم اکنون و عاجل و یا صلاح آجل و در آینده باشد، بنابراین، عقل جانب این را تقاضا نموده و ترجیح می دهد، پس عقل به فرمان و بجا آوری امر شارع دستور می دهد، بشکل که هوی تابع برای عقل گردد.

همچنان ابن رجب رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (فَجَمِيعُ الْمَعَاصِي إِيمًا تَنْشَأُ مِنْ تَقْدِيمِ هَوَى النَّفْسِ عَلَى مَحَبَّةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَقَدْ وَصَفَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ بِاتِّبَاعِ الْهَوَى فِي مَوَاضِعَ مِنْ كِتَابِهِ... وَكَذَلِكَ الْبِدْعُ، إِيمًا تَنْشَأُ مِنْ تَقْدِيمِ الْهَوَى عَلَى الشَّرْعِ، وَلِهَذَا يُسَمَّى أَهْلَهَا أَهْلَ الْأَهْوَاءِ. وَكَذَلِكَ الْمَعَاصِي، إِيمًا تَقَعُ مِنْ تَقْدِيمِ الْهَوَى عَلَى مَحَبَّةِ اللَّهِ وَمَحَبَّةِ مَا يُحِبُّهُ)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: پس تمام گناهان از تقدیم هوی نفس بر محبت الله و رسولش نشأت می گیرند، از همین جهت الله متعال مشرکین را در جاهای از کتابش (قرآن کریم) به اتباع هوی وصف نموده است، به همین شکل بدعت از تقدیم هوی بر شریعت نشأت می گیرد، لهذا اهل بدعت را اهل هواء مسمی کرده است، همچنان گناه از تقدیم هوی بر محبت الله و محبت آنچه که الله دوست می دارد، واقع می گردد.

همچنان حمزه محمد قاسم<sup>(۳)</sup> رحمه الله می نویسد: ( «أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا» أَي أَنْ يَتَغَلَّبَ الْحُبُّ الْإِلَهِيُّ عَلَى نَفْسِهِ، وَيَسِيطِرَ عَلَى كُلِّ عَوَاطِفِهِ وَمَشَاعِرِهِ، فَيَكُونُ حُبُّهُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ أَقْوَى مِنْ حُبِّهِ

۱- أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۶۰ - ۶۱.

۲- جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثًا من جوامع الكلم، ج ۲ ص ۳۹۸.

۳- حمزه قاسم (۱۳۴۳ - ۱۴۳۱ هـ): حمزه بن محمد قاسم، مفسر، محدث، ادیب و از اهل وجهاء مدینه منوره بود، در ماه رجب سال ۱۳۴۳ هـ در مدینه منوره تولد گردید، در سال ۱۳۵۹ در مدارس حکومتی مثل منصوریه و ناصریه به تدریس آغاز نمود، دارای تالیفات کثرت است، از جمله مختصر صحيح البخاری، منار القاری شرح مختصر البخاری، علم النفس الاسلامی و غیره. روز پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۴۳۱ هـ در مدینه منوره وفات نموده، بعد از ظهر در مسجد نبوی نمازه اش خوانده شده و در بقیع الغرقد دفن گردید. رحمه الله. <https://shamela.ws>



لوالده وولده وماله وجاهه، بل أقوى من حبه لنفسه ومن كل شهواته النفسية، وهذه هي حقيقة الإيمان التي إذا بلغها العبد كان هواه تبعاً لما جاء به صلى الله عليه وسلم<sup>(١)</sup>.

ترجمه: الله ورسولش را از همه بیشتر دوست داشته باشد. یعنی: محبت و دوستی الهی بر نفسش غلبه نماید و بر تمام عواطف و احساساتش چیره گردد، در این صورت محبتش برای الله و رسولش قویتر از محبتش برای پدر، مادر، اولاد، مال و مقامش می باشد، بلکه قویتر از محبت برای نفس و از شهوات نفسی اش است و این گونه محبت حقیقت ایمانی است که وقتی بنده به آن برسد، هوایش تابع بر آنچه که پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده است، می گردد.

خلاصه مشخص گردید که یکی از راهای دوری از اتباع هوی و نفس، محبت الله متعال و رسول صلی الله علیه وسلم است، وقتی که یک شخص دوستی الله متعال و رسول صلی الله علیه وسلم را بر هر چیزی ترجیح دهد، هوی و نفس این شخص تابع برای شریعت و دین اسلام می گردد.

### حدیث هفتم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»<sup>(٢)</sup>.

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: از گمان بد، اجتناب کنید. زیرا گمان بد، بدترین نوع دروغ است. و به دنبال عیوب دیگران نباشید، تجسس نکنید، قیمت کالاها را بدون اینکه نیت خرید داشته باشید، بالا نبرید و به یکدیگر حسادت نورزید. با یکدیگر، دشمنی نکنید و پشت ننمایید و برادروار، الله را عبادت کنید.

وجه استدلال از حدیث: یکی از اسباب ظن اتباع هوا است، از همین جهت سلیمان بن محمد اللہمید رحمه الله می نویسد: (ثالثاً: اتباع الهوی. ذلك أن الإنسان إذا اتبع هواه صار هذا الهوى إلهه الذي يعبد من دون

<sup>١</sup> - حمزة محمد قاسم، منار القاري شرح مختصر صحيح البخاري، الناشر: مكتبة المؤيد، الطائف - المملكة العربية السعودية، ١٤١٠ هـ.

- ١٩٩٠ م، ج ١ ص ٩٤.

<sup>٢</sup> - صحيح البخاري، رقم الحديث ٦٠٦٤. صحيح مسلم، رقم الحديث ٦٧٠١.

الله، فإنه يقع لا محالة في الظنون الكاذبة التي لا دليل عليها ولا برهان).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: سومین فایده که از حدیث بدست می آید، اتباع هوی است، یعنی این حدیث دلالت دارد، که انسان وقتی که اتباع هوی کند، این هوی معبودش می گردد تا بدون از الله اورا عبادت کند، بنابراین، همیشه در گمان های دروغ و کاذب که نه دلیل و نه شواهد بر آن ها دارند، واقع می گردد.

### حدیث هشتم و وجه استدلال آن

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ «إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ النَّاسِ كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ جَعَلَ الْفَرَاشُ وَهَذِهِ الدَّوَابُّ الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا فَجَعَلَ يَنْزِعُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ فَيَقْتَحِمْنَ فِيهَا فَأَنَا أَخَذُ بِحُجْرِكُمْ عَنِ النَّارِ وَهُمْ يَقْتَحِمُونَ فِيهَا».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عبدالرحمن روایت است، که او حدیث می گفت، از ابو هریره - رضي الله عنه - شنید، که می گفت: شنیدم که پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: وضع من با مردم مانند وضع شخصی است که آتشی را روشن می نماید، وقتی آتش اطراف خود را روشن نمود، پروانه و پشه و سایر حشرات به سوی آن می یابند و خود را در آتش می اندازند، و هر قدر آن مرد بخواهد از آنان جلوگیری کند و نگذارد خودشان را در آتش بیندازند، باز خود را در آن می اندازند، من هم همیشه محکم کمر بند شما را می کشم تا از آتش نجاتتان بدهم ولی شما باز خودتان را در آتش می اندازید.

وجه استدلال از حدیث: بدرالدین عینی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَبَّهَ الْمُخَالَفِينَ لَهُ بِالْفَرَاشِ وَتَسَاقَطَهُمْ فِي نَارِ الْأَخْرَةِ بِتَسَاقُطِ الْفَرَاشِ فِي نَارِ الدُّنْيَا مَعَ حِرْصِهِمْ عَلَى الْوُقُوعِ فِي ذَلِكَ وَمَنْعِهِ إِيَّاهُمْ، وَالْجَامِعُ بَيْنَهُمَا اتِّبَاعُ الْهَوَى وَضَعْفُ التَّمْيِيزِ وَحِرْصُ كُلِّ مِنَ الطَّائِفَتَيْنِ عَلَى هَلَاكِ نَفْسِهِ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: براستی پیامبر صلی الله علیه وسلم مخالفین خودش را با پروانه ها تشبیه نموده است، و افتیدن شان را در آتش آخرت با افتیدن پروانه ها در آتش دنیا به همراه حرص شان بر وقوع در آتش و منع کردن

<sup>۱</sup> - سلیمان بن محمد اللهمیدی، قرة العینین فی شرح أحادیث مختارة من الصحیحین (۱۰۰ حدیث)، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ۱ ص ۳۱.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۶۴۸۳. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۶۰۹۷. لفظ حدیث از بخاری است.

<sup>۳</sup> - عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۱۶ ص ۱۷.

شخص آنها را از آتش، علت جامع بین پروانه ها و مشرکین، اتباع هوی، ضعف تمییز و حرص هر کدام از دو طایفه بر هلاک نفس شان اند.

خلاصه از احادیث متفق علیه راجع به اتباع هوی فواید زیر بدست می آید:

- ۱- مخالفت با اتباع هوی و غلبه بر هوی و خواهشات نفس سبب رستگاری و کامیابی شخص می گردد.
- ۲- برگرداندن نفس از اتباع هوی بهترین جهاد است.
- ۳- انسان وقتی تابع هوی می گردد که قلب فاسد گردد.
- ۴- چشم پوشی و پاکدامنی از زنا سبب تقویت قلب از عدم اتباع هوی می گردد.
- ۵- به همین شکل رغبت در دنیا، محبت برای آن، عدم زهد و پرهیزگاری در آن، تمایل بطرف آن و وسعت دادن در آن از حالات مذموم است، زیرا اینها از جمله اتباع هوی اند.
- ۶- یکی از راهای دوری از اتباع هوی و نفس، محبت الله متعال و رسول صلی الله علیه وسلم است.
- ۷- اتباع هوی سبب گمانه زنی های دروغ و کاذب می گردد.
- ۸- یکی از وسایل که مشرکین را از شناخت راه رسول الله صلی الله علیه وسلم باز می دارند و آنها را در آتش جهنم می اندازند، اتباع هوی است.

### مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث صحیح البخاری در اتباع هوی.

در این مطلب احادیث که فقط در صحیح البخاری راجع به اتباع هوی وارد گردیده، تذکر می دهم، که قرار ذیل است:

#### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «تَعَسَّ عَبْدُ الدِّيَّانِ، وَالذَّرَّهَمُ، وَالْقَطِيفَةُ، وَالْخَمِيصَةُ، إِنْ أُعْطِيَ رَضِيَ، وَإِنْ لَمْ يُعْطَ سَخَطَ، تَعَسَّ وَانْتَكَسَ وَإِذَا شَبِكَ فَلَا انْتَقَشَ. طُوبَى لِعَبْدٍ آخَذَ بَعْنَانَ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَشْعَثَ رَأْسُهُ مُعْبَرَةً قَدَمَاهُ إِنْ كَانَ فِي الْجَرَّاسَةِ كَانَ فِي الْجَرَّاسَةِ وَإِنْ كَانَ فِي السَّاقَةِ كَانَ فِي السَّاقَةِ إِنْ اسْتَأْذَنَ لَمْ يُؤْذَنَ لَهُ وَإِنْ شَفَعَ لَمْ يُشَفَّعْ.»<sup>(۱)</sup>

۱- صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۸۸۶.

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - روایت می کند که نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: بنده دینار، درهم، پارچه نفیس (چادر زینتی) و لباس سیاه قیمتی چهار گوشه دار، نابود باد، زیرا اگر به او عطا شود، خرسند می گردد و اگر عطا نشود، خشمگین و ناراحت می شود. (چنین شخصی) هلاک و سر نگون باد (تا جایی که) اگر خاری به پایش خلد، کسی پیدا نشود که آنرا در آورد. خوشا به حال بنده ای که با سري ژولیده و پاهایی غبار آلود، عنان اسبش را در راه الله بدست گیرد. اگر در خط مقدم جبهه، مأمور حراست شود، حراست دهد و اگر مأمورینش، پشت جبهه باشد، آنجا نیز به وظیفه اش عمل نماید. (این شخص، نزد مردم، هیچگونه جایگاهی ندارد طوریکه) اگر اجازه بخواهد، به او اجازه نمی دهند و اگر شفاعتی کند، کسی شفاعتش را نمی پذیرد.

وجه استدلال از حدیث: ابن حجر رحمه الله در شرح این جز از حدیث «إِنْ أُعْطِيَ رَضِيَ...» می نویسد: (جَعَلَهُ عَبْدًا لَهُمَا لِشَغْفِهِ وَجِرْصِهِ فَمَنْ كَانَ عَبْدًا لِهَوَاهُ لَمْ يَصْدُقْ فِي حَقِّهِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ فَلَا يَكُونُ مَنْ اتَّصَفَ بِذَلِكَ صِدِّيقًا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: یعنی خود را بنده برای دینار و درهم از جهت عشق و حرص به آنها گردانده است، پس شخص که خود را برای هوایش بنده ساخته، در حقش ایاک نعبد (خاص تورا عبادت می کنم) صدق نمی کند، پس شخص که با این صفت، توصیف می گردد، از جمله صدیقین نمی باشد

به همین شکل شیخ احمد حطیبه<sup>(۲)</sup> حفظه الله در شرح این حدیث می نویسد: (والإنسان عبد لله سبحانه، قال تعالى: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} [الذاریات: ۵۶]، عابد لله يعرف ما الذي يريده الله وهو يؤدي حق الله سبحانه كما يريد الله، فهو تابع لدين رب العالمين سبحانه، هذا هو عبد الله، وغير ذلك يكون عبداً لهواه ولشهوته أي: تابعاً لهواه، حيثما ذهب به الهوى ذهب وراءه، وحيثما أدت به شهوته كان وراءها، فهو متبع للهوى ومتبع للدرهم ومتبع للدینار، صار عبداً لهذه الأشياء).<sup>(۳)</sup>

<sup>۱</sup> - فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج ۱۱ ص ۲۵۴.

<sup>۲</sup> - شیخ احمد حطیبه: یکی از محدثین معاصر و امام وخطیب مسجد نور الإسلام در منطقه باکوس اسکندریه مصر می باشد، از دوران طفولیت به تحصیل علم پرداخت و با علم پرورش یافت، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الدعوات الطيبات النافعات، الجامع لأحكام الصيام وأعمال شهر رمضان، الجامع لأحكام الحج والعمرة والزيارة والهدى وغيره، اکثراً دروس حطیبه حفظه الله صوتی می باشد. [www.hotaybah.com](http://www.hotaybah.com).

<sup>۳</sup> - الطيب أحمد حطیبه، شرح الترغيب والترهيب للمنزى، دروس صوتیة قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، الكتاب مرقم آليا، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ۵۵ درسا، ج ۵۴ ص ۳.

ترجمه: انسان واقعی بنده خاص الله متعال است، الله متعال فرمود: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ}.<sup>(۱)</sup>  
 ترجمه: من جن و انس را نیافریدیم مگر اینکه مرا پرستش کنند. عبادت گذار برای الله است و می شناسد که الله متعال چه چیز را از بنده اش می خواهد و این بنده حق الله متعال را همان طوری که می خواهد، ادا می کند، پس هوایش تابع برای دین رب العلمین سبحان است، این شخص بنده الله است و غیر از این گونه شخص بنده برای هوی و شهوتش می باشد، هر جا که هوایش برود، به دنبال آن می رود و هر جا که شهوتش قصد کند به دنبال آن است، پس این شخص بنده و تابع هوی است و تابع دینار و درهم و بنده این اشیاء گردیده است.

خلاصه مشخص گردید که بنده دینار و درهم، بنده و تابع هوی و شهوت است، بنابراین، شخص که تابع هوی از جمله بنده دینار و درهم گردد، نابود می شود.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَنَسٍ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا»، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا، كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجِرُهُ، أَوْ تَمْنَعُهُ، مِنَ الظُّلْمِ، فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ». (۲)

ترجمه: از انس رضي الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلي الله عليه وسلم براي گفت: برادرت را ياري کن، خواه ظالم باشد، يا مظلوم! مردی گفت: يا رسول الله صلي الله عليه وسلم ياري اش مي دهم چون مظلوم باشد، هرگاه ظالم باشد، چطور او را ياري کنم؟ فرمود: اينکه او را از ظلم باز داري، اين ياري دادن اوست.

وجه استدلال از حدیث: شيخ طيب أحمد حطيه حفظه الله در شرح این حدیث می نویسد: (انصر أخاك ظالماً أو مظلوماً)، فنصر المظلوم بأن تأخذ له حقه، ونصر الظالم أن تنصره على نفسه وعلى هواه وعلى شيطانه، وتمنعه من ظلم الغير). (۳)

<sup>۱</sup> - {الذاريات، آیه ۵۶}.

<sup>۲</sup> - صحيح البخاری، رقم الحديث ۶۹۵۲.

<sup>۳</sup> - الطيب أحمد حطيه، شرح رياض الصالحين، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، الكتاب مرقم آليا، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ۹۸ درسا، ج ۸۳ ص ۶.

ترجمه: برادرت را یاری کن، خواه ظالم باشد، یا مظلوم! پس یاری کردن مظلوم اینست که برایش حقش گرفته شود، نصرت و کمک ظالم اینست که او را بر نفس، بر هوی و بر شیطان کمک شود و او را از ظلم کردن بر غیر ممانعت نماید.

همچنان محمد امین هرری رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (فإن نهيه عن ظلمه (نصر له) في الحقيقة على الشيطان وهوى النفس لأنه بارتكاب الظلم يجعل نفسه مورداً للعقاب الشديد وكفه عن ذلك وقاية له عنه فكان نصراً له ومناً عليه).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: براستی منع کردن ظالم از ظلمش، (کمک کردن برایش است) در حقیقت بر بالای شیطان و هوی نفس، زیرا ظالم با ارتکاب ظلم، نفسش را مورد عقاب و عذاب شدید قرار می دهد و بند کردن از این عذاب، وقایه برایش از عذاب است، بنابراین، این کار کمک برایش و احسان بر بالای ایش است.

خلاصه مشخص گردید که یکی از راهای ظلم بر مردم، پیروی از اتباع هوی و شیطان است و گرفتن دست ظالم از ظلم، یک نوع کمک برای ظالم است تا ظالم از اتباع هوی منع گردیده و از عذاب اتباع هوی نجات پیدا کند.

### حدیث سوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، إِلَّا مَنْ أَبِي» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَا أَبِي؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبِي». <sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت است که: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: همه امتیان من وارد بهشت می شوند، مگر کسی که امتناع ورزد، صحابه عرض کردند: ای رسول الله! چه کسی امتناع می ورزد؟ فرمود: هر کس که از من اطاعت کند، وارد بهشت می شود و هر کس، از من نافرمانی کند، در حقیقت، امتناع ورزیده است.

<sup>۱</sup> - الكوكب الوهاج شرح صحيح مسلم، ج ۲۴ ص ۳۵۹.

<sup>۲</sup> - صحيح البخارى، رقم الحديث ۷۲۸۰.

وجه استدلال از حدیث: قسطلانی<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (إذ التقدير من أطاعني وتمسك بالكتاب والسنة دخل الجنة ومن اتبع هواه وزلّ عن الصواب وضل عن الطريق المستقيم دخل النار).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: تقدیر این حدیث چنین است: شخص که از من اطاعت کند و به کتاب و سنت تمسک بجوید، داخل جنت می گردد و شخص که اتباع هوی نموده، از صواب دور گردد و از راه مستقیم گمراه گردد، داخل آتش جهنم می گردد.

خلاصه یکی از چیزهای که انسان را بطرف جهنم می کشاند و از اطاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیرون می کند، اتباع هوی است، پس انسان باید از اتباع هوی خود داری نموده تا از جهنم پروردگار نجات یافته و اطاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم بدست آید.

### حدیث چهارم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «أَتَاكُمْ أَهْلُ الْيَمَنِ هُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً وَأَلْيُنْ قُلُوبًا، الْإِيمَانُ يَمَانٍ، وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَّةٌ، وَالْفَخْرُ وَالْخِيَلَاءُ فِي أَصْحَابِ الْإِبِلِ، وَالسَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ فِي أَهْلِ الْعَنَمِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: اهل یمن نزد شما آمدند. باید بگویم قلب های شان از همه رقیق تر و نرم تر است. ایمان از یمن است. دانش از یمن است. و غرور و تکبر در میان صاحبان شتر می باشد و آرامش و وقار در میان صاحبان گوسفند است.

وجه استدلال از حدیث: بدرالدین عینی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَّةٌ) الْحِكْمَةُ عبارة عن العلم المتصف بالأحكام المُشْتَمَل على المعرفة بالله عز وجل المصحوب بنفاذ البصيرة وتهذيب

۱- قَسْطَلَانِي (۸۵۱ - ۹۲۳ هـ = ۱۴۴۸ - ۱۵۱۷ م): أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك، قسطلاني، قتيبي، مصري، أبو العباس، شهاب الدين: یکی از علماء حدیث و شارح صحیح البخاری است، در قاهره تولد و وفات نموده است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، المواهب اللدنية في المنح المحمدية، لطائف الإشارات في علم القراءات و غيره. محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد، شمس الدين أبو الخير السخاوي (المتوفى: ۹۰۲ هـ)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت، ج ۲ ص ۱۰۳.

۲- أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفى: ۹۲۳ هـ)، إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، الطبعة: السابعة، ۱۳۲۳ هـ، ج ۱۰ ص ۳۰۳.

۳- صحيح البخاری، ۴۳۸۸.

النَّفْسَ وَتَحْقِيقَ الْحَقِّ وَالْعَمَلَ بِهِ وَالصَّدَّ عَنِ اتِّبَاعِ الْهَوَى وَالْبَاطِلِ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: حکمت و دانش از یمن است، حکمت عبارت از علمی است که متصف به احکام باشد، احکام که شامل بر معرفت الله عز و جل همراه با اجرایی بصیرت و بینایی، تهذیب نفس، تحقیق حق، عمل به حق و بند کردن از اتباع هوی و باطل می باشد.

خلاصه مشخص گردید که یکی از راهای حکمت، بند کردن از اتباع هوی است.

**خلاصه** فواید که از احادیث صحیح البخاری راجع به اتباع هوی بدست آمده، قرار ذیل اند:

- ۱- بنده دینار و درهم، بنده و تابع هوی و شهوت است.
- ۲- شخص که تابع هوی از جمله بنده دینار و درهم گردد، نابود می شود.
- ۳- یکی از راهای ظلم بر مردم، پیروی از اتباع هوی است.
- ۴- گرفتن شخص را از اتباع هوایش، یک نوع کمک برای آن شخص است.
- ۵- یکی از چیزهای که انسان را بطرف جهنم کشانده و از اطاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیرون می کند، اتباع هوی است.
- ۶- یکی از راهای حکمت و رسیدن به دانش، بند کردن خود را از اتباع هوی است.

**مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث صحیح مسلم در اتباع هوی.**

در این مطلب احادیث که فقط در صحیح مسلم راجع به اتباع هوی اند، جمع و بررسی می گردند، که قرار ذیل اند:

### حدیث اول و وجه استدلال آن

عَنْ حُدَيْفَةَ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عُمَرَ فَقَالَ أَيُّكُمْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَذْكُرُ الْفِتْنَ فَقَالَ قَوْمٌ نَحْنُ سَمِعْنَاهُ. فَقَالَ لَعَلَّكُمْ تَعْتَوْنَ فِتْنَةَ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَجَارِهِ، قَالُوا أَجَلٌ. قَالَ تِلْكَ تُكْفِرُهَا الصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَالصَّدَقَةُ وَلَكِنْ أَيُّكُمْ سَمِعَ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- يَذْكُرُ الْفِتْنَ الَّتِي تَمُوجُ مَوْجَ الْبَحْرِ قَالَ حُدَيْفَةُ فَأَسْكَتَ الْقَوْمُ فَقُلْتُ أَنَا. قَالَ أَنْتَ لِلَّهِ أَبُوكَ. قَالَ حُدَيْفَةُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « تُعْرَضُ الْفِتْنُ عَلَى الْقُلُوبِ كَالْحَصِيرِ عُوْدًا عُوْدًا فَأَيُّ قَلْبٍ أَشْرَبَهَا نُكِبَتْ فِيهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ وَأَيُّ قَلْبٍ أَنْكَرَهَا نُكِبَتْ فِيهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءٌ حَتَّى تَصِيرَ عَلَى

<sup>۱</sup> - عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۱۶ ص ۷۲.



قَلْبَيْنِ عَلَى أَبْيَضٍ مِثْلِ الصَّفَا فَلَا تَضُرُّهُ فِتْنَةٌ مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْآخِرُ أَسْوَدُ مُرْبَادًا كَالْكُوزِ مُجَجِّيًّا  
لَا يَعْرِفُ مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُ مُنْكَرًا إِلَّا مَا أَشْرَبَ مِنْ هَوَاهُ» (۱).

ترجمه: از حدیفه رضی الله عنه روایت است که فرمود: ما نزد عمر رضی الله عنه بودیم، عمر رضی الله عنه فرمود: کدام شما از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدید که فتنه ها را یاد می کرد. پس قومی گفت: مایان شنیدیم. سپس عمر رضی الله عنه گفت: شاید منظور شما از فتنه، فتنه مرد در خانواده و همسایه اش است. آنها گفتند: بلی. عمر رضی الله عنه فرمود: این فتنه را نماز، روزه، صدقه کفاره اش می گردد، ولی کدام شما از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدید، که فتنه های را یاد می کرد که موج می زند مثل موج زند بحر. حدیفه رضی الله عنه فرمود: قوم سکوت کرد، سپس گفتم: من. عمر رضی الله عنه فرمود: تو را به الله پدرت سوگند! حدیفه فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم، که می فرمود: فتنه ها چون بوریا پی در پی بر قلب عرضه می گردند، پس هر قلبی که بدان آمیخته گردد در آن نقطه ای سیاه ایجاد می شود و هر قلبی که از آن خود داری کند، در آن نقطه ای سفید ایجاد می شود تا اینکه دو قلب می گردد، قلب سفید مثل صفا(سنگ صاف که چیزی به آن تعلق نمی گیرد)، این قلب را تا زمانی که آسمانها و زمین دوام نمایند، فتنه برایش ضرر رسانیده نمی تواند. و قلب دیگر سیاه و محبوس مثل کوزه پوشیده که از استقامت کردن مایل است، که نه معروف و نه منکر را می شناسد، مگر آنچه که از هوایش نوشیده باشد.

وجه استدلال از حدیث: محمد امین هرری رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (لا يعرف) ذلك القلب الآخر الأسود ولا يقبل (معروفًا) من معروفات الشرع بل يردده وينكره (ولا ينكر) أي لا ينكر (منكرًا) من منكرات الشرع الذي هو من جنس هواه، بل لا يقبل شيئًا من المعروف (إلا ما أشرب) ذلك القلب (من هواه) وشهواته التي هي من جنس المنكرات، بل هو حليف الهوى، مفارق الهدى). (۲).

ترجمه: (نمی شناسد) یعنی قلب دیگر که سیاه است، معروف از معروف های شریعت را قبول نمی کند، بلکه رد و انکار می کند و منکر از منکرات شریعت را که از جنس هوایش است انکار نمی کند، بلکه هیچ چیزی از عمل معروف و نیکو را قبول نمی کند، مگر آنچه که این قلب از هوی و شهواتش که از جنس منکرات است خواهش نموده باشد، بلکه این قلب هم پیمان هوی و از هدایت جدا است.

۱- صحیح مسلم، رقم الحدیث ۳۸۶.

۲- الکوکب الوهاج شرح صحیح مسلم، ج ۴ ص ۴۰.

همچنان می نویسد: (معنى الحديث أن الرجل إذا تبع هواه وارتكب المعاصي، دخل قلبه بكل معصية يتعاطاه ظلمة، وإذا صار كذلك افتتن وزال عنه نور الإيمان).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: معنای حدیث: برآستی شخص وقتی که اتباع هوی نماید و مرتکب معاصی گردد، در قلبش هر نوع گناه که تاریکی را اعطا می نماید، داخل می گردد و وقتی که چنین گردید، این قلب در فتنه افتیده و نور ایمان از او زایل و دور می گردد.

همچنان موسی شاهین لاشین<sup>(۲)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (إلا ما أشرب من هواه) أي لکن يتبع هواه الذي تمكن منه).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: مگر آنچه که از هوایش نوشیده باشد. یعنی: مگر اتباع هوی که از آن ممکن است.

خلاصه مشخص گردید وقتی که قلب سیاه گردد، این قلب بجز از اتباع هوی چیزی دیگری انجام نمی دهد، همچنان یکی از علایم قلب سیاه همین اتباع هوی است.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- أَنَّهُ قَالَ « مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عُمِيَّةٍ يَغْضَبُ لِعَصَبَةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ أَوْ يَنْصُرُ عَصَبَةً فَقَتِلَ فَقَتْلُهُ جَاهِلِيَّةٌ وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا وَلَا يَتَخَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا وَلَا يَفِي لِذِي عَهْدٍ عَهْدَهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه می گوید، پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: کسی که دست از

<sup>۱</sup> - همان مرجع، ج ۴ ص ۴۰.

<sup>۲</sup> - موسی شاهین لاشین (۱۳۳۸ - ۱۴۳۰ هـ = ۱۹۲۰ - ۲۰۰۹ م): نائب رئیس جامعه آزر، عضو مجلس شؤون اسلامی و مجمع البحوث الإسلامية بود، در ۱۶ رجب سال ۱۳۳۸ در قریهٔ اُسْنِیت مصر متولد گردید، سند دکتورا از رشته اصول الدین دارد، در عاشورای ۱۴۳۰ هجری وفات نمود، دارای تالیفات است، از جمله: فتح المنعم شرح صحیح مسلم، قصص من الحدیث النبوی، تحقیق و تعلیق علی صحیح مسلم و غیره. علی عبدالرحمن و اکرم القصاص، العالم الازهری موسی لاشین، اليوم السابع تقاریر مصریة، القاهرة، ۲۰۲۰م. <http://www.shamela.ws>.

<sup>۳</sup> - موسی شاهین لاشین، فتح المنعم شرح صحیح مسلم، الناشر: دار الشروق، القاهرة، الطبعة: الأولى (لدار الشروق)، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م، ج ۱ ص ۴۶۱.

<sup>۴</sup> - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۴۸۹۲ و ۴۸۹۴.

اطاعت (حاکم، متفق علیه) بکشد، و از جماعت مسلمان جدا شود، و در آن حال بمیرد، پس مرگش همچون مرگ در دوران جاهلیت است. و هرکس زیر پرچمی که هدفش معلوم نیست بمیرد و به خاطر قوم و خویشش خشمگین شود و یا به سوی طائفه و قومی دعوت نماید مرگش جاهلی خواهد بود و هرکس بر علیه امت خارج شود و خوب و بدش را بزند و به مؤمنان آن اهمیت ندهد و پیمان صاحبان عهد را رعایت نکند چنین کسانی از من نیستند و من هم از آنها نیستم.

وجه استدلال از حدیث: امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (لعصبه) ... والمعنى يغضب ويقاثل ويدعو غيره كذلك لا لنصرة الدين والحق بل لمحض التعصب لقومه ولهواه كما يقاثل أهل الجاهلية فإنهم إنما كانوا يقاتلون لمحض العصبية (فقتلة) ... أي فقتلته كقتلة أهل الجاهلية).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: (از جهت عصبه) معنایش: خشم می گیرد و می جنگد و غیر از خود دیگران را هم دعوت می دهد، نه بخاطر کمک و نصرت دین و حق، بلکه خالص بخاطر تعصب برای قوم و هوایش، همان طوری که اهل جاهلیت می جنگیدند، پس آنها صرف بخاطر تعصب می جنگند، (پس مرگش)، یعنی پس مرگ چنین اشخاص همانند مرگ اهل جاهلیت هستند.

خلاصه مشخص گردید که جنگ بخاطر قوم و اتباع هوی، از جنگ های جاهلی است و مرگ هم در این حالت مرگ جاهلی محسوب می گردد.

### حدیث سوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- فِيمَا رَوَى عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ قَالَ « يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوا. يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعَمُونِي أَطْعَمْكُمْ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضِرِّي فَتَضُرُّونِي وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى اتَّقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاجِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاجِدٍ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاجِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْبِطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ يَا

۱- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱۲ ص ۲۳۸.

عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصِيهَا لَكُمْ ثُمَّ أَوْفِيكُمْ بِهَا فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ» (۱).

ترجمه: از ابوذر - رضي الله عنه - از جمله ي آنچه که پيامبر - صلى الله عليه وسلم - از الله روايت مي کند، روايت شده است که الله مي فرمايد: «اي بندگان! من ظلم کردن را بر خود حرام کرده ام و آن را بين شما حرام گردانیده ام، پس به يکديگر ظلم نکنيد. اي بندگان! همه ي شما گمراهيد، مگر کسي که او را هدايت دهم، پس از من طلب هدايت کنيد، شما را هدايت مي دهم. اي بندگان! همه ي شما گرسنه هستيد، مگر کسي که من او را طعام دهم، پس از من طعام بخواهيد، شما را طعام مي دهم. اي بندگان! همه ي شما برهنه هستيد، مگر کسي که من او را بپوشانم، پس از من طلب پوشش کنيد، شما را مي پوشانم. اي بندگان! شما شب و روز دچار خطا و اشتباه مي شويد و من بخشنده ي تمامي گناهانم، پس از من طلب بخشش کنيد، شما را مي بخشم. اي بندگان! شما توان زيان رساندن به من را نداريد، تا زيانم رسانيد و توان سود رساندن به من را نيز نداريد، تا به من سودي رسانيد. اي بندگان من! اگر اولين و آخرين و جن و انس شما بر يک حالت و حالت قلب متقي ترين فرد خودتان باشيد (يعني همه در بالاتر سطح از تقوا باشد)، اين هيچ چيزي به ملک و قدرت من نمي افزايد. اي بندگان! اگر اولين و آخرين و جن و انس شما بر يک حالت و حالت قلب فاجرترين فرد از خودتان باشيد (اگر همه در آخرين درجه از فجور باشيد، مانند فاجرترين فرد از شما)، اين ذره اي از ملک من نمي کاهد. اي بندگان! اگر اول و آخر و جن و انس شما همگي در يک دشت پهناور گرد آيند و از من کمک بخواهند و من نيز به تک تک آن ها، آنچه را خواسته اند، بدهم؛ از خزانه ي من چيزي کاسته نمي شود، مگر به اندازه ي آبي که يک سوزن فرو برده شده در دريا با خود مي آورد! اي بندگان من! اين فقط اعمال شماست که من آن ها را براي تان ثبت و ضبط مي کنم و روز قيامت [جزاي] آن را بي کم و کاست به شما خواهم داد، پس اگر کسي از شما به خيري دست يافت، بايد که الله را سپاس و ستايش بگويد و اگر کسي چيزي غير از اين نصيبش شد، نبايد جز خودش کس ديگري را سرزنش کند.

وجه استدلال از حديث: مناوی و إسماعيل بن محمد أنصاري<sup>(۲)</sup> رحمهما الله در شرح اين حديث می نويسند:

۱- صحيح مسلم، رقم الحديث ۶۷۳۷.

۲- إسماعيل بن محمد أنصاري (۱۳۴۰هـ/۱۹۲۱م تولد ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۶م وفات): إسماعيل بن محمد بن ماحي، سعدي، أنصاري، متخصص در تفسير، حديث، فقه و عقيدة بود، در تنبکتو متولد و در رياض عربستان وفات نمود، دارای تاليفات کثيره است، از جمله الإمام بشرح عمدة الأحكام، التحفة الربانية بشرح الأربعين النووية، الإرشاد في القطع بقول حديث الأحاد و غيره. المكتبة الشاملة.

(یستفاد منه... أن الخیر کله من فضل الله تعالی علی عباده من غیر استحقاق. والشر کله من عند ابن آدم من إتباع هوی نفسه).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از حدیث استفاده می گردد: براستی تمام خیر از فضل و برکت الله متعال بر بالای بنده هایش بدون حق می باشد و تمام شر از نزد فرزند آدم از اتباع هوی نفسش می باشد.

خلاصه مشخص گردید که تمام شر و بدیها از اتباع هوی نفس سرچشمه می گیرد.

### حدیث چهارم و وجه استدلال آن.

عن أبي مالكٍ الحارثِ بنِ عاصمِ الأشعريِّ رضيَ اللهُ عنه قال: قالَ رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عليه وسلَّمَ: «الطُّهُورُ شَطْرُ الإِيْمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُنَّ أَوْ تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ. كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَبِأَنِّ نَفْسِهِ فَمَعْتَفُهَا، أَوْ مُؤَبِّقُهَا». <sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابو مالک حارث بن عاصم الاشعري رضي الله عنه روايت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: پاكي نصف ايمان است. الحمد لله ميزان را پر مي کند و سبحان الله و الحمد لله پر مي کنند هردو و يا پر مي کنند بين آسمانها و زمين را، و نماز نور و روشنائي است و صدقه دليل است و صبر روشني است و قرآن دليل است بنفع يا به ضرر تو، هر انسان صبح مي کند و سپس خويشتن را مي فروشد، يکي نفسش را آزاد مي کند (از عذاب) و ديگري هلاکش مي کند.

وجه استدلال از حدیث: امام نووی و طیبی رحمهما الله در شرح این جز از حدیث «كل الناس يغدو: فبائع نفسه فمعتقها أو موبقها» می نویسند: (فَمَعْنَاهُ كُلُّ إِنْسَانٍ يَسْعَىٰ بِنَفْسِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَبِيعُهَا لِلَّهِ تَعَالَىٰ بِطَاعَتِهِ فَيُعْتِقُهَا مِنْ الْعَذَابِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَبِيعُهَا لِلشَّيْطَانِ وَالْهَوَىٰ بِإِتِّبَاعِهَا فَيُؤَبِّقُهَا أَوْ يُهْلِكُهَا).<sup>(۳)</sup>

<sup>۱</sup> - زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ١٠٣١هـ)، الإتحافات السننية بالأحاديث القدسية، المحقق: عبد القادر الأرنؤوط - طالب عواد، الناشر: دار ابن كثير دمشق- بيروت، ج ١ ص ٦٤. إسماعيل بن محمد بن ماضي السعدي الأنصاري (المتوفى: ١٤١٧هـ)، التحفة الربانية في شرح الأربعين حديثاً النووية، الناشر: مطبعة دار نشر الثقافة - الإسكندرية، الطبعة: الأولى، ١٣٨٠هـ، ص ٥٤ - ٥٥.

<sup>۲</sup> - صحيح مسلم، رقم الحديث ٢٨١.

<sup>۳</sup> - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ٣ ص ١٠٢. شرح الطيبي على مشكاة المصابيح، ج ٣ ص ٧٤٠.

ترجمه: معنایش: هر انسان با نفسش سعی می کند، بعضی از انسانها اشخاص هستند که نفس شان را به الله متعال بسبب طاعت الله می فروشند، پس نفس شان را از عذاب آزاد می سازند و بعضی از انسان ها نفس شان را به شیطان و هوی بسبب اتباع هوی و شیطان می فروشند، پس نفس شان را هلاک می سازند.

همچنان موسی شاهین لاهین رحمه الله یکی از فواید این حدیث را چنین شرح می دهد: (الحث علی سعی الإنسان للخیر، لأن الدنيا مزرعة الآخرة، والکیس من أخذ من شبابه لهرمه، ومن صحته لمرضه، ومن غناه لفقره، والسفیه من أتبع نفسه هواها فأوردها هلاکها).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: در این حدیث بر سعی انسان برای کار خیر تشویق صورت گرفته، زیرا دنیا کشت آخرت است و دانا شخصی است که جوانی اش را برای پیری اش، صحتش را برای مرضش و از غنایش برای فقرش بکار می گیرد، ولی نادان و سفیه شخصی است که نفسش را تابع هوایش گردانیده، پس نفسش را وارد هلاکت می گرداند.

خلاصه از حدیث معلوم گردید که اتباع هوی سبب هلاکت نابودی شخص می گردد، بنابراین، انسان کوشش کند تا نفسش را در راه الله متعال بف فروش رساند و از فروختن در راه هوی و شهوت همیشه جلوگیری نموده، تا از هلاکت نجات یابد.

### حدیث پنجم و وجه استدلال آن.

عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيِّهَا وَمَوْلَاهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَتَّبِعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: بار الهی! من از ناتوانی، تنبلی، بخل، پیری و عذاب قبر بتو پناه می جویم، پروردگارا! به من تقوی نفسی عطا کن و پاکش کن که تو بهترین کسی هستی که پاکش نموده، تو متصرف و مولایش می باشی. پروردگارا! من از علمی که نفع نمی رساند، و دلی که (از تو) نمی ترسد و نفسی که سیر نمی شود، و دعائی که قبول نمی گردد، بتو پناه می جویم.

<sup>۱</sup> - فتح المنعم شرح صحیح مسلم، ج ۲ ص ۸۵.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۷۰۸۱.

وجه استدلال از حدیث: طیبی رحمه الله در این جز از حدیث «اللهم آت نفسي تقواها» می نویسد: (ينبغي أن تفسر التقوى بما يقابل الفجور في قوله تعالى: {فألهمها فجورها وتقواها} وهي الاحتراز عن متابعة الهوى، وارتكاب الفجور والفواحش).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مناسب است تا تقوی در این حدیث در مقابل فجور تفسیر شود، نظر به این قول الله متعال: { فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا }.<sup>(۲)</sup> ترجمه: سپس الله فجور و تقوا (شر و خیر) را به انسان الهام کرده است. پس تقوی عبارت از احتراز و خودداری از متابعت هوی، ارتکاب فجور و فواحش (زنا، گناه قبیح و زشت) است.

همچنان مناوی رحمه الله در شرح این جز از «اللهم آت نفسي تقواها» می نویسد: (أي تحرزها عن متابعة الهوى وارتكاب الفجور).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: تقوای نفس، یعنی احتراز و خودداری نفس از متابعت هوی و ارتکاب فجور.

خلاصه مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم همیشه از الله متعال تقوای نفس را می خواست و آن اینکه نفس از متابعت هوی و ارتکاب فجور رهای یابد.

### حدیث ششم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حُقَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَّارِ، وَحُقَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است، که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: جنت با کارهای دشوار و جهنم با خواهش های نفسانی پوشیده شده است.

وجه استدلال از حدیث: صالح بن عواد بن صالح مغامسی<sup>(۵)</sup> حفظه الله در شرح این حدیث می نویسد: (وقد حجب الله تعالى الجنة بالمكاراة؛ حتى يظهر الصابر على الطاعة، والعامل لوجه الله على كل الأحوال، وحجب

<sup>۱</sup>- شرح الطیبی علی مشکاة المصابیح، ج ۶ ص ۱۹۱۳.

<sup>۲</sup>- {الشمس، آیه ۸}.

<sup>۳</sup>- زین الدین محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ۱۰۳۱هـ)، فيض التقدير شرح الجامع الصغير، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۵۶، ج ۲ ص ۱۹۴.

<sup>۴</sup>- صحيح مسلم، رقم الحديث ۷۳۰۸.

<sup>۵</sup>- صالح بن عواد بن صالح مغامسي: در سال ۱۳۸۳ هجری در مدینه منوره متولد گردید، نامبرده عضو هیئت تدریس در رشته تربیه معلم در مدینه منوره و خطیب مسجد جامع قباء در مدینه منوره و مفتی رسمی در تلویزون سعودی ایفای وظیفه نموده است، دارای

النار بالشهوات حتى يظهر المفرط والمتبع لهواه، ومن لا يخشى الله ولا يقوم بعبادته. المعنى في الحديث الثاني: أن الجنة سهل الحصول عليها إذا تحقق القصد، وقام العبد بالطاعة، وكذلك النار سهل دخولها إذا اتبع المرء هواه، وفعل المعصية<sup>(١)</sup>.

ترجمه: الله متعال جنت را با کارهای دشوار پوشانده است، تا اینکه شخص صابر بر طاعت الله متعال و عمل کننده برای رضای الله متعال در همه حال ظاهر گردند. و جهنم را بوسیله شهوات پوشانده است، تا افراط کننده، تابع هوی، شخص که از الله متعال نمی ترسد و به عبادت الله بر نمی خیزد ظاهر گردند. معنای دوم حدیث: حصول جنت آسان است، وقتی که قصد حصول آن تحقق یافته و بنده بر طاعت الله متعال قیام کند، به همین شکل دخول جهنم آسان است، وقتی که شخص اتباع هوی و کار گناه انجام دهد.

همچنان شیخ محمد صالح عثیم رحمه الله در شرح این جز از حدیث «حفت النار بالشهوات» می نویسد: (فالنار قد أحيطت بالشهوات... والشهوات: هي ما تميل إليه النفس، من غير تعقل، ولا تبصر، ولا مراعاة لدين، ولا مراعاة لمروءة. فالزنى - والعياذ بالله - شهوة الفرج، تميل إليها النفس كثيراً، فإذا هتك الإنسان هذا الحجاب، فإنه سيكون سبباً لدخوله النار. وكذلك شرب الخمر، تهواه النفس وتميل إليه)<sup>(٢)</sup>.

ترجمه: پس آتش جهنم با شهوات احاطه کرده شده است و شهوات عبارت از چیزی اند که نفس بسویش میلان می کند، بدون تفکر و بصیرت و بدون رعایت دین و رعایت اخلاق. پس زنا - عیاداً بالله - شهوت شرمگاه است، نفس بسویش زیاد میلان می کند، پس وقتی که انسان این حجاب را هتک و نقض نماید، پس اینکار زود است که سبب برای دخولش در آتش جهنم گردد. به همین شکل نوشیدن شراب، هوای نفس است و هوی بسویش میل می کند.

خلاصه مشخص گردید که شهوت همان پیروی و اتباع از هوی نفس و میلان بسوی آن است، بسوی چیزی که سبب دخول شخص به آتش جهنم می گردد، به همین شکل بدست آوردن دخول جهنم آسان است و آن اینکه تابع هوی شده و از آن پیروی صورت گیرد.

---

تالیفات از جمله شرح کتاب الرقاق من صحیح البخاری بشکل درس صوتی می باشد. برای معلومات بیشتر راجع به این بزرگوار به این سایت مراجعه شود. <http://www.alrasekhoon.com>.

<sup>١</sup> - صالح بن عواد بن صالح أبو هاشم المغامسي، شرح كتاب الرقاق من صحيح البخاري، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، الكتاب مرقم ألبا، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ٥ دروس، ج ٤ ص ١ - ٣.

<sup>٢</sup> - شرح رياض الصالحين، ج ٢ ص ٨٧.



## حدیث هفتم و وجه استدلال آن.

عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَثَلُ الْمُنَافِقِ: كَمَثَلِ الشَّاةِ الْعَائِرَةِ بَيْنَ الْعَمَمَيْنِ؛ تَعِيرُ إِلَى هَذِهِ مَرَّةً، وَإِلَى هَذِهِ مَرَّةً».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مثال منافق، مثل گوسفندی که میان دو گله سرگردان باشد که با کدامیک همراه شود، یک مرتبه طرف آن گله و مرتبه دیگر طرف گله دیگر می رود.

وجه استدلال از حدیث: طیبی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (ضرب النبي عليه الصلاة والسلام للمنافق مثل السوء، فشبّه تردده بين الطائفتين من المؤمنين والمشركين تبعاً لهواه، وقصدا لغرضه الفاسد، وميلاً إلى ما يبتغيه من شهواته - بتردد الشاة العائرة).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم برای منافقین مثالی را بیان کرده است، که مثال سوء است، پس تردد منافق را که در بین دو طایفه از مسلمان و مشرکین از جهت اتباع هوی، قصد برای غرض فاسد و میل بسوی چیزی که شهواتش مطالبه می کند، به گوسفندی که میان دو گله سرگردان باشد که با کدامیک همراه شود تشبیه داده است.

همچنان صنعانی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (وفي تشبيهه بالشاة الطالبة للفحل إعلام بأنه ليس غرضه إلا غرض الحيواني البهيمي في متابعة هواه).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و در تشبیه به گوسفندی که طالب جفت گیری است، اعلام است براینکه منافق غرض ندارد، مگر غرض حیوانی چهارپایی در اتباع هوایش.

خلاصه مشخص گردید که اتباع هوی یکی از نشانه های منافقین است، همچنان اتباع هوی انسان را به

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۲۷۸۴.

<sup>۲</sup> - شرح الطیبی علی مشکاة المصابیح، ج ۲ ص ۵۱۰.

<sup>۳</sup> - محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد الحسني، الكلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى:

۱۱۸۲هـ)، التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمد إسحاق محمد إبراهيم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى،

۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م، ج ۹ ص ۵۴۰.

خواص حیوان چهارپا می کشاند، از همین جهت مورد نکوهش قرار گرفته است.

### حدیث هشتم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ ». قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ « إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ فَذَلِكَ الرَّبَاطُ ». (۱)

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا شما را به چیزی که خداوند تعالی بوسیله آن گناهان را محو نموده و درجات را بلند می برد، راهنمایی نکنم؟ گفتند: آری یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! فرمود: تمام وضوء کردن بر سختی ها، (همچون سردی و گرمای زیاد) و بسیار گام زدن بسوی مساجد و انتظار نماز بعد از نماز. پس این است جای ملازمت و پیوستگی.

وجه استدلال از حدیث: طیبی و مناوی رحمهما الله در شرح این حدیث می نویسند: (والمعنى هذه الأعمال هي المرابطة الحقيقية لأنها تسد طرق الشيطان إلى النفس وتقهر الهوى وتمنعها عن قول الوسواس واتباع الشهوات فيغلب بها جنود الله حزب الشيطان وذلك هو الجهاد الأكبر). (۲)

ترجمه: معنای حدیث: این اعمال (تمام وضوء کردن بر سختی ها، بسیار گام زدن بسوی مساجد و انتظار نماز بعد از نماز) مواظبت بر جهاد حقیقی است، زیرا راهای شیطان بسوی نفس را بسته می کند و بر هوی غلبه حاصل نموده و از سخنان وسواس و اتباع شهوات منع می نماید، بنابراین، بوسیله این اعمال لشکر الله متعال بر حزب و لشکر شیطان غالب می آیند و این جهاد اکبر است.

خلاصه مشخص گردید که تمام وضوء کردن بر سختی ها، بسیار گام زدن بسوی مساجد و انتظار نماز بعد از نماز بهترین جهاد علیه نفس است، که راهای اتباع هوی و شیطان را بسته می کنند.

### حدیث نهم و وجه استدلال آن.

عَنْ خَالِدِ بْنِ عُمَيْرِ الْعَدَوِيِّ، قَالَ: حَطَبْنَا عُثْبَةَ بْنَ عَرْوَانَ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَأُنْتَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: أَمَا بَعْدُ، «فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ آذَنْتْ بَصْرَمِ وَوَلَّتْ حَذَاءً، وَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصُبَابَةِ الْإِنَاءِ، يَتَصَابُهَا صَاحِبُهَا، وَإِنَّكُمْ مُنْتَقِلُونَ مِنْهَا

۱- صحیح مسلم، رقم الحدیث ۶۱۰.

۲- شرح الطیبی علی مشکاة المصابیح، ج ۳ ص ۷۴۳. فیض القدیر، ج ۳ ص ۱۴۱.

إِلَى دَارٍ لَا رَوَالَ لَهَا، فَانْتَقَلُوا بِخَيْرٍ مَا بَحَضَرْتِكُمْ، فَإِنَّهُ قَدْ ذُكِرَ لَنَا أَنَّ الْحَجَرَ يُلْقَى مِنْ شَفَةِ جَهَنَّمَ، فَيَهْوِي فِيهَا سَبْعِينَ عَامًا، لَا يُدْرِكُ لَهَا قَعْرًا، وَوَاللَّهِ لَثُمَّلًا، أَفَعَجِبْتُمْ؟ وَلَقَدْ ذُكِرَ لَنَا أَنَّ مَا بَيْنَ مِصْرَاعَيْنِ مِنْ مَصَارِيحِ الْجَنَّةِ مَسِيرَةُ أَرْبَعِينَ سَنَةً، وَوَاللَّهِ لَأَيُّوبَ عَلَيْهِ يَوْمٌ وَهُوَ كَظِيظٍ مِنَ الرَّحَامِ، وَلَقَدْ رَأَيْتَنِي سَابِعَ سَبْعَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مَا لَنَا طَعَامٌ إِلَّا وَرَقُ الشَّجَرِ، حَتَّى قَرَحَتْ أَسْنَادُنَا، فَالْتَقَطْتُ بُرْدَةً فَشَفَقْتُهَا بَيْنِي وَبَيْنَ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ، فَانْتَرَزْتُ بِنِصْفِهَا وَانْتَرَزَ سَعْدٌ بِنِصْفِهَا، فَمَا أَصْبَحَ الْيَوْمَ مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا أَصْبَحَ أَمِيرًا عَلَى مِصْرٍ مِنَ الْأُمَمِ، وَإِنِّي أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ فِي نَفْسِي عَظِيمًا، وَعِنْدَ اللَّهِ صَغِيرًا وَإِنَّهَا لَمْ تَكُنْ نُبُوءَةً قَطُّ إِلَّا تَنَاسَخَتْ، حَتَّى يَكُونَ آخِرُ عَاقِبَتِهَا مُلْكًا، فَسَتَخْبُرُونَ وَتُجَرَّبُونَ الْأَمْرَاءَ بَعْدَنَا»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از خالد بن عمرو عدوی رحمه الله روایت شده است که گفت: عتبه بن غزوان رضی الله عنه - که در آن وقت امیر بصره بود - برای ما سخنرانی و موعظه کرد و سیاست و ستایش الله را به جایی آورد و سپس گفت: همانا دنیا، جدایی و فناپذیری و زودگذری خود را به ما هشدار داد و به سرعت گذشت، از آن جز اندکی مانند پس مانده ته ظرف که صاحبش آن را جمع می کند و می خورد، چیزی باقی نمانده است و شما از این دنیای فانی به سرایی انتقال می یابید که نابودی و فنا ندارد، پس (بکوشید که) با بهترین اعمالی که حاضر کرده اید، بدان سرا کوچ کنید، زیرا برای ما گفته شده که: سنگی از لبه ی دوزخ به داخل آن انداخته می شود و هفتاد سال در آن پایین می رود و به قعر آن نمی رسد و (با این وصف) به الله سوگند، (از عاصیان) پر می شود! آیا تعجب کردید؟! و برای ما گفته شده که: فاصله ی دو لنگه ی در، از درهای بهشت، مسیر چهل سال راه است و حتماً روزی می آید که بهشت از جمعیت (بهشتیان) پر است؛ و من یک بار، از هفت نفر همراه پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - هفتمین نفر بودم که جز برگ درخت، خوراکی نداشتیم و از خوردن برگ درختان، کناره های دهان ما زخم برداشته بود و من، جامه ای یافتم و آن را پاره و میان خود و سعد بن مالک تقسیم کردم، من با نصف آن (عورت) خود را پوشیدم و سعد با نصف دیگر آن، در حالی که امروز، هر یک از ما امیر شهری از شهرهای کشور اسلامی است و من از این که تکبر کنم و خود را بزرگ بشمارم در حالی که نزد الله کوچک و بی ارزش باشم، به الله پناه می برم و نبوت برای همیشه باقی نمی ماند، مگر اینکه پایان می یابد، تا اینکه نتیجه آن پادشاهی خواهد بود، پس حاکمان و شاهزادگان را پس از ما خواهید گفت و محاکمه خواهید کرد.

وجه استدلال از حدیث: محمد امین هرری رحمه الله در شرح حدیث می نویسد: (حتی یکن آخر عاقبتها)

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۲۹۶۷.

أي عاقبة النبوة (ملكًا) أي سيطرة وميلاً عن الحق واتباع الهوى يعني لا يزال الأمر يتناقض عما كان عليه في الصدر الأول حتى لا يبقى منه شيء من معالم الدين).<sup>(١)</sup>

ترجمه: (تا اینکه آخر نتیجه نبوت) یعنی عاقبت نبوت (پادشاهی می گردد) یعنی غلبه و میل از حق می کند و اتباع هوی می نماید، یعنی همیشه امر نبوت تناقض می یابد از آنچه که در ابتدا بود تا اینکه چیزی از نبوت از قبیل نشانه های دین باقی نمی ماند.

خلاصه مشخص گردید که بعد از پیامبران، اشخاص می یابند و جای آنها را تصاحب می کنند، که آنها اتباع هوی و میل از حق نموده و این کار سبب نابودی راه نبوت گردیده و چیزی از نشانه های دین که پیامبران آورده بودند، باقی نمی ماند، طوری که قرطبی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (قوله: حتى يكون آخر عاقبتها ملكا) يعني أنهم يعدلون عن سنن النبيين وخلفائهم إلى الإقبال على الدنيا واتباع الهوى).<sup>(٢)</sup>

ترجمه: تا اینکه آخر عاقبت نبوت به پادشاهی می رسد، یعنی پادشاهان از روش پیامبران و خلفای شان عدول نموده، بسوی دنیا و اتباع هوی روی می آورند.

---

١- الكوكب الواج شرح صحيح مسلم، ج ٢٦ ص ٣٦٠.

٢- المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم، ج ٧ ص ١٢٥.

## مبحث دوم

### جمع و بررسی احادیث سنن اربعه در اتباع هوی.

درین مبحث احادیث که در سنن اربعه راجع به اتباع هوی وارد گردیده، جمع و بررسی می گردد، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: جمع و بررسی احادیث اتباع هوی در سنن اربعه.

مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث سنن الترمذی در اتباع هوی.

مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث سنن ابی داود در اتباع هوی.

مطلب چهارم: جمع و بررسی احادیث سنن النسائی در اتباع هوی.

مطلب پنجم: جمع و بررسی احادیث سنن ابن ماجه در اتباع هوی.

### مطلب اول: جمع و بررسی احادیث اتباع هوی در سنن اربعه.

منظور از سنن: کتابهایی هستند که مشتمل بر احادیث مرفوع مربوط به احکام هستند که بر اساس ابواب فقهی مرتب شده اند، و مشهورترین آنها عبارتند از: «سنن ابی داود»، «سنن الترمذی»، «سنن النسائی» و «سنن ابن ماجه»، و به این کتابها «السنن الأربعة» نیز اطلاق می شود.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، در این مطلب آن احادیث که راجع به اتباع هوی در سنن اربعه وارد گردیده اند، تذکر می روند، که قرار ذیل اند:

### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَفَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَمْرٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ ». (۲)

<sup>۱</sup> - مصطلح الحديث، ص ۲۲۳.

<sup>۲</sup> - سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو، أبو داود الأزدي السجستاني (المتوفى: ۲۷۵هـ)، سنن أبي داود، المحقق:

محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، رقم الحديث ۵۱۹۵. سنن الترمذی، رقم الحديث ۲۶۸۸. سنن

ترجمه: ابهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: سوگند به کسی که جان من در دست اوست، وارد بهشت نمی شوی تا این که ایمان داشته باشید و ایمان نخواهید داشت تا آن که همدیگر را دوست داشته باشید؛ آیا شما را راهنمایی کنم به چیزی که اگر آن را انجام دهید، همدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام را در میان خودتان پراکنده و عمومی کنید.

وجه استدلال از حدیث: امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (وفي افشائه إظهار شعار المسلمين المميز لهم عن غيرهم من أهل الملل مع ما فيه من رياضة النفس، ولزوم التواضع، وإعظام حرمت المسلمين. ويتضمن رفع التقاطع والتهاجر والشحناء وفساد ذات البين، وأن سلامه لله لا يتبع فيه هواه ولا يخص أصحابه وأحابه به).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: و در افشا کردن سلام، شعار مسلمین ظاهر می گردد که مسلمین را از غیر انسان ها از اهل ملت ها تمییز می دهد، به همراه اینکه در سلام ریاضت و تهذیب نفس، لزوم تواضع و بزرگ دانستن حرمت های مسلمین است. همچنان سلام متضمن برداشتن قطع رابطه، قطع علاقه، قطع دشمنی و فساد که در بین مسلمین است، می باشد و اینکه سلام دادن شخص خاص برای الله، هوی در آن اتباع نگردیده و هم در سلام یاران و دوستان شخص خاص نمی باشد.

خلاصه مشخص گردید که سلام دادن، اتباع هوی را از شخص بر می دارد.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- يَدْعُو « رَبِّ أَعْنِي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ وَاهْدِنِي وَيَسِّرْ هُدَايَ إِلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيَّ مَنْ بَعَى عَلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِرًا لَكَ ذَاكِرًا لَكَ رَاهِبًا لَكَ مَطْوَعًا إِلَيْكَ مُخْبِتًا أَوْ مُنِيبًا رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَاغْسِلْ حَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَتَبِّتْ حُجَّتِي

---

ابن ماجه، رقم الحديث ۶۸. ألبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح وضعیف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۵۱۹۳.

۱- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۲ ص ۳۶.

وَاهْدِ قَلْبِي وَسَدِّدْ لِسَانِي وَاسْأَلْ سَخِيمَةَ قَلْبِي» (۱).

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، که پیامبر صلی الله چنین دعا می کرد: الهی مرا یاری ده و کسی را بر علیه من کمک و یاری مده، و مرا پیروز گردان و دشمنانم را بر من چیره مساز، و در کارهایم راه گشایم باش و موانع و سد راه برویم مساز، و مرا هدایت عطا فرموده، ره رستگاری و آسایش را برایم آسان فرما، و مرا بر کسانی که بر من شوریده اند پیروز گردان، بارالها مرا شکرگذار نعمتهایت قرار ده، ذکر و یادت را بر زبانم جاری کن، توفیق ده که جز از تو از کسی ترس و هراس نداشته باشم و همیشه مطیع و فرمانبردارت گردم و در سختیها و دشواریها بسویت آیم و از تو یاری و مدد جسته از گناهانم اظهار ندامت و پشیمانی کنم. بارالها، توبه من قبول فرما و از گناهانم درگذر و دعاهایم را بپذیر و مرا در راه حق ثابت قدم دار و قلبم را بسوی خویش راهنمایی کرده، زبانم را در راه حق راست گردان و زشتیها و بدیها را از قلبم بزداي.

وجه استدلال از حدیث: عظیم آبادی رحمه الله در شرح این جز از حدیث «وَأَنْصُرُنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ» می نویسد: ( أَنْصُرُنِي عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهَا أَعْدَى أَعْدَائِي وَلَا تَنْصُرُ النَّفْسَ الْأَمَارَةَ عَلَيَّ بَأَنْ أَتَّبِعَ الْهَوَى وَأَتْرَكَ الْهُدَى). (۲)

ترجمه: بر نفسم مرا یاری و کمک ده، بخاطری که نفس دشمن ترین دشمنها است و نفس اماره را بر بالای من یاری و کمک مکن، به اینکه اتباع هوی نمایم و هدایت را ترک کنم.

خلاصه مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم از نفس اماره که باعث اتباع هوی و ترک هدایت الهی می گردد، به الله پناه می جوید.

### حدیث سوم و وجه استدلال آن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصِّدِّيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا

۱- سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۵۱۲. سنن الترمذي، رقم الحديث ۳۵۵۱. سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۳۸۳۰. ألبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۵۱۲.

۲- محمد أشرف بن أمير بن علي بن حيدر، أبو عبد الرحمن، شرف الحق، الصديقي، العظيم آبادي (المتوفى: ۱۳۲۹هـ)، عون المعبود شرح سنن أبي داود، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۵ هـ، ج ۴ ص ۳۷۵.

أَمْسَيْتُ. قَالَ « قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَه ». قَالَ « قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ ». (١)

ترجمه: از ابو هريره رضي الله عنه روايت است كه: ابوبكر صديق رضي الله عنه گفت: يا رسول الله صلي الله عليه وسلم مرا به كلماتي امر كن كه چون صبح و شام مي كنم، بگويم. فرمود: بگو: بار الهی! آفريننده آسمانها و زمين، عالم به پيدا و نهان، پروردگار و مالك همه چيز، گواهي مي دهم كه معبود بر حقي جز تو نيست و از شر نفس خود و شيطان و دعوت او بشرك، بتو پناه مي جويم.

وجه استدلال از حديث: صنعاني رحمه الله در شرح اين جز از حديث «أعوذ بك من شر نفسي» می نويسد: (التي تجلبه شهواتها و هواها). (٢)

ترجمه: و از شر نفس خود، نفس كه شهوات و هواهای خود را جلب می كند، بتو پناه می برم. خلاصه پیامبر صلی الله علیه و سلم از شر نفس كه هواها و شهوات خود را جلب می كند، به الله متعال پناه جسته است.

### مطلب دوم: جمع و بررسی احاديث سنن الترمذی در اتباع هوی.

در اين مطلب احاديث سنن ترمذی را كه راجع به اتباع هوی وارد گرديده، جمع و بررسی می نمايم، كه تفصيل شان قرار ذيل است:

### حديث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ عَمِّهِ، وَهُوَ قُطَيْبَةُ بْنُ مَالِكٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

١- سنن ابی داود، ٥٠٦٩. سنن الترمذی، رقم الحديث ٣٥٢٩. ترمذی رحمه الله بعد از ذکر این حدیث، این حدیث را حسن صحیح می داند. حاکم و نووی رحمهما الله نیز سند این حدیث را صحیح می دانند. أنیس الساری، ج ٦ ص ٣٨٨٣. و آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، صحیح و ضعیف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ٣٥٢٩.

٢- التَّنْبِيْهُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، ج ٨ ص ٧٩.



«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از زیاد بن علاقه<sup>(۲)</sup> از عمویش قطبه بن مالک رضی الله عنه روایت شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمود: پروردگار! من از اخلاق و کارها و آرزوهای زشت و پلید بتو پناه می جویم.

وجه استدلال از حدیث: ملا علی القاری<sup>(۳)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (قَالَ مُرَادُ بِالْأَهْوَاءِ مُطْلَقًا الْإِعْتِقَادَاتُ، وَبِالْمُنْكَرَاتِ الْأَهْوِيَّةُ الْفَاسِدَةُ الَّتِي غَيْرُ مَأْخُوذَةٍ مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَقَالَ ابْنُ حَجْرٍ، وَالْأَهْوَاءُ الْمُنْكَرَةُ هِيَ الْإِعْتِقَادَاتُ الْفَاسِدَةُ)<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: پس مراد از اهواء مطلقاً اعتقادات و مراد از منکرات هواهای فاسده که از قرآن کریم و سنت نبوی گرفته نشده اند و ابن حجر رحمه الله می گوید: هواهای منکره همان اعتقادات فاسد اند.

خلاصه مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم از هوای منکر و فاسد و از اعتقادهای باطل به الله پناه می برد.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

ترجمه: عَنْ أَنَسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ ابْتَغَى الْقَضَاءَ، وَسَأَلَ فِيهِ شَفْعَاءَ، وَكَلَّ إِلَى نَفْسِهِ،

<sup>۱</sup> سنن الترمذی، رقم الحدیث ۳۵۹۱. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن الترمذی، رقم الحدیث ۳۵۹۱.

<sup>۲</sup> زیاد بن علاقه بن مالک، ثعلبی، أبو مالک کوفی و برادر زاده قطبه بن مالک رضی الله عنه و از وسط تابعین است. در سال ۱۳۵ هجری وفات نموده است، بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و غیره از او حدیث روایت کرده است و شخص ثقه در حدیث است. سیر أعلام النبلاء، ج ۵ ص ۲۱۵ - ۲۱۶.

<sup>۳</sup> ملا علی القاری: علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، یکی از محدثین و علمای قرن یازدهم هجری بود، در هرات متولد گردید، سپس به مکه هجرت نمود و نزد ابن حجر مکی که یکی از فقهای حنفی بود درس آموخت، سپس به تالیف مشغول گردید، از جمله تالیفات او المرقاة فی شرح المشکاة، شرح الشفا للقاضی عیاض، الحزب الأعظم فی الأدعیة، الناموس فی مختصر القاموس و غیره بود. أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسینی البخاری القنوجی (المتوفی: ۱۳۰۷هـ)، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ص ۳۹۰.

<sup>۴</sup> علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، الناشر: دار الفكر، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م، ج ۴ ص ۱۷۱۲.

وَمَنْ أَكْرَهَ عَلَيْهِ، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کس خواهان مقام قضاوت باشد و برای دست یابی بدان شفیعان برانگیزد او بنفس خود حواله شده و در پی حفظ نفس خویش است و کسی که بر قبول این مقام مجبور شده باشد، الله فرشته ای را بر وی می گمارد تا او را بحق و صواب راهنمایی کند.

وجه استدلال از حدیث: امام طیبی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (إنما جمع بينهما إظهارا لحرصه؛ فإن النفس مائلة إلي حب الرياسة وطلب الترفع علي الناس، فمن منعها سلم من هذه الآفة ومن اتبع هواها وسأل القضاء هلك، فلا سبيل إلي الشروع فيه إلا بالإكراه وفي الإكراه قمع هوى النفس فحينئذ يسدد ويوفق لطريق الصواب).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: اینکه بین (خواهان مقام قضاوت و اجبار بر قضاوت نمودن) جمع کرده، از جهت اظهار کردن حرص انسان، بخاطری که نفس بسوی حب ریاست و طلب ترفع و بالا بودن بر مردم مایل است، پس شخص که نفسش را از خواهان مقام قضاوت و سفارش کردن در این قبال منع نماید، از این آفت سالم می ماند و شخص که اتباع هوی نموده و خواهان قضاء گردد، هلاک می گردد، پس برای شروع کردن در قضاوت راهی وجود ندارد، مگر اجبار و در اجبار کردن هوی نفس از بین رفته، پس در این وقت راه هوی نفس بند شده و برای صواب موفق می گردد.

خلاصه مشخص گردید که یکی از راهای اتباع هوی، مطالبه و درخواست قضاء است، که حتی شخص مطالب برای قضاء، در این عرصه سفارش و واسطه هم پیش می نماید و در این حالت انسان تابع هوی

---

<sup>۱</sup>- سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۳۲۴. ترمذی رحمه الله بعد از ذکر این حدیث، حدیث را حسن می داند. احمد و ابوزرعه رحمهما الله می گویند: در سند این حدیث شخص بنام عبد الأعلى الثعلبی است و آن ضعیف است، به همین شکل ابن معین رحمه الله الثعلبی را ثقه نمی داند. بخاری، عقیلی و ابن حبان وی را در جمله ضعیفاء آورده اند. أنیس الساری، ج ۷ ص ۵۱۴۱. اما در المستدرک للحاکم، ج ۴ ص ۹۲ از طریق اسرائیل عن عبد الأعلى عن بلال بن أبي موسى عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - أن الحجاج أراد أن يجعله على قضاء البصرة فقال أنس سمعت النبي - صلى الله عليه وسلم - يقول: "من طلب القضاء واستعان عليه وكل إليه، ومن لم يطلبه ولم يستعن عليه وكل به ملك يسدده" آمده است. حاکم رحمه الله می فرماید: سند این حدیث صحیح است، ولی تخریج نکرده است. و امام ذهبی نیز به آن اقرار نموده است. الجامع الكبير، ج ۹ ص ۵۰۸. اما آلبانی رحمه الله ضعیف می داند. صحیح وضعیف سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۳۲۴.

<sup>۲</sup>- شرح الطیبی علی مشکاة المصابیح، ج ۸ ص ۲۵۹۶.

گردیده و هلاک می گردد.

## حدیث سوم و وجه استدلال آن

عَنْ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَعَلَى جَنْبَيْهِ الصِّرَاطِ سُورَانِ فِيهِمَا أَبْوَابٌ مُفْتَحَةٌ وَعَلَى الْأَبْوَابِ سُورٌ مُرَخَّاةٌ وَعَلَى بَابِ الصِّرَاطِ دَاعٍ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ ادْخُلُوا الصِّرَاطَ جَمِيعًا وَلَا تَنْفَرُوا وَدَاعٍ يَدْعُو مِنْ جَوْفِ الصِّرَاطِ فَإِذَا أَرَادَ يَفْتَحُ شَيْئًا مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ قَالَ وَيْحَكَ لَا تَفْتَحْهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْتَحْهُ تَلْجُهُ وَالصِّرَاطُ الْإِسْلَامُ وَالسُّورَانِ حُدُودُ اللَّهِ تَعَالَى وَالْأَبْوَابُ الْمُفْتَحَةُ مَحَارِمُ اللَّهِ تَعَالَى وَذَلِكَ الدَّاعِي عَلَى رَأْسِ الصِّرَاطِ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالدَّاعِي فَوْقَ الصِّرَاطِ وَاعِظُ اللَّهِ فِي قَلْبِ كُلِّ مُسْلِمٍ» (١)

ترجمه: از نواس بن سمعان انصاری رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: الله مثلی آورده است از راه راستی که در دو طرف آن، دیوارهایی وجود دارد و در آنها درهایی باز تعبیه شده است که با پرده هایی پوشیده شده اند. و بر دروازه آن راه راست، ندا دهنده ای هست که می گوید: ای مردم تمام تان از راه راست داخل شوید و به بیراهه نرویند، و داعی دیگری هست که از میان راه راست ندا می دهد، هرگاه بنده بخواهد که یکی از این درها را باز کند او می گوید: وای بر تو بازش نکن، زیرا اگر آن را باز کنی در آن وارد می شوی؛ سپس این مثال را چنین توضیح داد که صراط، اسلام است، پرده های آویزان حدود الهی هستند، درهای باز و پرده دار محارم الله هستند و داعی که بر سر صراط است، کتاب الله متعال است، و داعی بالایی سر آن، واعظ الهی (لما ملک) است که در وجود هر مسلمان وجود دارد.

وجه استدلال از حدیث: محمد بن علی بن آدم بن موسیٰ ایتوبی و لوی (٢) شارح سنن ابن ماجه، در شرح این

١- سنن الترمذی، رقم الحدیث ٣٨٥٩. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح الجامع الصغیر و زیاداته، ج ٢ ص ٧٢٢.

٢- محمد بن شیخ علامه علی بن آدم بن موسیٰ ایتوبی و لوی، شیخ، علامه، محدث، فقیه، اصولی، نحوی و یکی از بزرگان اسلام بود، در سال ١٣٦٦ هجری متولد گردید، حفظ قرآن و دروس ابتدای را نزد پدرش آموخت، سپس به شهر مکه معظمه انتقال کرد و در آنجا مشغول تدریس در دار الحدیث خیریه تا حالا مشغول می باشد، دارای تالیفات کثیره در بخش های مختلف است، از جمله: شرح سنن النسائی المسمیٰ بذخیره العقبیٰ فی شرح المجتبیٰ دارای ٤٢ جلد، قره عین المحتاج فی شرح مقدمه مسلم بن الحجاج، البحر المحیط الثجاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج و غیره. المكتبة الشاملة.

حدیث می نویسد: (المسألة الثالثة): في فوائده: (ومنها): تحريم اتباع الهوى، والبدع، والخرافات؛ لأنها هي السبل التي نهى الله تعالى عن اتباعها، بقوله: {وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ}.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مسئله سوم در فواید حدیث: و از جمله فواید این حدیث: حرام بودن اتباع هوی، بدعت و خرافات است، زیرا اینها راهی اند که الله متعال از اتباع شان منع کرده است، با این قولش: {وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ}.<sup>(۲)</sup> ترجمه: و به راه های دیگر نروید.

خلاصه مشخص گردید که اتباع هوی حرام است و باید از آن خود داری نمود.

### مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث سنن ابی داود در اتباع هوی.

در این مطلب احادیث سنن ابوداود را که راجع به اتباع هوی وارد گردیده، جمع و بررسی می نمایم، که تفصیل شان قرار ذیل است:

### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ « حُبُّكَ الشَّيْءَ يُغْمِي وَيُصِمُّ ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از ابودرداء رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مهر و محبت تو به چیزی، کور و کرت می سازد.

وجه استدلال از حدیث: عظیم آبادی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (تَرْجَمَ أَبُو دَاوُدَ لِهَذَا الْحَدِيثِ بَابَ الْهَوَى وَأَرَادَ بِذَلِكَ شَرْحَ مَعْنَاهُ وَأَنَّهُ خَبَرٌ بِمَعْنَى التَّحْذِيرِ مِنْ إِتِّبَاعِ الْهَوَى فَإِنَّ الَّذِي يَسْتَرْسِلُ فِي إِتِّبَاعِ هَوَاهُ لَا يُبْصِرُ فُبُحَ مَا يَفْعَلُهُ وَلَا يَسْمَعُ نَهْيَ مَنْ يَنْصَحُهُ وَإِنَّمَا يَقَعُ ذَلِكَ لِمَنْ يُحِبُّ أَحْوَالَ نَفْسِهِ).<sup>(۴)</sup>

<sup>۱</sup> - محمد بن علي بن آدم بن موسى، مشارق الأنوار الوهاجة ومطالع الأسرار البهاجة في شرح سنن الإمام ابن ماجه، الناشر: دار المغني، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م، ج ١ ص ١٧١.

<sup>۲</sup> - {الاحزاب، آیه ٥٦}.

<sup>۳</sup> - سنن ابی داود، رقم الحدیث ٥١٣٢. این حدیث را گرچند برخی ها ضعیف خوانده است، ولی سخاوی رحمه الله جانب حسن بودنش را ترجیح داده است و حدیث حسن قابل قبول محدثین است. محمد بن عبد الرحمن بن محمد، شمس الدین أبو الخیر السخاوی (المتوفی: ٩٠٢ هـ)، المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، المحقق: محمد عثمان الخشت، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م، ج ١ ص ٢٩٥.

<sup>۴</sup> - عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ٨ ص ٢٤١٠.

ترجمه: امام ابوداود رحمه الله برای این حدیث ترجمه الباب تحت عنوان باب الهوی نوشته و از این کارش شرح معنای این حدیث را اراده کرده است و این حدیث شکلی خبر است و به معنای تحذیر از اتباع هوی است، پس شخص که از اتباع هوی انس و الفت می گیرد، بدی آنچه را که انجام می دهد نمی بیند و نهی شخصی که او را نصیحت می کند نمی شنود، و این کار از شخص صورت می گیرد که احوال نفس خود را دوست می داشته باشد.

خلاصه مشخص گردید که اتباع هوی انسان را از شنیدن خیر کر می سازد و از دیدن حق کور، بنابراین، انسان نباید تابع اتباع هوی گردد.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعَيْنَةِ وَأَخَذْتُمْ أَدْنَابَ الْبَقَرِ وَرَضِيْتُمْ بِالزَّرْعِ وَتَرَكَتُمُ الْجِهَادَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ ». (۱)

ترجمه: ابن عمر رضي الله عنهما می گوید: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرمود: هنگامی که معامله عینه<sup>(۲)</sup> انجام دادید، و دم گاوها را گرفتید، (و به کشاورزی مشغول شدید)، و به کشت و کار دل خوش کردید، و جهاد در راه الله را ترک کردید؛ الله بر شما ذلتی چیره می کند که تا به دینتان بر نگرید؛ آن را از شما بر نمی دارد.

وجه استدلال از حدیث: مناوی رحمه الله در شرح این جز از حدیث « وَتَرَكَتُمُ الْجِهَادَ » می نویسد: (ای غزو

---

<sup>۱</sup> - سنن ابی داود، رقم الحدیث ۳۴۶۴. ابن حجر رحمه الله سند این حدیث را ضعیف می داند، ولی می گوید: در مسند احمد با سند دیگر این حدیث روایت شده است و آن جید است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المحقق: السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج ۲ ص ۱۵۱. اما آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح دانسته و می گوید: گرچند در سند این حدیث اسحاق بن اسید است که محدثین او را ضعیف خوانده است، ولی این حدیث از طرق های دیگر هم روایت شده است که این حدیث را تقویت می دهند، همان طوری که بیهقی رحمه الله به آن طرق اشاره نموده است، بناءً این حدیث را در جمله احادیث صحیحه ذکر نموده ام. محمد ناصر الدین الألبانی، صحیح التَّرْغِيبِ وَالتَّوْهِيبِ، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۲ ص ۱۴۹.

<sup>۲</sup> - فروختن مال و میبعه بصورت نسبه سپس باز خریدن از مشتری به قیمت کمتر از آن و این را ربای عینوی هم می گوید. احمد بن حجر عسقلانی، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ترجمه وتوضیح: حسین تاجی گله داری، تهران، انتشارات اردیبهشت، ۱۳۸۱ هـ ش، ج

أعداء الرحمن ومصارعة الهوى والشيطان... أرسل بقهره وقوته (عليكم ذلاً).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: یعنی جهاد با دشمنان رحمن (الله) و مبارزه با هوی و شیطان را ترک نمایند، الله متعال با قهر و قوتش بر بالای شما ذلیلی را ارسال می کند.

خلاصه مشخص گردید که یکی از اسباب ذلت و خواری مسلمانان ترک جهاد و خود داری کردن از مبارزه علیه هوی و شیطان است، یعنی از جهاد پرهیز کنند و تابع هوی و شیطان شوند.

### حدیث سوم و وجه استدلال آن.

از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به وی یاد داد که این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِنَا وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَجَبِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُلُوبِنَا وَأَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا وَثُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِنِعْمَتِكَ مُنْتَبِهِينَ بِهَا قَابِلِيهَا وَأَتَمِّمَهَا عَلَيْنَا».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: پروردگارا! دلهايمان را به هم پيونده بده، در ميان ما صلح و صفا به راه انداز و ما را به راههاي نجات و با امنيت راهنمايي کن. و ما را از تاريخي ها به نور نجات بده، از كارهاي نابهنجار، چه آشكار و چه نهان، دور نگه دار، و در بينايي، شنوايي، قلب ها، همسران و فرزندانمان برکت قرار بده و توبه مان را بپذير که تو توبه پذير و مهرباني و ما را شکرگذار و ثناگويان و شايستگان نعمت خود بگردان و آن را بر ما کامل نما!

وجه استدلال از حدیث: عزیزی<sup>(۳)</sup> رحمه الله در شرح این جز از حدیث «مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» می نویسد: (من الظلمات) ظلمات الجهل و اتباع الهوى و قبول الوسوس والشبه المؤدية إلى الكفر إلى النور اي

۱- فیض القدير، ج ۱ ص ۴۰۳.

۲- سنن أبي داود، رقم الحديث ۹۷۱. ألبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح و ضعیف سنن ابی داود، رقم الحديث ۹۷۱.

۳- عزیزی (۱۰۷۰ هـ = ۱۶۶۰ م)، علي بن أحمد بن محمد، عزیزی، بولاقی، شافعی: یکی از فقهای شافعی و عالم به حدیث بود، تولدش در عزیزی، که در شرق مصر قرار دارد صورت گرفته و وفاتش در بولاق مصر شده است، دارای تالیفات است از جمله السراج المنیر بشرح الجامع الصغیر که در سه جزء می باشد، حاشیه علی شرح التحریز لזکریا الانصاری، حاشیه علی شرح الغایة لابن قاسم سماها الفوائد العزیزیة. فهرس المؤلفین بالظاهریة و غیره. یوسف بن الیان بن موسی سرکیس (المتوفی: ۱۳۵۱ هـ)، معجم المطبوعات العربیة والمعرّبة، الناشر: مطبعة سرکیس بمصر ۱۳۴۶ هـ - ۱۹۲۸ م، ص ۱۳۲۸. الأعلام، ج ۴ ص ۲۵۸.

إلى الهدى الموصل إلى الإيمان).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: منظور از ظلمات، ظلمات و تاریکی های جهل، اتباع هوی، قبول کردن وسوسه ها و شبهه که منجر به کفر می گردد، می باشد، (بسوی نور و روشنائی)، یعنی بسوی هدایت که به ایمان وصل می کند. خلاصه مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم از ظلمات بسوی نور از الله متعال مطالبه نموده و یکی از اسباب تاریکی و ظلمات، اتباع هوی است.

### مطلب چهارم: جمع و بررسی احادیث سنن نسائی در اتباع هوی.

در این مطلب احادیث سنن نسائی را که راجع به اتباع هوی وارد گردیده، جمع و بررسی می نمایم، که تفصیل شان قرار ذیل است:

### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ: "أُقْبِلْتُ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَمَعِيَ رَجُلَانِ مِنَ الْأَشْعَرِيِّينَ أَحَدُهُمَا عَنْ يَمِينِي وَالْآخَرُ عَنْ يَسَارِي وَرَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَسْتَأْذِنُ، فَكِلَاهُمَا سَأَلَ الْعَمَلَ قُلْتُ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا أَطْلَعَانِي عَلَى مَا فِي أَنْفُسِهِمَا وَمَا شَعَرْتُ أَنَّهُمَا يَطْلُبَانِ الْعَمَلَ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى سِوَاكِهِ تَحْتَ شَفْتَيْهِ فَلَصَتْ فَقَالَ: «إِنَّا لَا - أَوْ لَنْ - نَسْتَعِينُ عَلَى الْعَمَلِ مَنْ أَرَادَهُ وَلَكِنْ اذْهَبْ أَنْتَ»، فَبَعَثَهُ عَلَى الْيَمَنِ ثُمَّ أَرَدَفَهُ مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا -.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ابو موسی - رضي الله عنه - می گوید: پیش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - رفتم در حالیکه دو نفر از قبیله اشعری را همراه داشتم، که یکی از آنان در طرف راست و دیگری در طرف چپم قرار گرفته بودند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دندانهایش را مسواک می کرد، هر دوی آنان از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تقاضای امارت و مأموریت نمودند، گفتم: قسم به کسی که شما را به حق فرستاده است، ایشان

<sup>۱</sup> - علي بن الشيخ أحمد بن الشيخ نور الدين بن محمد بن الشيخ إبراهيم الشهير بالعريزي، السراج المنير شرح الجامع الصغير في حديث البشير النذير، أعده للشاملة/ فريق رابطة النساخ برعاية (مركز النخب العلمية)، ترقيم الكتاب موافق للمطبوع، ج ۱ ص ۲۹۷.

<sup>۲</sup> - أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، أبو عبد الرحمن النسائي (المتوفى: ۳۰۳هـ)، المجتبى من السنن = السنن الصغير للنسائي، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، رقم الحديث ۴. ألباني رحمه الله ابن حديث را صحيح می داند. محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحيح وضعيف سنن النسائي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۴.

قبلاً مرا بر نیت قلبی و خواسته خودشان آگاه نکرده بودند و من نمی دانستم که آنان درخواست امارت می نمایند. (در این اثنا ابوموسی گفت) گویی اکنون همان لحظه ای است که به مسواک پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نگاه می کردم که در زیر آتش به طرف بالا تکان خورد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: هرگز امارت و سرپرستی امور را به کسی نمی دهیم که طالب و خواستار آن باشد، سپس گفت: ای ابو موسی! شما به یمن بروید. پس ابوموسی به یمن رفت، سپس معاذ بن جبل را به دنبال ابو موسی به یمن فرستاد.

وجه استدلال از حدیث: محمد مختار شنقیطی<sup>(۱)</sup> رحمه الله شارح نسائی راجع به این حدیث می نویسد: (والغالب أن الذي يحمل على سؤالها هوى النفس، واتباع الهوى موجب للهلاك والوقوع فيما لا يرضي الله، ولهذا ذكر البخاري حدیث الباب تحت عنوان (ما يكره من الحرص على الإمارة).<sup>(۲)</sup>)

ترجمه: غالباً آن شخص را که وادار به پرسیدن سوال نموده بود، هوی نفسش بود و اتباع هوی موجب هلاکت و واقع شدن در چیزی که الله متعال راضی نیست می گردد، از همین جهت امام بخاری رحمه الله حدیث بابش را تحت عنوان (آنچه که از حرص بر امارت مکروه است) ذکر کرده است.

خلاصه مشخص گردید که درخواست مأموریت و امارت از جمله هوی نفس است و اتباع هوی موجب هلاکت و عدم رضایت الله متعال می گردد.

## حدیث دوم و وجه استدلال آن

عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَثَلُ الْمُنَافِقِ: كَمَثَلِ الشَّاةِ الْعَائِرَةِ بَيْنَ الْعَمَمَيْنِ؛ تَعْبُرُ إِلَى هَذِهِ مَرَّةً، وَإِلَى هَذِهِ مَرَّةً.»<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مثال منافق،

---

<sup>۱</sup> - محمد مختار شنقیطی (۱۳۳۷ - ۱۴۰۵ هـ = ۱۹۱۸ - ۱۹۸۵ م): محمد مختار ابن محمد بن سید الامین بن حبیب الله بن أحمد مزید بن بون، عالم، محدث، اديب و یکی از بزرگان علماء اسلام به شمار می رود. در قریه رشید از شهرهای مورتانیا تولد و نشأت یافته و تحصیلش را در شنقیط نموده است، دارای تالیفات است، از جمله شرح سنن النسائي، الجواب الواضح المبين في حكم التضحية عن الغير من الأحياء والميتين وغيره. محمد خير بن رمضان بن إسماعيل يوسف، تكملة مُعجم المؤلفين، الناشر: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م، ص ۵۴۹ - ۵۵۰.

<sup>۲</sup> - محمد المختار بن محمد بن أحمد مزید الجكني الشنقيطي (المتوفى في المدينة: ۱۴۰۵ هـ)، شرح سنن النسائي، الناشر: مطابع الحميضي (طبع على نفقة أحد المحسنين)، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ، ج ۱ ص ۹۶.

<sup>۳</sup> - سنن النسائي، رقم الحديث ۵۰۴۰. ألباني رحمه الله ابن حديث را صحيح می داند. صحيح . ضعيف سنن النسائي، رقم الحديث ۵۰۴۰.



مثل گوسفندی که میان دو گله سرگردان باشد که با کدامیک همراه شود، یک مرتبه طرف آن گله و مرتبه دیگر طرف گله دیگر می رود.

وجه استدلال از حدیث: نورالدین سندی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (الْعَائِرَةُ) أَي: الْمُتَرَدِّدَةُ بَيْنَ قَطِيعَيْنِ مِنَ الْعَنَمِ، وَهِيَ الَّتِي تَطْلُبُ الْفُحْلَ فَتَنْتَرِدُّ بَيْنَ قَطِيعَيْنِ وَلَا تَسْتَوِرُّ مَعَ إِحْدَاهُمَا وَالْمُنَافِقُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ بِظَاهِرِهِ وَمَعَ الْمُشْرِكِينَ بِبَاطِنِهِ تَبَعًا لِهَوَاهُ وَعَرَضَهُ الْفَاسِدُ فَصَارَ بِمَنْزِلَةِ تِلْكَ الشَّاةِ<sup>(۱)</sup>

ترجمه: عائره، یعنی: گوسفندی که بین دو گله از گوسفندان سرگردان است و این گوسفند جفت را جستجو و طلب می کند، بنابراین، میان دو گله سرگردان است و همراه یک گله قرار نمی گیرد، به همین شکل منافق از جهت اتباع هوی و قصد فاسد، ظاهراً همراه مؤمنین و باطناً همراه مشرکین است، پس بمنزله این گوسفند گردید.

خلاصه مشخص گردید که اتباع هوی سبب دو روی می گردد، یعنی ظاهراً با مؤمنین و باطناً همراه مشرکین و این کار مثل گوسفند سرگردان بین دو گله می باشد و این یک عمل بد و مذموم است.

### مطلب پنجم: جمع و بررسی حدیث سنن ابن ماجه در اتباع هوی.

در این مطلب حدیث سنن ابن ماجه که راجع به اتباع هوی وارد گردیده، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و آن قرار ذیل است:

عَنْ أَبِي يَعْلَى شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ، وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا، ثُمَّ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: از ابی یعلی شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: زیرک کسی است که نفس خود را محاسبه نموده و برای زندگی بعد از مرگ کار کند، و ناتوان کسی است که نفسش را بدنبال آرزوها و هوای خویش کشاند، و از خدا امید داشته باشد.

۱- محمد بن عبد الهادی التتوی، أبو الحسن، نور الدین السندی (المتوفی: ۱۱۳۸هـ)، حاشیة السندی علی سنن النسائی، الناشر: مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، ج ۸ ص ۱۲۴.

۲- سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۴۲۶۰. امام مزی رحمه الله این حدیث را حسن می داند. یوسف بن عبد الرحمن جمال الدین أبو الحجاج المزی (المتوفی: ۷۴۲هـ)، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، المحقق: عبد الصمد شرف الدین، طبعة: المکتب الإسلامي، والدار القیمة، الطبعة: الثانية: ۱۴۰۳هـ، ۱۹۸۳م، ج ۴ ص ۱۴۳.

وجه استدلال از حدیث: ملا علی القاری رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (وَالْعَاجِزُ هُوَ الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ، وَهُوَ « مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا » ) ، مِنْ الْإِتِّبَاعِ أَي: جَعَلَهَا تَابِعَةً لِهَوَاهَا مِنْ تَحْصِيلِ الْمُشْتَهَاتِ وَاسْتِعْمَالِ اللَّذَاتِ وَالشُّبُهَاتِ، بَلْ مِنْ ارْتِكَابِ الْمُحَرَّمَاتِ وَتَرْكِ الْوَاجِبَاتِ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: عاجز عبارت از مؤمن ضعیف است و آن شخصی است که نفسش تابع برای هوایش می باشد، کلمه « أَتْبَعَ » از اتباع گرفته شده، یعنی: نفس خود را تابع برای هوایش گردانیده از قبیل حصول کردن شهوات و استعمال لذات و شبهات، بلکه از قبیل ارتکاب چیزهای حرام شده و ترک واجبات.

خلاصه شخص عاجز کسی است که نفسش تابع برای هوایش بوده و هوایش او را در راهای شهوات، شبهات، ارتکاب اشیای حرام شده و ترک واجبات مشغول و مصروف می گرداند.

---

<sup>۱</sup>- مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۸ ص ۳۳۱۰.

## فصل سوم

### جمع و بررسی احادیث مسانید در اتباع هوی.

در این فصل احادیث مسانید که راجع به اتباع هوی اند، جمع و بررسی می گردد، بنابراین، در این فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: جمع و بررسی احادیث مسند امام أحمد بن حنبل و مسند شهاب در اتباع هوی

مبحث دوم: جمع و بررسی احادیث بقیه کتب مسانید در اتباع هوی

## مبحث اول

### جمع و بررسی احادیث مسند امام أحمد بن حنبل و مسند شهاب در اتباع هوی

در این مبحث احادیث وارده راجع به اتباع هوی که در مسند امام أحمد بن حنبل و مسند الشهاب اند، مورد جمع و بررسی قرار می گیرند، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: جمع و بررسی احادیث مسند امام احمد بن حنبل در اتباع هوی.

مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث مسند شهاب در اتباع هوی.

### مطلب اول: جمع و بررسی احادیث مسند امام احمد بن حنبل در اتباع هوی.

در این مطلب احادیث مسند امام احمد بن حنبل را که راجع به اتباع هوی وارد گردیده، جمع و بررسی می نمایم، که تفصیل شان قرار ذیل است:

### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مُذْمُونُ الْخَمْرِ إِنْ مَاتَ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى كَعَابِدٍ وَثَنٍ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: معتاد به شراب اگر بمیرد، الله متعال را همانند بت پرست ملاقات می کند.

وجه استدلال از حدیث: ملا علی القاری رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (كَعَابِدٍ وَثَنٍ) أَي صَنَمٍ وَهُوَ وَعِيدٌ وَكَيْدٌ وَرَجْرُ شَدِيدٌ وَأَعْلَى تَشْبِيهِهُ بِعَابِدِ الْوَثْنِ حَيْثُ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَخَالَفَ أَمْرَ اللَّهِ.<sup>(۲)</sup>

---

<sup>۱</sup> - أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني. (۱۶۴ - ۲۴۱)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م، رقم الحديث ۲۴۵۳. هيئتي رحمه الله بعد از ذکر این حدیث، چنین می نویسد: این حدیث را احمد، بزار و طبرانی رحمهم الله روایت نموده اند و رجال احمد رجال صحیح است، مگر ابن منکدر گفته است: ابن عباس رضی الله عنهما فرمود. و در اسناد طبرانی یزید بن ابی فاخته است که او را نمی شناسم و بقیه رجال آن هم ثقة است. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۵ ص ۷۴. ألبانی رحمه الله این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح الجامع الصغیر وزياداته، الناشر: المكتبة الإسلامية، ج ۲ ص ۱۰۲۰.

<sup>۲</sup> - مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۶ ص ۲۳۹۰.

ترجمه: (همانند بت پرست است)، وثن، یعنی: صنم<sup>(۱)</sup> و این یک وعید سخت و توبیخ شدید است و شاید تشبیه معتاد به شراب به عبادت کننده بت، از جهت اتباع هوی و مخالفت کردن با امر الله است. خلاصه مشخص شد که یکی از اسباب تشبیه شخص معتادی شراب به شخص بت پرست، از جهت اتباع هوی است و این بزرگ بودن جرم اتباع هوی را نشان می دهد.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي بَرْزَةَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «إِنَّمَا أَحْسَنَى عَلَيْكُمْ شَهَوَاتِ الْغَيِّ فِي بُطُونِكُمْ وَفُرُوجِكُمْ، وَمُضَلَّاتِ الْهَوَى».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابوبرزه رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: برآستی از شهوت های فاسد و هلاک کننده در شکم ها و شرم گاهای تان و از گمراهای هوی بر شما می ترسم.

وجه استدلال از حدیث: ساعاتی<sup>(۳)</sup> رحمه الله در شرح این جزء از حدیث «وَمُضَلَّاتِ الْهَوَى» می نویسد: (أَي فَعَلَ مَا تَهْوَاهُ نَفْسُهُ مِنَ الْمَعَاصِي فَإِنَّهَا تَبْطُلُ عَمَلَهُ الصَّالِحَ وَتَضِيعُهُ مَأْخُذٌ مِنَ الضَّلَالِ الضِّيَاعِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: یعنی کاری که او را نفس خواهش کرده باشد از قبیل گناهها، پس هوی نفس عمل صالح را باطل و ضایع می کند، مضلات از ضلال گرفته شده، به معنای ضایع کردن.

خلاصه مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم از هوی نفس و اتباع آن بر امتش می ترسد.

<sup>۱</sup> - صنم: بُت، آنچه که به جز از الله مورد پرستش قرار گیرد یا آنچه که بت پرستان آنرا نیایش کنند.

<sup>۲</sup> - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۱۹۷۸۷. هیثمی رحمه الله رجال این حدیث را صحیح می داند. نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان أبو الحسن الهیثمی (المتوفی: ۸۰۷هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدین القدسی، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، عام النشر: ۱۴۱۴ هـ، ۱۹۹۴ م، ج ۱ ص ۱۸۸.

<sup>۳</sup> - ساعاتی (۱۳۷۸ هـ = ۱۹۵۸ م): أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا، ساعاتی، یکی از مشتغلین حدیث در مصر بود و تجارت ساعت می کرد، دارای تالیفات است، از جمله: الفتح الرباني في ترتيب مسند الإمام ابن حنبل در شش جلد، القول الحسن في شرح بدائع المنن، بدائع المنن في جمع وترتيب مسند الشافعي والسنن وغيره. الأعلام، ج ۱ ص ۱۴۸.

<sup>۴</sup> - أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا الساعاتي (المتوفى: ۱۳۷۸ هـ)، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الثانية، ج ۱۹ ص ۲۸۰.

## حدیث سوم و وجه استدلال آن.

عَنْ وَابِصَةَ الْأَسَدِيِّ قَالَ: إِنِّي بِالْكَوْفَةِ فِي دَارِي، إِذْ سَمِعْتُ عَلَى بَابِ الدَّارِ: السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أَلَيْحُ؟ قُلْتُ: عَلَيْكُمْ السَّلَامَ فَلَجَّ، فَلَمَّا دَخَلَ، فَإِذَا هُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَيَّةُ سَاعَةٍ زِيَارَةٌ هَذِهِ؟ وَذَلِكَ فِي نَحْرِ الظَّهِيرَةِ، قَالَ: طَالَ عَلَيَّ النَّهَارُ، فَذَكَرْتُ مَنْ أَتَحَدَّثُ إِلَيْهِ، قَالَ: فَجَعَلَ يُحَدِّثُنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَحَدَيْتُهُ، قَالَ: ثُمَّ أَنْشَأَ يُحَدِّثُنِي، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «تَكُونُ فِتْنَةٌ، النَّائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمُضْطَجِعِ، وَالْمُضْطَجِعُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَاعِدِ، وَالْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَالْقَائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي، وَالْمَاشِي خَيْرٌ مِنَ الرَّكِابِ، وَالرَّكِابُ خَيْرٌ مِنَ الْمُجْرِي، قَتَلَهَا كُلُّهَا فِي النَّارِ» قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَتَى ذَلِكَ؟ قَالَ: «ذَلِكَ أَيَّامُ الْهَرَجِ»، قُلْتُ: وَمَتَى أَيَّامُ الْهَرَجِ؟ قَالَ: «حِينَ لَا يَأْمَنُ الرَّجُلُ جَلِيسَهُ»، قَالَ: قُلْتُ: فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ؟ قَالَ: «اكَفَّفْ نَفْسَكَ وَبَيْتَكَ، وَادْخُلْ دَارَكَ»، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ إِنْ دَخَلَ رَجُلٌ عَلَيَّ دَارِي؟ قَالَ: «فَادْخُلْ بَيْتَكَ»، قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ دَخَلَ عَلَيَّ بَيْتِي؟ قَالَ: «فَادْخُلْ مَسْجِدَكَ، وَاصْنَعْ هَكَذَا، - وَقَبِضْ بِيَمِينِهِ عَلَى الْكُوعِ - وَقُلْ: رَبِّي اللَّهُ، حَتَّى تَمُوتَ عَلَى ذَلِكَ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از وابصه اسدی رضی الله عنه روایت است، که فرمود: من در خانه خود در کوفه بودم، ناگهان از دروازه خانه شنیدم: السلام عليكم آیا داخل شوم؟ گفتم: عليكم السلام، داخل شو، وقتی که داخل شد، دیدم که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه است، گفتم: ای ابو عبدالرحمن (کنیه ابن مسعود رضی الله عنه است)، این بازدید ساعت چند است؟ در حالی که این بازدید در گرمای چاشت بود، در پاسخ فرمود: روز بر بالایم طولانی شد، (وابصه می گوید:) یادم می آید که با چه کسی صحبت می کردم، وابصه رحمه الله می گوید: پس عبدالله برای من و من برای عبدالله از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیث می گفتیم، وابصه فرمود: سپس عبدالله آغاز کرد و به من حدیث گفت و فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: فتنه بوجود می آید، خواب کننده در آن فتنه از شخص که سمت پهلو بر روی زمین دراز کشیده بهتر است،

۱- مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۴۲۸۶. هیثمی رحمه الله بعد از ذکر این حدیث می نویسد: امام احمد رحمه الله این حدیث را با دو اسناد ذکر نموده است و رجال یکی از این دو اسناد ثقات است. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۷ ص ۳۰۲. حاکم اسناد این حدیث را صحیح می داند. در سند این حدیث: عمرو بن وابصه است، ابن حبان او را در ثقات ذکر نموده و حافظ در تقریب صدوق خوانده است، پدر عمرو، وابصه است و او صحابی است. همچنان در سند حدیث معمر است و او نیز ثقه است. و اسحاق (که در یک سند از او به «عن رجل» تذکر رفته) شخص صالح است و قاسم بن غزوان سند این حدیث را چنین نقل کرده: عن إسحاق بن راشد الجزري عن سالم ثني عمرو بن وابصة عن أبيه عن ابن مسعود. أنيس السَّاري، ج ۶ ص ۳۹۷۶.

شخص که سمت پهلو بر روی زمین دراز کشیده از نشسته بهتر است، نشسته در آن از ایستاده بهتر است، ایستاده در آن از مشی کننده بهتر است، مشی کننده از سواره بهتر است و سواره از اجرا کننده بهتر است، در آن فتنه هم دیگر را می کشند و تمام شان در آتش جهنم است. عبدالله فرمود: گفتم: ای پیامبر الله! این فتنه چه وقت است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: این فتنه در روزهای هرج و آشوب است. گفتم: روزهای هرج و آشوب چه وقت است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: وقتی که شخص احساس آرامش از همنشین خود نکند، عبدالله رضی الله عنه فرمود: گفتم: چه امر و دستور می دهی، اگر آن زمان را درک کردم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: جلوی نفس و دستت را بگیر. عبدالله فرمود: گفتم: ای پیامبر الله! خبر بده، در صورتی که هرج و آشوب بر خانه ام داخل شود (یعنی چه باید بکنم؟). پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: در اتاقت داخل شو. عبد الله می گوید: گفتم، در صورتی که در اتاقت داخل شود، چه باید بکنم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: در مسجدت داخل شو و چنین نمود - و دست راستش را بر مچ دست دست دیگر گذاشت - و بگو: پروردگرم الله است، تا اینکه بر همین حالت بمیری.

وجه استدلال از حدیث: عظیم آبادی رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: ( فِي النَّارِ ): لِقَاتِلِهِمْ عَلَى الدُّنْيَا وَاتَّبَاعِهِمُ الشَّيْطَانَ وَالْهَوَىٰ. (۱)

ترجمه: در آتش جهنم است، از جهت جنگ و قتال شان بر دنیا و اتباع شان از شیطان و هوی.

خلاصه مشخص گردید که یکی از فتنه های که پیامبر صلی الله علیه وسلم یاد آوری نموده، فتنه است که بر اساس دنیا، اتباع هوی و شیطان صورت می گیرد و همه قاتلین را به جهنم می کشاند.

### مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث مسند الشهاب در اتباع هوی.

در این مطلب احادیث مسند شهاب راجع به اتباع هوی مورد جمع و بررسی قرار می گیرد، با تحقیق و بررسی تنها یک حدیث از مسند شهاب راجع به اتباع هوی پیدا نمودم، که قرار ذیل است:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - قَالَ: أَرَادَهُ عُمَرَانُ عَلَى الْفَضَاءِ فَأَبَى وَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: « الْفَضَاءُ ثَلَاثَةٌ: وَاحِدٌ نَاجٍ، وَاثْنَانِ فِي النَّارِ. مَنْ قَضَى بِالْجَوْرِ أَوْ بِالْهَوَىٰ هَلَكَ. وَمَنْ قَضَى

۱- عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۹ ص ۱۳۰۷.

بِالْحَقِّ نَجَا».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است، که فرمود: عثمان رضی الله عنه بر مأموریت قضاء اراده نمود، سپس امتناع ورزید و فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: قاضی ها سه گونه اند، یکی از آنها نجات می یابد و دو گونه آنها در آتش جهنم است، شخص که بر اساس جور (ظلم) یا شخص که بر اساس هوی قضاوت کنند، هلاک می گردند و شخص که بر اساس حق قضاوت کند، نجات می یابد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که یک گونه از قاضی که هلاک می گردند، به سبب اتباع هوی است، یعنی وقتی که آنها از هوای شان اتباع می نمایند، در این صورت از حق منحرف گشته و این کار سبب هلاکت شان می شوند.

---

<sup>۱</sup> - محمد بن سلامة بن جعفر بن علي بن حكيم، أبو عبد الله القضاة المصري (المتوفى: ٤٥٤هـ)، مسند الشهاب، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٦، رقم الحديث ٣١٧. رجال ابن حديث ثقة است. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٤ ص ١٩٣.



## مبحث دوم

### جمع و بررسی احادیث بقیه کتب مسانید در اتباع هوی

در این مبحث احادیث بقیه از کتب مسانید که در خود احادیث راجع به اتباع هوی را جای داده و آورده اند، جمع و بررسی می نمایم، بنابراین، این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: جمع و بررسی احادیث مسند الشامیین در اتباع هوی.

مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث مسند البزار در اتباع هوی.

مطلب سوم: جمع و بررسی احادیث مسند أبي داود الطيالسي و مسند إسحاق بن راهويه در اتباع هوی.

مطلب چهارم: جمع و بررسی حدیث مسند الفاروق در اتباع هوی.

مطلب پنجم: جمع و بررسی حدیث مسند الدارمی در اتباع هوی.

### مطلب اول: جمع و بررسی احادیث مسند الشامیین در اتباع هوی.

با تحقیق و بررسی در مسند الشامیین راجع به اتباع هوی، تنها یک حدیث پیدا نمودم، که قرار ذیل است:

عَنْ أَبِي أُمَيَّةَ الشَّعْبَانِيِّ، قَالَ: أَتَيْتُ أَبَا ثَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيَّ فَقُلْتُ: يَا [أَبَا] ثَعْلَبَةَ كَيْفَ تَصْنَعُ فِي هَذِهِ الْأَيَّةِ؟ قَالَ: أَيْتُهُ آيَةٌ؟ فَقُلْتُ: قَوْلُهُ [تَعَالَى] {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ} [المائدة: ١٠٥]. قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتِ عَنْهَا حَبِيرًا، سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «بَلْ فَاثْمُرُوا [انْتَمِرُوا] بِالْمَعْرُوفِ وَتَنَاهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ. فَإِذَا رَأَيْتِ شُحًّا مُطَاعًا وَهَوَى مُتَّبَعًا وَدُنْيَا مُؤْتَرَةً وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ فَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ وَدَعِ عَنْكَ أَمْرَ الْقَوْمِ فَإِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ أَيَّامَ الصَّبْرِ، الصَّابِرُ فِيهِ مِثْلُ الْقَائِضِ عَلَى الْجَمْرِ، لِلْعَامِلِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَجْرُ خَمْسِينَ رَجُلًا».<sup>(١)</sup> ترجمه: از ابوامیه شعبانی<sup>(٢)</sup> رحمه الله روایت است، که

١- سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی (المتوفى: ٣٦٠هـ)، مسند الشامیین، المحقق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤، رقم الحديث ٧٥٣. بغوی رحمه الله سند این حدیث را به نقل از ترمذی و موافقت ذهبی، صحیح دانسته است. مصابیح السنة، ج ٣ ص ٤١٠.

٢- ابوامیه شعبانی (وفات: ٨١ - ٩٠ هـ) اسمش یحمد از دمشق شام بود، از صحابه های رسول الله صلی الله علیه و سلم، مثل معاذ بن جبل، ابي ثعلبة خشنی وکعب الأخبار حدیث روایت نموده است، زمان جاهلیت را درک کرده است، بخاری، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه

فرمود: نزد ابو ثعلبه خشنی رضی الله عنه آمدم و برایش گفتم: ای ابو ثعلبه! چگونه تو در این آیه مهارت و دانش داری؟ ابو ثعلبه فرمود: کدام آیه؟ گفتم: این قول الله متعال: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ}.<sup>(۱)</sup> ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید مراقب خود باشید، هنگامی که شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شده اند به شما زیانی نمی رساند. ابو ثعلبه رحمه الله فرمود: اما قسم به الله! برآستی تو از این آیه جهت آگاهی سوال نمودی، از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال نمودم، در پاسخ فرمود: بلکه شما به کارهای نیک امر نمایند و گردن نهند و از منکر مانع شویند. وقتی که دیدی از بخل اطاعت شده، از هوی اتباع صورت گرفته، دنیا تأثیر گذاشته و هر صاحب رأی و دیدگاه به رأی خود پسند و بسنده نموده، در این صورت بر بالای تو مراقبت ویژه از نفست لازم است و کار مردم را از خود ترک کن، بخاطری که پشت سرتان روزهای صبر است، صبر کردن در آن مثل قبض و گرفتن آتش روشن است، برای عامل (عمل کننده به حق) در آن زمان، اجر پنجاه نفر (پنجاه نفر عامل فعلی) است.

وجه استدلال از حدیث: ابن عبدالبر رحمه الله در شرح این حدیث چنین می نویسد: (إِذَا اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَلْبَسَ النَّاسُ شَبِيحًا وَأُذِيقَ بَعْضُهُمْ بِأَسْبَعْ وَكَانَ الْهَوَى مُتَّبَعًا وَالشُّحُّ مُطَاعًا وَأَعْجَبَ دُو الرِّأْيِ بِرَأْيِهِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: وقتی که قلب ها در آخر زمان دچار اختلاف گردیدند، مردم لباس های گوناگون می پوشند، برخی مردم از برخی دیگر بدی را می چشند، از هوی اتباع می شود، از بخل اطاعت شده و هر صاحب رأی از رأیش پسند می نماید.

خلاصه مشخص گردید که از علایم و نشانه های آخر زمان، اتباع هوی است و این یک کار منکر و بدی است، بنابراین، انسان متوجه و مراقب نفس خود باشد، تا دچار اتباع هوی نگردد و در این راه صبور گونه قدم برداشته تا موفق بدر آید.

از او حدیث در کتاب های شان نقل کرده است. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)،

الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى

- ۱۴۱۵ هـ، ج ۷ ص ۲۳ - ۲۴.

۱- {المائدة، آیه ۱۰۵}.

۲- الاستذکار، ج ۲ ص ۳۷۳.

## مطلب دوم: جمع و بررسی احادیث مسند البزار در اتباع هوی.

در این مطلب احادیث مسند البزار که راجع به اتباع هوی است، مورد جمع و بررسی قرار می‌دهم، که قرار ذیل است:

### حدیث اول و وجه استدلال آن.

عَنْ أَنَسٍ، عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُ قَالَ: «ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ، وَثَلَاثُ دَرَجَاتٍ، وَثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ، وَثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ؛ فَأَمَّا الْكَفَّارَاتُ: فَاسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، وَنَقْلُ الْأَقْدَامِ إِلَى الْجُمُعَاتِ. وَأَمَّا الدَّرَجَاتُ: فَاطْعَامُ الطَّعَامِ، وَإِفْشَاءُ السَّلَامِ، وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ نِيَامًا. وَأَمَّا الْمُنْجِيَّاتُ: فَالْعَدْلُ فِي الْعُزْبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَخَشْيَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ. وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ: فَسُخُّ مُطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبَعٍ، وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سه چیز از مهلکات (انسان را به هلاکت می‌اندازد) است، سه چیز از منجیات (انسان را نجات می‌دهد) است، سه چیز از کفارات (باعث کفاره گناه می‌گردد) است، سه چیز از درجات (مقام انسان را بالا می‌برد) است، پس سه چیزی که از کفارات است: تکمیل نمودن وضو در هوای سرد، انتظار کشیدن نمازها بعد از دیگر نمازها و رفتن با قدم‌ها بسوی جماعت‌ها. اما سه چیزی که از درجات است: طعم‌دادن، افشای سلام و نماز خواندن در شب در حال که مردم خواب باشند. اما سه چیزی که از منجیات است: عدالت در حالت غضب و رضا، اراده درست در حالت فقر و غنمندی و ترس از الله در حالت پنهان و آشکار. اما سه چیزی که از مهلکات است: بخلی که از آن اطاعت شود، خواهشاتی که از آن پیروی گردد و مغرور شدن انسان به رأی و نظر خودش.

وجه استدلال از حدیث: ملا علی القاری رحمه الله در شرح این جزء از حدیث « وَهَوَى مُتَّبَعٌ » می‌نویسد: (فَهَوَى). أَي: لِلنَّفْسِ (مُتَّبَعٌ): اِحْتِرَازٌ عَنْ مَثْرُوكٍ، فَإِنَّ مُخَالَفَةَ النَّفْسِ مِنْ أَكْبَرِ الْمُنْجِيَّاتِ كَمَا أَنَّ مُتَابَعَتَهَا مِنْ أَكْبَرِ الْمُهْلِكَاتِ<sup>(۲)</sup>.

<sup>۱</sup>- مسند البزار، رقم الحدیث ۶۴۹۱. این حدیث صحیح است. السراج المنیر فی ترتیب احادیث صحیح الجامع الصغیر، ج ۲ ص ۱۰۵۹. رقم الحدیث ۶۶۳۸.

<sup>۲</sup>- مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۸ ص ۳۱۹۹.

ترجمه: پس هوی: یعنی برای نفس اتباع کرده شود (مذموم است)، احتراز است از اینکه هوی برای نفس ترک کرده شود (این کار ممدوح است)، بخاطری که مخالفت کردن با نفس از بزرگترین نجات دهندگان نفس است، همان طوری که متابعت هوی نفس از بزرگترین مهلکات است.

خلاصه مشخص شد که یکی از بزرگترین چیزهای که نفس انسان را هلاک و نابود می سازد، اتباع هوی نفس است، همان طوری که مخالفت با اتباع هوی نفس از بزرگترین نجات دهندگان نفس است.

### حدیث دوم و وجه استدلال آن.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُهْلِكَاتُ ثَلَاثٌ: إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ، وَشُحُّ مُطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبِعٌ». (۱)

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سه چیز باعث هلاکت است: خود پسندی شخص از نفسش، بخل که مورد اطاعت قرار گرفته و از هوی که تابع صورت گیرد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم دیده شد که یکی از اسباب هلاکت اتباع هوی است.

### حدیث سوم و وجه استدلال آن.

عَنْ أَبِي بَرزَةَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «إِنَّمَا أَحْسَنَى عَلَيْكُمْ شَهَوَاتِ الْغَيِّ فِي بُطُونِكُمْ وَفُرُوجِكُمْ، وَمُضِلَّاتِ الْهَوَى». (۲)

ترجمه: از ابوبرزه رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: برآستی از شهوت های فاسد و هلاک کننده در شکم ها و شرم گاهای تان و از گمراهی های هوی بر شما می ترسم.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم از گمراهی های امتش می ترسد و این نشان دهنده خطرناک بودن اتباع هوی است.

۱- مسند البزار، رقم الحدیث ۳۳۶۶. امام هیثمی رحمه الله بعد از ذکر چندین حدیث راجع به این موضوع، می گوید: رجال تمام این احادیث ثقات است. نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان الهیثمی (المتوفی: ۸۰۷هـ)، کشف الأستار عن زوائد البزار، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، ص ۶۱.

۲- مسند البزار، رقم الحدیث ۳۸۴۴، ۴۵۰۳.

## مطلب سوم: جمع و بررسی حدیث مسند ابي داود طیالسی و مسند اسحاق بن راهویه در اتباع هوی

با تحقیق و بررسی در مسند ابي داود طیالسی و مسند اسحق بن راهویه راجع به اتباع هوی، تنها یک حدیث پیدا نمودم، که قرار ذیل است:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ الشَّدِيدُ مَنْ غَلَبَ النَّاسَ، وَلَكِنَّ الشَّدِيدَ مَنْ غَلَبَ نَفْسَهُ».<sup>(۱)</sup>

این لفظ از مسند اسحق بن راهویه است و در مسند ابي داود طیالسی با چنین لفظ آمده است: «لَيْسَ الشَّدِيدُ مَنْ يَصْرَعُ النَّاسَ، أَوْ يَغْلِبُ النَّاسَ، وَلَكِنَّ الشَّدِيدَ مَنْ غَلَبَ نَفْسَهُ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: قهرمان نیست شخص که بر بالای مردم غلبه نماید، بلکه قهرمان شخص است که بر نفسش غلبه می نماید.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث دلیل است بر اینکه گرداندن نفس از هوایش، بزرگترین مجاهدت با نفس است و این کار از جهاد با دشمن بهتر است، طوری که ابن عبدالبر رحمه الله می نویسد: (وَفِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ مَجَاهِدَةَ النَّفْسِ فِي صَرْفِهَا عَنْ هَوَاهَا أَشَدُّ مَحَاوَلَةً وَأَصْعَبُ مَرَامًا وَأَفْضَلُ مِنْ مَجَاهِدَةِ الْعَدُوِّ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و در این حدیث دلیل است بر اینکه مبارزه و جهاد کردن با نفس در قسمت گرداندن از هوایش، شدیدترین تلاش و سخت ترین مرام و خواست است و از جهاد با دشمن بهتر است.

---

<sup>۱</sup> - إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم أبو يعقوب الحنظلي المروزي المعروف بـ ابن راهويه (المتوفى: ۲۳۸هـ)، مسند إسحاق بن راهويه، المحقق: عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي، الناشر: مكتبة الإيمان - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ - ۱۹۹۱، رقم الحديث ۵۱۶.

<sup>۲</sup> - سليمان بن داود بن الجارود أبو داود الطيالسي البصري (المتوفى: ۲۰۴هـ)، مسند أبي داود الطيالسي، المحقق: محمد بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، رقم الحديث ۲۶۴۸. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، التعليقات الحسان على صحيح ابن حبان وتمييز سقيمه من صحيحه، وشاذه من محفوظه، الناشر: دار با وزير للنشر والتوزيع، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، ج ۲ ص ۱۴۱ رقم الحديث ۷۱۵.

<sup>۳</sup> - الاستذكار، ج ۸ ص ۲۸۷.

## مطلب چهارم: جمع و بررسی حدیث مسند الفاروق در اتباع هوی.

با تحقیق و بررسی در مسند الفاروق، راجع به اتباع هوی تنها یک حدیث پیدا کردم و آن قرار ذیل است:

عن عمر بن الخطاب -رضي الله عنه «عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: {إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ} [الأنعام: ١٥٩]، قَالَ: " هُمْ أَهْلُ الْبِدْعِ وَالْأَهْوَاءِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ ».<sup>(١)</sup>

ترجمه: از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم راجع به تفسیر این آیه: {إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ}.<sup>(٢)</sup> ترجمه: کسانی که آئین خود را پراکنده ساختند و به دسته جات گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند هیچگونه ارتباطی با آنها نداری. فرمود: ایشان اهل بدعت و هوی از این امت هستند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است، یکی از چیزهای که امت محمد صلی الله علیه وسلم را به پراکندگی، تفریق و گروه گروه شدن دچار می سازد، اتباع و پیروی از هوی نفس است، بنابراین، انسان باید از اتباع هوی پیروی ننموده تا باشد از تفریق میان امت جلوگیری صورت گیرد.

## مطلب پنجم: جمع و بررسی حدیث مسند الدارمی در اتباع هوی.

با تحقیق و بررسی در مسند الدارمی، راجع به اتباع هوی تنها یک حدیث پیدا کردم و آن قرار ذیل است:

عَنْ زِيَادِ بْنِ حُدَيْرٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ لِي عُمَرُ: هَلْ تَعْرِفُ مَا يَهْدِمُ الْإِسْلَامَ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا! قَالَ: «يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ، وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْأَيْمَةِ الْمُضِلِّينَ».<sup>(٣)</sup>

<sup>١</sup> - إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ)، مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضي الله عنه وأقواله على أبواب العلم، المحقق: عبد المعطي قلجعي، دار النشر: دار الوفاء - المنصورة، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ - ١٩٩١م، رقم الحديث ١١٣. هيثمي رحمه الله در باره این حدیث می نویسد: رجال این حدیث صحیح است، غیر از معلل بن نفیل و آن هم تقه است. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٧ ص ٢٣ رقم الحديث ١١٠٠٩.

<sup>٢</sup> - {الأنعام، آیه ١٥٩}.

<sup>٣</sup> - عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد الدارمي، أبو محمد التميمي السمرقندي (المتوفى: ٢٥٥هـ)، مسند الإمام الدارمي، درسه وضبط نصوصه وحققها: الدكتور/ مرزوق بن هياس آل مرزوق الزهراني، الناشر: (بدون ناشر) (طبع على نفقة رجل الأعمال الشيخ جمعان بن حسن الزهراني)، الطبعة: الأولى، ١٤٣٦ هـ - ٢٠١٥ م، رقم الحديث ٢٢١. سند این حدیث صحیح است. أبو عبد الله الداني بن منير آل زهوي، سلسلة الآثار الصحيحة أو الصحيح المسند من أقوال الصحابة والتابعين، راجعه: عبد الله بن صالح العيبان، الناشر: دار الفاروق، الطبعة: الأولى (ج ١: ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م، ج ٢: ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م)، ج ١ ص ١٠٣.

ترجمه: از زیاد بن حدیر رضی الله عنه روایت است، که برایم عمر رضی الله عنه فرمود: آیا میدانی چه چیز اسلام را نابود می کند؟ زیاد فرمود: گفتم: خیر! عمر رضی الله عنه فرمود: اسلام را گناه و اشتباه عالم، مجادله منافق در کتاب الله و فیصله و حکم امامان گمراه نابود می گرداند.

وجه استدلال از حدیث: ملا علی القاری رحمه الله در شرح این حدیث می نویسد: (الْمُرَادُ بِهَدْمِ الْإِسْلَامِ تَعْطِيلُ أَرْكَانِهِ الْخَمْسَةِ فِي قَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ» " الْحَدِيثُ. وَتَعْطِيلُهُ إِنَّمَا يَحْصُلُ مِنْ زَلَّةِ الْعَالِمِ وَتَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ بِاتِّبَاعِ الْهَوَى).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مراد از نابود شدن اسلام، تعطیل قرار گرفتن ارکان پنج گانه اسلام است، که در این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم بکار رفته است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ...».<sup>(۲)</sup> ترجمه: اسلام بر پنج چیز استوار است. و تعطیل اسلام از گناه نمودن عالم، ترک کردن امر به معروف و نهی از منکر بسبب اتباع هوی حاصل می گردد.

رحمانی مبارکفوری<sup>(۳)</sup> رحمه الله نیز در شرح این جزء از حدیث «وَحُكْمُ الْأَيْمَةِ الْمُضِلِّينَ» می نویسد: (أي على وفق أهوائهم وإكراههم الناس عليه).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: حکم امامان گمراه کننده، یعنی: که مطابق هوای شان حکم نموده و مردم را به پذیرفتن حکم شان مجبور می کنند.

خلاصه از این حدیث مشخص گردید وقتی که مردم اتباع هوی نمایند، اسلام بسبب این کار نابود می شود و علماء خوار شده، امر به معروف و نهی از منکر ترک می گردد و حتی ارکان اسلام تعطیل می گردد.

۱- مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱ ص ۳۳۴.

۲- صحیح البخاری، رقم الحدیث ۸. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۱.

۳- رحمانی مبارکفوری: (۱۳۲۷ - ۱۴۱۴ هـ) (۱۹۰۹ - ۱۹۹۴ م)، عبید الله بن عبد السلام، رحمانی، مبارکفوری، یکی از علمای فقه و حدیث بود، در مبارکفور از قریه های اعظم کره اترآ ابرادیش هند تولد گردید و در ۲۲ رجب در همان قریه به ۸۵ سالگی وفات نمود، دارای تالیفات است از جمله: مرعاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح، تاریخ المنوال، فضائل الصیام و احکامها، حکم التأمین فی الإسلام و غیره. تكملة معجم المؤلفین، ص ۳۶۸.

۴- عبید الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدین، أبو الحسن الرحمانی المبارکفوری (المتوفی: ۱۴۱۴ هـ)، مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، الناشر: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند، الطبعة: الثالثة - ۱۴۰۴ هـ، ۱۹۸۴ م، ج ۱ ص ۳۵۶.

## نتیجه گیری

مهمترین نتایج که از این تحقیق بدست آمد، قرار ذیل اند:

- ۱- نتیجه گرفتم که اتباع هوی از اموری است که الله متعال در قرآن کریم و پیامبر صلی الله علیه در سخنانش مذموم خوانده است، زیرا اتباع هوی با هدایتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم از نزد الله متعال آورده است، تعارض دارد، پس اتباع هوی و هدایت دو راهی هستند که راه سوم نیست، یا راه ایمان و هدایت انتخاب گردد و یا راه گمراهی و هوا.
- ۲- راجع به ذم اتباع هوی ده ها آیه در قرآن کریم و ده ها حدیث در کتب صحاح سته و مسانید وجود دارد و این دلالت بر بزرگی و خطرناک بودن این عمل می کند.
- ۳- الله متعال بنده هایش را از اتباع هوی و اهل هوی که با شریعت و دینش در تعارض اند، تحذیر نموده است، زیرا پیروی کردن از هوی و اهل آن در هر زمان و مکان موجود است.
- ۴- اتباع هوی آثار خطرناک دارد که حتی منجر به نابودی آسمانها، زمین و اهل آنها گردیده، همچنان پرده میان شخص و حق می گردد.
- ۵- احادیث نبوی نشان می دهد که برای اتباع هوی مصادیق عملی زیاد در زندگی مردم است، که محدود به اتباع شهوت محرمه نمی گردد، بلکه اتباع هوی در امور عبادت، امور حلال و حرام، امور دآوری، قضاء و شهادت و سایر جوانب زندگی نیز داخل می گردد.
- ۶- با تحقیق و بررسی راجع به اتباع هوی در احادیث نبوی، به این نتیجه رسیدم که اهل کتاب - یهود و نصاری - بیشترین مردم بوده اند، که از هوای شان اتباع نموده اند و هم بعضی از مسلمانان بشکل مختلف و درجات متفاوت از هوای شان پیروی و اتباع نموده اند.
- ۷- اتباع هوی عواقب خطرناک و وخیم را در دنیا و آخرت انسان در پی دارد.
- ۸- بهترین راه بیرون رفت از اتباع هوی توبه و استغفار است.
- ۹- هر انسان مکلف است که علاوه از خود، دیگران را نیز از اتباع هوی و شیطان تحذیر نماید و روش انبیاء را تعقیب نموده تا هم خود و هم دیگران را از هلاکت نجات دهد.
- ۱۰- منع از اتباع هوی بهترین وظیفه ایمانی و رسالت انسانی است.
- ۱۱- اتباع هوی در احادیث صحاح سته و مسانید نکوهش شده است.



## پیشنهادات

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان از اتباع هوی، اسباب آن، راهای خلاص و نجات از آن آگاهی بهتر و خوبتر حاصل نمایند و از طرف دیگر به راهای تقوی و پرهیزگاری و راهای کسب آن تمرکز کنند تا سعادت دنیا و آخرت را بدست آورند، موارد ذیل را پیشنهاد می‌کنم:

۱- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون علمی و تحقیقی است، پیشنهاد می‌نمایم تا در این عرصه باز هم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند و این تحقیقات را برای نسل جوان تقدیم نمایند تا با آگاهی از این موضوع، نسل جوان از یک طرف تمرکز شان را به راه مستقیم و مخالف با اتباع هوی نفس که فایده دینی و دنیوی دارند، نموده و از اتباع هوی که جزء فلاکت، بدبختی و رسوای در دنیا و آخرت دارد خود داری نمایند. بر این اساس موضوع را که من کار کردم، جمع و بررسی احادیث صحاح سته و مسانید در اتباع هوی بود و به شکل عام کار شده است، ولی عناوین دیگری است که بهتر است تا روی آنها هم به حیث منوگراف لیسانس و تیزس ماستری قرار گرفته و کار شوند، از جمله: ۱- جمع و بررسی آیات قرآن کریم در اتباع هوی. ۲- جمع و بررسی احادیث نبوی در اتباع شیطان. ۳- احکام اتباع هوی و شیطان در احادیث نبوی. ۴- عقوبات وارده راجع به اتباع هوی در قرآن کریم و احادیث نبوی. ۵- اسباب اتباع هوی در قرآن کریم و احادیث نبوی. ۶- آثار و اقوال صحابه و تابعین در اتباع هوی. ۷- راهای علاج از اتباع هوی در قرآن کریم، احادیث نبوی و اقوال صحابه.

۲- برای علمای کرام پیشنهاد می‌کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را در رسانه های صوتی و تصویری روی این موضوع و سایر موضوعات که اضرار دینی و دنیوی دارند، بیشتر نمایند و از اهمیت و فضیلت راه راست و مستقیم که تضمین کننده امنیت، ایمان و آخرت انسان است، به مردم بازگو نمایند، در مقابل از اتباع هوی و شیطان که سبب ناکامی دنیا و آخرت انسان می‌گردد، مردم را هشدار دهند تا مردم در این قبال اصلاح گردند.

۳- در اخیر برای تمام معلمین و اساتید محترم پیشنهاد می‌نمایم تا روی این موضوع در صنوف درسی شان حد اقل یکبار در هفته تمرکز نمایند و برای متعلمین و محصلین انگیزه هدایت و راه مستقیم را ایجاد نموده و انگیزه خودداری از اتباع هوی، شهوت و شیطان و غیره از اعمال سوء و مضر را از اذهان شان دور نمایند.

۴- برای هر خواننده محترم که این رساله را می خواند، پیشنهاد می نمایم، تا بر هوی و شهواتش تمرکز نموده و از اتباع هوی نفسش را تحذیر و سرزنش نماید و خود را به راه مستقیم و راه و روش محمد صلی الله علیه وسلم عیار نماید.

۵- از اینکه امروزه پدیده منفی اتباع هوی گسترده شده، برای هر مسلمان پیشنهاد می نمایم تا در رساندن کار خیر از قبیل امر به معروف و نهی از منکر دیگران را یاری نموده و در هر جا و هر زمان مردم را از اتباع هوی تحذیر نموده و وظیفه دینی و ایمانی شان را در این قبال ادا نمایند.

## فهرست آیات قرآن کریم

شماره	آیات	سوره	شماره آیت	صفحه
۱	أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...	الفرقان	۴۳	۳۵
۲	إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...	يوسف	۵۳	۲۷
۳	فَأَحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.	ص	۲۶	۲
۴	فَالْتَهُمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا.	الشمس	۸	۷۶
۵	فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا.	النساء	۱۳۵	۱۳
۶	فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُوتُوا أَوْ تَعْرِضُوا...	النساء	۱۳۵	۳۷
۷	فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى...	طه	۱۶	۳۶
۸	فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ.	الصف	۵	۳۲
۹	فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ.	طه	۱۲۳	۷
۱۰	قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا.	يس	۲۰ - ۲۱	۸
۱۱	قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا...	الانعام	۵۶	۳۷
۱۲	كَأَلَدِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى انْتِنَا...	الانعام	۷۱	۳۳
۱۳	لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...	الزمر	۵۳	۴۰
۱۴	وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ.	الاحزاب	۵۶	۸۹
۱۵	وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...	ص	۲۶	۳۶، ۳۳، ۱۴

٣٢	٧١	المؤمنون	وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ.	١٦
٦٦	٥٦	الذاريات	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.	١٧
٣١، ١٤، ٩	٤٠	النازعات	وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ.	١٨
٥٣	٩	الحشر	وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ... {الحشر، آية ٩}.	١٩
١٠٢	١٠٥	المائدة	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ.	٢٠
١	١٠٢	آل عمران	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.	٢١
٣٨	٢٨	النساء	يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا...	٢٢

## فهرست أحاديث نبوي

شماره	حديث	صفحه
١	اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَه...	٨٥
٢	أَفْرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا، كَيْفَ أَنْصَرُّهُ؟ قَالَ: «تَحْجِرُهُ، أَوْ تَمْنَعُهُ، مِنَ الظُّلْمِ، فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ.	٦٦
٣	أَفْتَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ.	٨٢
٤	أَفْضَلُ الجِهَادِ أَنْ يَجَاهِدَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ وَهَوَاهُ.	١٦
٥	أَلَا وَإِنَّ فِي الجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ القَلْبُ.	٥٥
٦	أَمَّا المَهْلِكَاتُ: فَشُحُّ مَطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبِعٍ، وَإِعْجَابُ المَرْءِ بِنَفْسِهِ...	١٥
٧	إِنَّمَا أَخْشَى عَلَيْكُمْ شَهَوَاتِ العَيِّ فِي بُطُونِكُمْ وَفُرُوجِكُمْ، وَمُضَلَّاتِ الهَوَى..	١٠٤، ٩٧
٨	إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ النَّاسِ كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ جَعَلَ الفَرَّاشُ وَهَذِهِ الدَّوَابُّ الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا فَجَعَلَ يَنْزِعُهُنَّ وَيَعْلِبُنَّهُ فَيَقْتَحِمْنَ فِيهَا فَأَنَا أَخْذُ بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَهُمْ يَقْتَحِمُونَ فِيهَا	٦٣
٩	إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الحَدِيثِ.	٦٢
١٠	الإِيمَانُ أَنْ يَكُونَ اللهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا	٦٠
١١	أَيُّهَا النَّاسُ ادْخُلُوا الصِّرَاطَ جَمِيعًا وَلَا تَنْفَرُوا	٨٨
١٢	بُنِيَ الإسلامُ عَلَى خَمْسٍ...	١٠٤
١٣	تَعَسَّ عَبْدُ الدِّيَّانِ، وَالدِّرْهُمُ	٦٤
١٤	حُبُّكَ الشَّيْءَ يُعْمَى وَيُصِمُّ	٨٩
١٥	حُقِّتِ الجَنَّةُ بِالْمَكَارِ، وَحُقِّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ	٧٦
١٦	حُدَّهُ وَمَا جَاءَكَ مِنْ هَذَا المَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا سَائِلٍ فَحُدَّهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ	٥٩
١٧	رَبِّ أَعْيَى وَلَا تُعِنُّ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي وَلَا تُنْصُرْ عَلَيَّ.	٨٣

١٠١	فَإِذَا رَأَيْتَ شُحًّا مُطَاعًا وَهَوًى مُتَّبَعًا وَدُنْيَا مُؤَثَّرَةً وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ فَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ.	١٨
٧٩	فَذَلِكُمْ الرِّبَاطُ...	١٩
٩٢	فَكِلَاهُمَا سَأَلَ الْعَمَلَ قُلْتُ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا أَطْلَعَانِي عَلَى مَا فِي أَنْفُسِهِمَا وَمَا شَعَرْتُ أَنْهُمَا يَطْلُبَانِ الْعَمَلَ	٢٠
٧٢ - ٧٣	فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.	٢١
٩٨	فَقَتَلَهَا كُلَّهَا فِي النَّارِ	٢٢
٧٤	كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَيَبِيعُ نَفْسَهُ فَمُعْتَقُهَا، أَوْ مُوْبِقُهَا.	٢٣
٧٠	لَا يَعْرِفُ مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُ مُنْكَرًا إِلَّا مَا أَشْرَبَ مِنْ هَوَاهُ.	٢٤
٢٥، ١٦	لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ.	٢٥
٨٦	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ.	٢٦
٧٥	اللَّهُمَّ اتِّ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَرَكَعَهَا...	٢٧
٥٤	لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْعَضْبِ.	٢٨
١٠٥	لَيْسَ الشَّدِيدُ مَنْ غَلَبَ النَّاسَ، وَلَكِنَّ الشَّدِيدَ مَنْ غَلَبَ نَفْسَهُ.	٢٩
٧٨	مَثَلُ الْمُنَافِقِ: كَمَثَلِ الشَّاةِ الْعَائِرَةِ بَيْنَ الْغَنَمَيْنِ؛ تَعْبُرُ إِلَى هَذِهِ مَرَّةً، وَإِلَى هَذِهِ مَرَّةً.	٣٠
٩٣	مَثَلُ الْمُنَافِقِ: كَمَثَلِ الشَّاةِ الْعَائِرَةِ بَيْنَ الْغَنَمَيْنِ؛ تَعْبُرُ إِلَى هَذِهِ مَرَّةً، وَإِلَى هَذِهِ مَرَّةً.	٣١
٩٦	مُدْمِنُ الْخَمْرِ إِنْ مَاتَ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى كَعَابِدٍ وَثَنٍ	٣٢
٨٧ - ٨٦	مَنْ ابْتَغَى الْقَضَاءَ، وَسَأَلَ فِيهِ شَفْعَاءَ، وَكَلَّ إِلَى نَفْسِهِ...	٣٣
٦٧	مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى.	٣٤
٩٩	مَنْ قَضَى بِالْجَوْرِ أَوْ بِالْهَوَى هَلَكَ.	٣٥
١٠٤	الْمُهْلِكَاتُ ثَلَاثٌ: إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ، وَشُحُّ مُطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبِعٍ.	٣٦
٦٨	وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَةٌ...	٣٧
٩٤، ٢٩	وَالْعَاجِزُ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا	٣٨
١٠٣	وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ: فَشُحُّ مُطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبِعٍ، وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ.	٣٩

٨٠	وَإِنَّهَا لَمْ تَكُنْ نُبُوءَةً قَطُّ إِلَّا تَنَاسَخَتْ، حَتَّى يَكُونَ أَجْرُ عَاقِبَتِهَا مُلْكًَا، فَسَتَحْبُرُونَ وَتُجْرَبُونَ الْأَمْرَاءَ بَعْدَنَا.	٤٠
٩٠	وَتَرَكْتُمْ الْجِهَادَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذَلًّا...	٤١
٧١	وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عُمِّيَّةٍ يَعْضَبُ لِعَصْبَةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةَ فَقَتِيلَ فَقَتِيلَةٍ جَاهِلِيَّةٍ	٤٢
٩١	وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ	٤٣
١٠٦	هَلْ تَعْرِفُ مَا يَهْدِمُ الْإِسْلَامَ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا! قَالَ: «يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ، وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْأَيْمَةِ الْمُضِلِّينَ».	٤٤
١٠٦	هُمُ أَهْلُ الْبِدْعِ وَالْأَهْوَاءِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ.	٤٥
٥٨	يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَعْضُ لِلْبَصْرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ	٤٦

## فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
۱	ابن تیمیه	۳۸
۲	ابن حجر	۶۰
۳	ابن رجب	۲۲
۴	ابن عاشور	۱۱
۵	ابن عبدالبر	۵۵
۶	ابن قیم	۲۸
۷	ابن منظور افریقی.	۷
۸	ابو امیه شعبانی	۱۰۱
۹	أبو حفص نعماني	۲۰
۱۰	ابو حیان	۱۱
۱۱	ابو یعلیٰ خلیلی	۵۰
۱۲	إسماعیل بن محمد أنصاري	۷۳
۱۳	إسماعیل حقی	۱۰
۱۴	امام بغوی	۱۸
۱۵	امام بیضاوی	۱۹
۱۶	امام شعبی	۱۹
۱۷	امام طبری	۱۴
۱۸	امام غزالی	۲۶
۱۹	امام قرطبی	۱
۲۰	امام ماوردی	۲۳
۲۱	امام نووی	۴۶
۲۲	بدرالدین عینی	۲۲
۲۳	جمال الدین قاسمی	۳۲



۶۱	حمزه محمد قاسم	۲۴
۴۵	ذهبی	۲۵
۲۰	رافی	۲۶
۱۰۷	رحمانی مبارکفوری	۲۷
۴۳	زرکشی	۲۸
۸۶	زیاد بن علاقه	۲۹
۹۷	ساعاتی	۳۰
۱۴	سعدی	۳۱
۵۸	سلیمان بن محمد لهیمید	۳۲
۳۴	شاطبی	۳۳
۶۵	شیخ أحمد حطیبه	۳۴
۲۵	شیخ محمد بن صالح عثیم	۳۵
۷۶	صالح بن عواد بن صالح مغماسی	۳۶
۴۲	صبحی ابراهیم صالح	۳۷
۲۱	صنعانی	۳۸
۳۶	طاووس	۳۹
۱۰	طیبی	۴۰
۱۷	عبدالمحسن عباد	۴۱
۹۱	عزیزی	۴۲
۲۱	عظیم آبادی	۴۳
۳۴	عمر بن عبدالعزیز	۴۴
۲۷	عمر سلیمان اشقر	۴۵
۵۹	قرطبی	۴۶
۶۸	قسطلانی	۴۷
۸	محمد امین شنقیطی	۴۸
۵۹	محمد امین هرری	۴۹

۸۸	محمد بن علي بن آدم بن موسى إتيوبي ولوي	۵۰
۳۰	محمد خادمی	۵۱
۱۸	محمد متولی شعرای	۵۲
۹۳	محمد مختار شنقيطي	۵۳
۸	مرتضى زبيدي	۵۴
۸۶	ملا علی القاری	۵۵
۱۱	مناوی	۵۶
۷۱	موسی شاهین لاشین	۵۷
۳۰	نورالدين سندي	۵۸
۵۴	واحدی	۵۹

## فهرست مأخذ و منابع

### قرآن كريم

- ١- ابن النجار، محب الدين، ابو عبد الله، محمد بن محمود ابن الحسن بن هبة الله بن محاسن المعروف بابن النجار البغدادي (المتوفى ٦٤٣ هـ)، ذيل تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة: الاولى، دار الطبع: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
- ٢- ابن تيمية، أحمد بن عبد الحليم بن تيمية، تقي الدين أبو العباس الحراني (المتوفى: ٧٢٨ هـ)، مجموع الفتاوى، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، ١٤١٦ هـ / ١٩٩٥ م.
- ٣- ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢ هـ / ١٩٧٢ م.
- ٤- ابن حجر، أحمد بن حجر عسقلاني، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ترجمه وتوضيح: حسين تاجي گلّه داري، تهران، انتشارات ارديبهشت، ١٣٨١ هـ ش.
- ٥- ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩.
- ٦- ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، هدى الساري مقدمة فتح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ هـ.
- ٧- ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، تقريب التهذيب، المحقق: محمد عوامة، الناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
- ٨- ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ.
- ٩- ابن خلكان، أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر، أبو العباس شمس الدين ابن خلكان البرمكي الإربلي (المتوفى: ٦٨١ هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الجزء: ٢ - الطبعة: ٠، ١٩٠٠ م.

- ١٠- ابن راهويه، إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم أبو يعقوب الحنظلي المروزي المعروف بـ ابن راهويه (المتوفى: ٢٣٨هـ)، مسند إسحاق بن راهويه، المحقق: عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي، الناشر: مكتبة الإيمان - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ - ١٩٩١.
- ١١- ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثم الدمشقي، السلامي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، ذيل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٥ م.
- ١٢- ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: السابعة، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.
- ١٣- ابن رجب، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، زين الدين، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.
- ١٤- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى : ١٣٩٣هـ)، التحرير والتنوير، الناشر : الدار التونسية للنشر - تونس، ١٩٨٤ هـ.
- ١٥- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله بن عبد البر، أبو عمر النمري، الاستذكار، تحقيق: سالم محمد عطا ، محمد علي معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ، ١٤٢١ - ٢٠٠٠م.
- ١٦- ابن قاضي شهبة الأسيدي، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبي الدمشقي، تقي الدين (المتوفى: ٨٥١هـ)، طبقات الشافعية، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ.
- ١٧- ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين (المتوفى : ٧٥١هـ)، إعلام الموقعين عن رب العالمين، المحقق : طه عبد الرؤوف سعد، الناشر : مكتبة الكليات الأزهرية، مصر، القاهرة، الطبعة : ١٣٨٨هـ/١٩٦٨م.
- ١٨- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ)، طبقات الشافعيين، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاريخ النشر: ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م.
- ١٩- ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ)، مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضي الله عنه وأقواله على أبواب العلم، المحقق: عبد المعطي قلججي، دار النشر: دار الوفاء - المنصورة، الطبعة: الأولى، ١٤١١ هـ - ١٩٩١م.

- ٢٠- ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير، أبو الفداء القرشي الدمشقي (المتوفى : ٧٧٤هـ)، البداية والنهاية، حققه ودقق أصوله وعلق حواشيه : علي شيرري، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.
- ٢١- ابن منظور الإفريقي، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي، (المتوفى: ٧١١هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - ١٤١٤ هـ.
- ٢٢- أبو داود الطيالسي، سليمان بن داود بن الجارود أبو داود الطيالسي البصري (المتوفى: ٢٠٤هـ)، مسند أبي داود الطيالسي، المحقق: محمد بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر - مصر، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م.
- ٢٣- ابوداود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو، أبو داود الأزدي السجستاني (المتوفى: ٢٧٥هـ)، سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
- ٢٤- أحمد بابا بن أحمد بن الفقيه الحاج أحمد بن عمر بن محمد التكروري التنبكتي السوداني، أبو العباس (المتوفى: ١٠٣٦ هـ)، نيل الابتهاج بتطريز الديباج، الناشر: دار الكاتب، طرابلس - ليبيا، الطبعة: الثانية، ٢٠٠٠ م.
- ٢٥- أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني. (١٦٤، ٢٤١)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.
- ٢٦- إسماعيل بن محمد أمين بن مير سليم الباباني البغدادي (المتوفى: ١٣٩٩هـ)، هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، الناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجليّة في مطبعتها البهية استانبول ١٩٥١ أعادت طبعه بالأوفست: دار إحياء التراث العربي بيروت - لبنان.
- ٢٧- إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلوتي , المولى أبو الفداء (المتوفى: ١١٢٧هـ)، روح البيان، الناشر: دار الفكر - بيروت.
- ٢٨- الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
- ٢٩- الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن الترمذي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
- ٣٠- الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن النسائي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.

- ٣١- الألباني، محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح الجامع الصغير وزياداته، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت.
- ٣٢- الألباني، محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.
- ٣٣- الألباني، محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، التعليقات الحسان على صحيح ابن حبان وتمييز سقيمه من صحيحه، وشاذه من محفظه، الناشر: دار با وزير للنشر والتوزيع، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
- ٣٤- الاندلسي، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان، أثير الدين، أبو حيان الأندلسي (المتوفى: ٧٤٥هـ)، البحر المحيط في التفسير، المحقق: صدقي محمد جميل، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ.
- ٣٥- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، البخاري، الجعفي، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر، الناشر: دار طوق النجاة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ.
- ٣٦- البزار، أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي أبو بكر المعروف بالبزار (المتوفى: ٢٩٢هـ)، مسند البزار، المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت ١٩٨٨م، وانتهت ٢٠٠٩م).
- ٣٧- البغوي، الحسين بن مسعود، محيي السنة، أبو محمد (المتوفى: ٥١٠هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الرابعة، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
- ٣٨- البغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء الشافعي (المتوفى: ٥١٦ هـ)، مصابيح السنة، تحقيق: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، محمد سليم إبراهيم سمارة، جمال حمدي الذهبي، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.
- ٣٩- الترمذي، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى (المتوفى: ٢٧٩هـ)، سنن الترمذي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م.
- ٤٠- الحكري، مغطاي بن قليج بن عبد الله البكجري المصري الحنفي، أبو عبد الله، علاء الدين (المتوفى: ٧٦٢هـ)، إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد -

- أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٤١- حمزة محمد قاسم، منار القاري شرح مختصر صحيح البخاري، الناشر: مكتبة دار البيان، دمشق - الجمهورية العربية السورية، مكتبة المؤيد، الطائف - المملكة العربية السعودية، عام النشر: ١٤١٠ هـ - ١٩٩٠ م.
- ٤٢- الخادمي، محمد بن مصطفى بن عثمان، أبو سعيد الحنفي (المتوفى: ١١٥٦ هـ)، بريفة محمودية في شرح طريقة محمدية وشريعة نبوية في سيرة أحمديّة، الناشر: مطبعة الحلبي، ١٣٤٨ هـ.
- ٤٣- الخطابي، حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب أبو سليمان البستي المعروف بالخطابي (المتوفى: ٣٨٨ هـ)، معالم السنن، الناشر: المطبعة العلمية - حلب، الطبعة: الأولى ١٣٥١ هـ - ١٩٣٢ م.
- ٤٤- الخطيب البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي أبو بكر الخطيب البغدادي (المتوفى: ٤٦٣ هـ)، تاريخ بغداد، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م.
- ٤٥- الدارمي، عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد أبو محمد التميمي السمرقندي (المتوفى: ٢٥٥ هـ)، مسند الإمام الدارمي، درسه وضبط نصوصه وحققها: الدكتور/ مرزوق بن هياس آل مرزوق الزهراني، الناشر: (بدون ناشر) (طُبع على نفقة رجل الأعمال الشيخ جمعان بن حسن الزهراني)، الطبعة: الأولى، ١٤٣٦ هـ - ٢٠١٥ م.
- ٤٦- الداني، أبو عبد الله بن منير آل زهوي، سلسلة الآثار الصحيحة أو الصحيح المسند من أقوال الصحابة والتابعين، راجعه: عبد الله بن صالح العبيلان، الناشر: دار الفاروق، الطبعة: الأولى (ج ١: ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م، ج ٢: ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م).
- ٤٧- الداودي، محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين الداودي المالكي (المتوفى: ٩٤٥ هـ)، طبقات المفسرين للداودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
- ٤٨- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان. تذكرة الحفاظ، دراسة وتحقيق: زكريا عميرات، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م.
- ٤٩- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز شمس الدين أبو عبد الله (المتوفى: ٧٤٨ هـ)، سير أعلام النبلاء، الناشر: دار الحديث- القاهرة، الطبعة: ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م.
- ٥٠- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز، شمس الدين أبو عبد الله (المتوفى: ٧٤٨ هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِيَاتِ المشاهير وَالأعلام، الناشر: المكتبة التوفيقية.

- ٥١- الرازي، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، أبو عبد الله التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي  
خطيب الري (المتوفى: ٦٠٦هـ)، التفسير الكبير، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة:  
الثالثة - ١٤٢٠ هـ.
- ٥٢- الرافعي، عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم الرافعي القزويني (المتوفى: ٦٢٣هـ)، شرح  
مُسْنَد الشَّافِعِيِّ، المحقق: أبو بكر وائل محمد بكر زهران، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية  
إدارة الشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
- ٥٣- الرحماني المباركفوري، عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين، أبو  
الحسن الرحماني المباركفوري (المتوفى: ١٤١٤هـ)، مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر:  
إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند، الطبعة: الثالثة - ١٤٠٤ هـ،  
١٩٨٤ م.
- ٥٤- الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي (المتوفى:  
١٢٠٥هـ)، تاج العروس من جواهر القاموس، المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: دار الهداية.
- ٥٥- الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الدمشقي (المتوفى: ١٣٩٦هـ)، الأعلام،  
الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو ٢٠٠٢ م.
- ٥٦- الساعاتي، أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا (المتوفى: ١٣٧٨ هـ)، الفتح الرباني لترتيب مسند  
الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الثانية.
- ٥٧- السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، الناشر:  
هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ١٤١٣هـ.
- ٥٨- السخاوي، محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد، شمس الدين أبو الخير  
(المتوفى: ٩٠٢هـ)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت.
- ٥٩- السخاوي، محمد بن عبد الرحمن بن محمد، شمس الدين أبو الخير (المتوفى: ٩٠٢هـ)، المقاصد  
الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، المحقق: محمد عثمان الخشت، الناشر: دار  
الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م.
- ٦٠- سركيس، يوسف بن إليان بن موسى (المتوفى: ١٣٥١هـ)، معجم المطبوعات العربية والمعربة،  
الناشر: مطبعة سركيس بمصر ١٣٤٦ هـ - ١٩٢٨ م.



- ٦١- السعدي الأنصاري، إسماعيل بن محمد بن ماحي السعدي الأنصاري (المتوفى: ١٤١٧هـ)، التحفة الربانية في شرح الأربعين حديثاً النووي، الناشر: مطبعة دار نشر الثقافة - الإسكندرية، الطبعة: الأولى، ١٣٨٠ هـ.
- ٦٢- السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله (المتوفى: ١٣٧٦هـ)، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٦٣- السفاريني، شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي (المتوفى: ١١٨٨ هـ)، كشف اللثام شرح عمدة الأحكام، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - الكويت، دار النوادر - سوريا، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
- ٦٤- سليمان بن محمد اللهميد، إيقاظ الأفهام في شرح عمدة الأحكام، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
- ٦٥- سليمان بن محمد اللهميد، قرة العينين في شرح أحاديث مختارة من الصحيحين (١٠٠ حديث)، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
- ٦٦- السندي، محمد بن عبد الهادي التتوي، أبو الحسن، نور الدين (المتوفى: ١١٣٨هـ)، كفاية الحاجة في شرح سنن ابن ماجه، الناشر: دار الجيل - بيروت، بدون طبعة.
- ٦٧- السندي، محمد بن عبد الهادي التتوي، أبو الحسن، نور الدين (المتوفى: ١١٣٨هـ)، حاشية السندي على سنن النسائي، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ - ١٩٨٦ م.
- ٦٨- السوسي، شمس الدين، أبو عبد الله محمد بن محمد بن سليمان بن الفاسي بن طاهر الروداني السوسي المكي المالكي (المتوفى: ١٠٩٤هـ)، صلة الخلف بموصول السلف، المحقق: محمد حجي، دار النشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٨هـ، ١٩٨٨ م.
- ٦٩- السيوطي، جلال الدين - العلامة محمد ناصر الدين الألباني، السراج المنير في ترتيب أحاديث صحيح الجامع الصغير، الناشر: دار الصديق - توزيع مؤسسة الريان، الطبعة: الثالثة، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
- ٧٠- السيوطي، جلال الدين (٨٤٩ - ٩١١ هـ)، الجامع الكبير، المحقق: مختار إبراهيم الهائج - عبد الحميد محمد ندا - حسن عيسى عبد الظاهر، الناشر: الأزهر الشريف، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الثانية، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م.

- ٧١- السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى : ٩١١هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر : دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ١٣٨٧ هـ - ١٩٦٧ م.
- ٧٢- السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ)، طبقات الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٣.
- ٧٣- الشاطبي، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي الشهير بالشاطبي (المتوفى: ٧٩٠هـ)، الموافقات، المحقق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، الناشر: دار ابن عفان، الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٧هـ/ ١٩٩٧م.
- ٧٤- الشنقيطي، محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجكني (المتوفى : ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، الناشر : دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت - لبنان، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.
- ٧٥- الشنقيطي، محمد المختار بن محمد بن أحمد مزيد الجكني (المتوفى في المدينة: ١٤٠٥ هـ)، شرح سنن النسائي، الناشر: مطابع الحميضي (طبع على نفقة أحد المحسنين)، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ.
- ٧٦- الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: ١٢٥٠هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
- ٧٧- الشيباني، أبو بكر بن أبي عاصم وهو أحمد بن عمرو بن الضحاك بن مخلد (المتوفى: ٢٨٧هـ)، السنة، المحقق: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٠.
- ٧٨- صالح بن عواد بن صالح أبو هاشم المغامسي، شرح كتاب الرقاق من صحيح البخاري، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، الكتاب مرقم آليا، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ٥ دروس.
- ٧٩- صبحي إبراهيم الصالح (المتوفى: ١٤٠٧هـ)، علوم الحديث ومصطلحه - عرضٌ ودراسة، الناشر: دار العلم للملايين، بيروت - لبنان، الطبعة: الخامسة عشر، ١٩٨٤ م.
- ٨٠- الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك الصفدي (المتوفى: ٧٦٤هـ)، نكت الهميان في نكت العميان، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
- ٨١- صلاح الدين، محمد بن شاکر بن أحمد بن عبد الرحمن بن شاکر بن هارون بن شاکر الملقب بصلاح الدين (المتوفى: ٧٦٤هـ)، فوات الوفيات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٩٧٣م.

- ٨٢- الصنعاني، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: ١١٨٢هـ)، التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمّد إسحاق محمّد إبراهيم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٣٢ هـ - ٢٠١١ م.
- ٨٣- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ٣٦٠هـ)، مسند الشاميين، المحقق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤.
- ٨٤- الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر (المتوفى: ٣١٠هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٨٥- الطبيب أحمد حطية، شرح الترغيب والترهيب للمنذرى، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، الكتاب مرقم آليا، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ٥٥ درسا.
- ٨٦- الطبيب أحمد حطية، شرح رياض الصالحين، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، الكتاب مرقم آليا، ورقم الجزء هو رقم الدرس - ٩٨ درسا.
- ٨٧- الطيبي، شرف الدين الحسين بن عبد الله (٧٤٣هـ)، شرح الطيبي على مشكاة المصابيح، المحقق: عبد الحميد هنداوي، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز (مكة المكرمة - الرياض)، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
- ٨٨- عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٨ م.
- ٨٩- عبد الرحمن بن عبد اللطيف بن عبد الله بن عبد اللطيف بن عبد الرحمن بن حسن بن محمد بن عبد الوهاب، مشاهير علماء نجد وغيرهم، الناشر: طبع على نفقة المؤلف بإشراف دار اليمامة للبحث والترجمة والنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، ١٣٩٢هـ / ١٩٧٢م.
- ٩٠- عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن حمد العباد البدر، شرح الأربعين النووية، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية.
- ٩١- عدد من المختصين بإشراف الشيخ/ صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي، نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم، الناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة، الطبعة: الرابعة.

- ٩٢- العزيزى، علي بن الشيخ أحمد بن الشيخ نور الدين بن محمد بن الشيخ إبراهيم الشهير بالعزيزي، السراج المنير شرح الجامع الصغير في حديث البشير النذير، أعده للشاملة/ فريق رابطة النساخ برعاية (مركز النخب العلمية)، ترقيم الكتاب موافق للمطبوع.
- ٩٣- العظيم آبادي، محمد أشرف بن أمير بن علي بن حيدر، أبو عبد الرحمن، شرف الحق، الصديقي، (المتوفى: ١٣٢٩هـ)، عون المعبود شرح سنن أبي داود، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٥ هـ.
- ٩٤- على عبدالرحمن و اكرم القصاص، العالم الازهرى موسى لاشين، اليوم السابع تقارير مصرية، القاهرة، ٢٠٢٠م.
- ٩٥- عمر بن سليمان بن عبد الله الأشقر العتيبي، مَقَاصِدُ الْمُكَلْفِينَ فِيمَا يُتَعَبَّدُ بِهِ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، الناشر: مكتبة الفلاح، الكويت، الطبعة: الأولى، ١٤٠١ هـ - ١٩٨١ م.
- ٩٦- عمر بن علي بن موسى بن خليل البغدادي الأزجي، سراج الدين أبو حفص (المتوفى: ٧٤٩هـ)، الأعلام العلية في مناقب ابن تيمية، المحقق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٠هـ.
- ٩٧- عمر سليمان عبدالله الأشقر، روش عملي تزكيه در پرتو قرآن وسنت، مترجم: رسول ابوالمحمدي، ناشر: نشر احسان، چاپخانه مهارت، تهران - ايران، چاپ اول.
- ٩٨- العيني، محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي، أبو محمد بدر الدين العيني (المتوفى: ٨٥٥هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ٩٩- الغزالي، محمد بن محمد أبو حامد الطوسي (المتوفى: ٥٠٥هـ)، إحياء علوم الدين، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
- ١٠٠- الغزالي، محمد بن محمد، أبو حامد الطوسي (المتوفى: ٥٠٥هـ)، ميزان العمل، الناشر: دار المعارف، مصر، الطبعة: الأولى، ١٩٦٤ هـ.
- ١٠١- فريق من الباحثين مذكورة أسماؤهم في خانة المؤلف، معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
- ١٠٢- القاسمي، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق (المتوفى: ١٣٣٢هـ)، محاسن التأويل، المحقق: محمد باسل عيون السود، الناشر: دار الكتب العلميه - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٨ هـ.

- ١٠٣- القرطبي، أحمد بن عمر بن إبراهيم أبو العباس (٥٧٨ - ٦٥٦ هـ)، المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم، الناشر: (دار ابن كثير، دمشق - بيروت)، (دار الكلم الطيب، دمشق - بيروت)، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.
- ١٠٤- القرطبي، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي، أبو عبد الله شمس الدين (المتوفى: ٦٧١ هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م.
- ١٠٥- القسطلاني، أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين (المتوفى: ٩٢٣ هـ)، إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، الطبعة: السابعة، ١٣٢٣ هـ.
- ١٠٦- القضاعي، محمد بن سلامة بن جعفر بن علي بن حكوم، أبو عبد الله المصري (المتوفى: ٤٥٤ هـ)، مسند الشهاب، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٦.
- ١٠٧- القنَّوجي، أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري (المتوفى: ١٣٠٧ هـ)، التاج المكلل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
- ١٠٨- كحالة دمشق، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني (المتوفى: ١٤٠٨ هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت.
- ١٠٩- الكتاني، محمد عبْد الحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ١٣٨٢ هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ٢، ١٩٨٢ م.
- ١١٠- گوگل: جامع الكتب الإسلامية، موسى شاهين لاشين.
- ١١١- الماوردي، علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، أبو الحسن الشهير بالماوردي (المتوفى: ٤٥٠ هـ)، أدب الدنيا والدين، الناشر: دار ومكتبة الهلال - بيروت، ١٤٢١ هـ.
- ١١٢- محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله، عدة الصابرين - ابن قيم الجوزية، تحقيق: زكريا علي يوسف، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
- ١١٣- محمد بن صالح العثيمين، مصطلح حديث، اين كتاب از سايت كتابخانه عقیده دانلود شده است.

- ١١٤- محمد بن علي بن آدم بن موسى، مشارق الأنوار الوهاجة ومطالع الأسرار البهاجة في شرح سنن الإمام ابن ماجه، الناشر: دار المغني، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م.
- ١١٥- محمد خليل بن علي بن محمد بن محمد مراد الحسيني، أبو الفضل (المتوفى: ١٢٠٦ هـ)، سلك الدرر في أعيان القرن الثاني عشر، الناشر: دار البشائر الإسلامية، دار ابن حزم، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.
- ١١٦- محمد خير بن رمضان بن إسماعيل يوسف، تكملة مُعجم المؤلفين، الناشر: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.
- ١١٧- محمد خير رمضان يوسف، تنمة الأعلام للزركلي، الناشر: دار ابن حزم، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٢٢ هـ.
- ١١٨- محمد متولي الشعراوي (المتوفى: ١٤١٨ هـ)، تفسير الشعراوي، الناشر: مطابع أخبار اليوم، (ليس على الكتاب الأصل - المطبوع - أي بيانات عن رقم الطبعة أو غيره، غير أن رقم الإيداع يوضح أنه نشر عام ١٩٩٧ م).
- ١١٩- محمود بن أحمد بن محمود، أبو حفص طحان النعيمي، تيسير مصطلح الحديث، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الطبعة: الطبعة العاشرة ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.
- ١٢٠- محمود محمد خليل، المسند الجامع، الناشر: دار الجيل للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، الشركة المتحدة لتوزيع الصحف والمطبوعات، الكويت، الطبعة: الأولى، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م.
- ١٢١- المزي، يوسف بن عبد الرحمن جمال الدين أبو الحجاج (المتوفى: ٧٤٢ هـ)، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، المحقق: عبد الصمد شرف الدين، طبعة: المكتب الإسلامي، والدار القيمة، الطبعة: الثانية: ١٤٠٣ هـ، ١٩٨٣ م.
- ١٢٢- مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري، القشيري (المتوفى: ٢٦١ هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ١٢٣- المغراوي، محمد بن عبد الرحمن أبو سهل. موسوعة مواقف السلف في العقيدة والمنهج والتربية، الناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، القاهرة - مصر، النبلاء للكتاب، مراكش - المغرب، الطبعة: الأولى.

١٢٤- ملا على القارى، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: ١٠١٤هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م.

١٢٥- المناوي، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ١٠٣١هـ)، التيسير بشرح الجامع الصغير، الناشر: مكتبة الإمام الشافعي - الرياض، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٨هـ - ١٩٨٨م.

١٢٦- المناوي، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ١٠٣١هـ)، الإتحافات السنوية بالأحاديث القدسية، المحقق: عبد القادر الأرنؤوط - طالب عواد، الناشر: دار ابن كثير دمشق- بيروت.

١٢٧- المناوي، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: ١٠٣١هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ١٣٥٦.

١٢٨- موسى شاهين لاشين، فتح المنعم شرح صحيح مسلم، الناشر: دار الشروق، القاهرة، الطبعة: الأولى (لدار الشروق)، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م.

١٢٩- النسائي، أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، أبو عبد الرحمن (المتوفى: ٣٠٣هـ)، المجتبى من السنن = السنن الصغرى للنسائي، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ - ١٩٨٦.

١٣٠- النووي، يحيى بن شرف أبو زكريا محيي الدين (المتوفى: ٦٧٦هـ)، التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير في أصول الحديث، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

١٣١- النووي، يحيى بن شرف بن مري أبو زكريا النووي، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، ١٣٩٢.

١٣٢- النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين (المتوفى: ٦٧٦هـ)، الأربعين النووية، الناشر: مؤسسة الريان (بيروت - لبنان)، المكتبة المكيّة (مكة - المملكة)، الطبعة: السادسة، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م.

١٣٣- الهرري، محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي الهري الشافعي، الكوكب الوهاج شرح صحيح مسلم، الناشر: دار المنهاج - دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠هـ - ٢٠٠٩م.

- ١٣٤- الهرري، محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي الهرري الشافعي، تفسير حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، الناشر: دار طوق النجاة، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.
- ١٣٥- الهيثمي، نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان (المتوفى: ٨٠٧هـ)، كشف الأستار عن زوائد البزار، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م.
- ١٣٦- الهيثمي، نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان أبو الحسن الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، عام النشر: ١٤١٤ هـ، ١٩٩٤ م.
- ١٣٧- الواحدي، علي بن أحمد بن محمد بن علي، أبو الحسن الواحدي، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: ٤٦٨هـ)، التفسير البسيط، الناشر: عمادة البحث العلمي - جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ.
- ١٣٨- وليد بن حُسَني بن بَدوي بن مُحَمَّد الأموي، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تيمية، بيروت، الناشر: دار الفكر، ١٤٣٠ هـ.



## Discussion's summary

Discussion's summary about gathering and checking Sahah e Sittah and Masanid Hadiths regarding obedience of Hawa is as follow; Obedience of Hawa is a tendency of Nafs toward things that are not permitted from Allah subhana wa Taallah and Nafs receive contentment and joy from them, and are also against things that truth and righteousness invites to. Ayas' of Quran, Hadiths, sayings of Sahaba , words of Mufasirin and Muhadesin tell us that obedience of Hawa is a reprehensible and against ethics act. Hawa is divided into two parts; Mazmom (reprehensible) and Mahmood but absolute Hawa indicates to its Mazmom (reprehensible) type. Following Hawa have its threats for instance: it causes corruption, destruction of sky and earth and anything between them, Misguide and misdirect people, invalidates good deeds, It causes forbidden to happen and delay in commandments. There are plenty ways to avoid destruction of Hawa for instance; change direction and tendency from forbidden lust to halal lust, will reinforcement, calculation with inner self, and doing good deeds a lot.

The term Sahah Sittah indicates to; ١-Sahih Bukhari, ٢-Sahih Muslim, ٣-Sunan alsughra (Sunan Nasai), ٤-Sunan Abu Dawood, ٥-Jami al- Timidhi, ٦-Sunan ibn Majah. And the term Masanid indicates to any book in which narrations of every Sahaba are gathered independently and separately, without considering the issue that hadiths is belonged and related to, for example Imam Ahmad Hanble's Masnad. I divided Sahah Sittah hadiths about obedience of Hawa into two parts, Hadiths from Sahih Muslim and Sahih al Bukhari, I gathered over all ٢١ hadiths about obedience of Hawa, that ٤ of them are Mutafiq Alaih, which four (٤) of them are from Sahih al Bukhari, and nine (٩) of them are from Sahih al Muslim. In the second part after tracking effort I compiled eleven (١١) hadiths over all from Sunan Arba'ah. In the end it must be mentioned that; fight and struggle against Hawa obedience causes success and salvation for a person and struggling against Hawa obedience is the best Jihad, Hawa obedience corrupts heart, Love of Allah and his messenger causes distance from Hawa obedience, obedience of Hawa result wrong doubts, misdirect human and result in lack of recognition of the truth, Deprive from entering to Allah's paradise and make hell mandatory. Likewise Obedience of Hawa take human down near to animals' level, humiliate a person, and increase cruelty on others and take good deeds away and moves human toward bad deeds.



**Salam University**

**Faculty of Sharia and Law**

**Master`s Program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emarat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

**Collection and review of Sihah Sitta  
and Masanid Hadiths regarding  
disobedience of Hawaa (Lowly Desires)  
(Master`s Thesis)**

**Student: Abdulbari "Azizi"**

**Instructor Supervisor: Dr. Fasihullah "Abdulbaqi"**

**Year ..... ۲۰۲۱**



**Salam University**

**Faculty of Sharia and Law**

**Master`s Program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emarat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

**Collection and review of Sihah Sitta  
and Masanid Hadiths regarding  
disobedience of Hawaa (Lowly Desires)  
(Master`s Thesis)**

**Student: Abdulbari “Azizi”**

**Instructor Supervisor: Dr. Fasihullah “Abdulbaqi”**

**Year ..... 2021**